

از دواج پیوند آسمانی



جلد ۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از دواج از دیدگاه قرآن و سنت

نویسنده:

محمد بیستونی

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	ازدواج از دیدگاه قرآن و سنت (جلد ۱)
۸	مشخصات کتاب
۸	فهرست مطالب
۱۱	الإهداء
۱۱	متن تأییدیه حضرت آیت الله خزعلی مفسر و حافظ کل قرآن کریم
۱۲	تعریف ازدواج
۱۳	ازدواج یک سنت الهی است
۱۴	اهمیت و فضیلت ازدواج
۱۴	ترغیب به ازدواج آسان و فراهم کردن مقدمات ازدواج برای افراد
۱۶	ترک ازدواج به خاطر ترس از فقر و کیفر آن
۱۸	ترک ازدواج در ادیان دیگر
۱۹	هدف از ازدواج سکونت و آرامش است
۲۰	ازدواج وسیله‌ای برای حفظ نوع بشر و وسیله‌ای برای تربیت فرزندان صالح
۲۱	آثار دنیوی ازدواج
۲۲	آثار اخروی ازدواج
۲۳	ازدواج بر پایه ایمان و اخلاق
۲۳	ازدواج بر پایه مادیات و شهوت
۲۳	پیش از انتخاب همسر چه باید کرد؟
۲۴	هم کفو بودن در ازدواج
۲۵	ذکر مصادیقی از هم کفو بودن در عصر کنونی
۲۵	ذکر مصادیقی از هم کفو بودن در عصر کنونی
۲۵	۱ - همتایی در ایمان

- ۲ - همتایی در سن ۲۶
- ۳ - همتایی در دانش ۲۷
- ۴ - همتایی فکری و فرهنگی ۲۹
- ۵ - همتایی اخلاقی ۲۹
- ۶ - همتایی جسمی و جنسی ۳۰
- ۷ - همتایی سیاسی ۳۱
- ۸ - همتایی روحی و روانی ۳۱
- ۹ - همتایی در زیبایی ۳۲
- ۱۰ - همتایی خانوادگی ۳۳
- اوصاف شایسته در انتخاب همسر ۳۵
- نگاه کردن پیش از ازدواج ۴۰
- نگاه کردن از دیدگاه فقهی ۴۱
- پیشنهاد پدر و کسان دختر در ازدواج با پسر عیب نیست ۴۱
- آیا می‌توان با همسری بدون مهر ازدواج کرد؟ ۴۲
- تعبیر به «ازدواج» همسران دائمی و موقت هر دو را شامل می‌شود ۴۳
- شرایط عقد ازدواج دائم و موقت ۴۳
- دستور خواندن عقد ازدواج دائم و موقت ۴۴
- دستور خواندن عقد دائم ۴۴
- دستور خواندن عقد موقت (غیردائم) ۴۴
- فسخ عقد ازدواج ۴۵
- تعریف واژه مهر (صداق) ۴۶
- فلسفه مهریه ۴۷
- فلسفه مهریه ۴۷
- ۱ - مهریه تجلی فطرت و طبیعت است ۴۷

- ۲ - مهر قانون عشق و جذب است ۴۹
- ۳ - مهریه پاداش و نشانه حیا و عزت زن است ۵۲
- ۴ - مهر باعث کنترل و بقاء خانواده می‌شود ۵۳
- ۵ - مهر موجب تعادل اقتصادی است ۵۳
- ۶ - مهر عطیه الهی به زن است ۵۴
- ۷ - مهریه پیمان صداقت است ۵۴
- ۸ - مهریه تضمین مادی امنیت تربیت است ۵۵
- تعیین مهر با رضایت زوجین ۵۶
- مقدار مهریه ۵۶
- مقدار مهریه ۵۶
- ۱ - قائلین به محدودیت مهر ۵۷
- ۲ - عدم محدودیت در مهر ۵۸
- عدم محدودیت در مهر ۵۸
- کمبود مهر مستحب است و زیادی آن مکروه ۶۱
- مهر متاع باشد یا نقدینگی (پول) ۶۳
- معلوم بودن مهر ۶۶
- مهریه و ملکیت آن ۶۶
- حکم شیربها ۶۸
- حبس مهریه ۶۸
- فهرست منابع و مآخذ ۷۱
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۷۲

ازدواج از دیدگاه قرآن و سنت (جلد ۱)

مشخصات کتاب

سرشناسه: بیستونی محمد، - ۱۳۳۷
 عنوان و نام پدیدآور: ازدواج از دیدگاه قرآن و سنت / Marriage in Quran and Tradition / با نظارت محمد بیستونی
 گروه تحقیق لیلا حمداللهی زهره نوری علیرضا مقسمی باهمکاری و کارشناسی اسدالله اسدی گرامرودی
 مشخصات نشر: تهران: بیان جوان، ۱۳۸۴.
 مشخصات ظاهری: ۴۱۷ ص ۱۷×۱۱ س.م.
 فروست: ... سری کتابهای روش انس با قرآن
 شابک: ۹۶۴-۸۳۹۹-۳۸-۷
 وضعیت فهرست نویسی: فاپا
 یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس
 موضوع: زناشویی (اسلام).
 شناسه افزوده: حمداللهی لیلا، - ۱۳۵۷
 شناسه افزوده: نوری زهره
 شناسه افزوده: مقسمی علیرضا
 شناسه افزوده: اسدی گرامرودی اسدالله، - ۱۳۴۰
 رده بندی کنگره: BP۲۳۰/۱۷/ب۹الف ۴
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۳۱
 شماره کتابشناسی ملی: م ۸۴-۱۵۴۸۶

فهرست مطالب

موضوع صفحه

- ۵۰۰۰ متن تأییدیه حضرت آیت الله خزعلی مفسر و حافظ کل قرآن کریم
 - ۷۰۰۰ تعریف ازدواج
 - ۱۲۰۰۰ ازدواج یک سنت الهی است
 - ۱۴۰۰۰ اهمیت و فضیلت ازدواج
 - ۱۶۰۰۰ ترغیب به ازدواج آسان و فراهم کردن مقدمات ازدواج برای افراد
 - ۲۲۰۰۰ ترک ازدواج به خاطر ترس از فقر و کیفیت آن
 - ۳۰۰۰۰ ترک ازدواج در ادیان دیگر
 - ۳۲۰۰۰ هدف از ازدواج سکونت و آرامش است
- (۲۳۵)

ازدواج وسیله‌ای برای حفظ نوع بشر و وسیله‌ای برای تربیت فرزندان صالح ۳۶۰۰۰

فهرست مطالب

موضوع صفحه

آثار دنیوی ازدواج ۴۱۰۰۰

آثار اخروی ازدواج ۴۴۰۰۰

ازدواج بر پایه ایمان و اخلاق ۴۵۰۰۰

ازدواج بر پایه مادیات و شهوت ۴۷۰۰۰

پیش از انتخاب همسر چه باید کرد ۴۸۰۰۰؟

هم کفو بودن در ازدواج ۵۰۰۰۰

ذکر مصادیقی از هم کفو بودن در عصر کنونی ۵۵۰۰۰

(۲۳۶)

۱- همتایی در ایمان ۵۵۰۰۰

۲- همتایی در سن ۵۷۰۰۰

فهرست مطالب

موضوع صفحه

۳- همتایی در دانش ۶۰۰۰۰

۴- همتایی فکری و فرهنگی ۶۷۰۰۰

۵- همتایی اخلاقی ۶۸۰۰۰

۶- همتایی جسمی و جنسی ۷۱۰۰۰

۷- همتایی سیاسی ۷۶۰۰۰

۸- همتایی روحی و روانی ۷۶۰۰۰

(۲۳۷)

۹- همتایی در زیبایی ۷۷۰۰۰

۱۰- همتایی خانوادگی ۸۰۰۰۰

فهرست مطالب

موضوع صفحه

اوصاف شایسته در انتخاب همسر ۸۹۰۰۰

نگاه کردن پیش از ازدواج ۱۰۴۰۰۰

نگاه کردن از دیدگاه فقهی ۱۰۷۰۰۰

پیشنهاد پدر و کسان دختر در ازدواج با پسر عیب نیست ۱۰۹۰۰۰

آیا می‌توان با همسری بدون مهر ازدواج کرد ۱۱۳۰۰۰؟

تعبیر به «ازدواج» همسران دائمی و موقت هر دو را شامل می‌شود ۱۱۶۰۰۰

(۲۳۸)

شرایط عقد ازدواج دائم و موقت ۱۱۷۰۰۰

دستور خواندن عقد ازدواج دائم و موقت ۱۱۸۰۰۰

فهرست مطالب

موضوع صفحه

دستور خواندن عقد دائم ۱۱۹۰۰۰

دستور خواندن عقد موقت (غیر دائم) ۱۲۰(۰۰۰)

فسخ عقد ازدواج ۱۲۱ ۰۰۰

تعریف واژه مَهْر (صداق) ۱۲۷(۰۰۰)

فلسفه مهریه ۱۲۹۰۰۰

۱- مهریه تجلی فطرت و طبیعت است ۱۳۰۰۰۰

(۲۳۹)

۲- مهر قانون عشق و جذب است ۱۳۷۰۰۰

۳- مهریه پاداش و نشانه حیا و عزت زن است ۱۴۶۰۰۰

فهرست مطالب

موضوع صفحه

۴- مهر باعث کنترل و بقاء خانواده می شود ۱۴۹۰۰۰

۵- مهر موجب تعادل اقتصادی است ۱۵۲۰۰۰

۶- مهر عطیه الهی به زن است ۱۵۵۰۰۰

۷- مهریه پیمان صداقت است ۱۵۷۰۰۰

۸- مهریه تضمین مادی امنیت تربیت است ۱۵۹۰۰۰

تعیین مهر با رضایت زوجین ۱۶۲۰۰۰

(۲۴۰)

مقدار مهریه ۱۶۳۰۰۰

۱- قائلین به محدودیت مهر ۱۶۴ ۰۰۰

فهرست مطالب

موضوع صفحه

نقد نظریه قائلین به محدودیت مهریه ۱۶۹۰۰۰

۲- عدم محدودیت در مهر ۱۷۲ ۰۰۰

کم بودن مهر مستحب است و زیادی آن مکروه ۱۸۳۰۰۰

مهر متاع باشد یا نقدینگی (پول) ۱۹۱(۰۰۰)

معلوم بودن مهر ۱۹۹۰۰۰

مهریه و ملکیت آن ۲۰۱۰۰۰

(۲۴۱)

مهریه ملک زن است ۲۰۱ ۰۰۰

حکم شیربها ۲۰۶۰۰۰

حبس مهریه ۲۰۸۰۰۰

(۲۴۲)

الإهداء

إِلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ
 رَسُولِ اللَّهِ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ إِلَى مَوْلَانَا
 وَ مَوْلَى الْمُؤَحِّدِينَ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى بَضْعِهِ
 الْمُضْطَفَى وَ بَهَجَةِ قَلْبِهِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ إِلَى سَيِّدِي
 شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّبْطَيْنِ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ إِلَى الْأَيْمَةِ النَّشْعَةِ
 الْمَعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ سَيِّمًا بَقِيَّتِهِ اللَّهُ فِي الْأَرْضِينَ وَ وَارِثِ عُلُومِ
 الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ، الْمَعْدِّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ وَ الْمُدْخِرِ لِأَحْيَاءِ الْفَرَانِضِ وَ مَعَالِمِ الدِّينِ ،
 الْحُجَّجَةِ بْنِ الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعَصْرِ وَ الزَّمَانِ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرْجَهُ الشَّرِيفَ فَيَا مُعَزَّ
 الْأَوْلِيَاءِ وَ يَأْمُدِلِ الْأَعْدَاءِ أَيُّهَا السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ قَدَّمَسْنَا
 وَ أَهْلَنَا الضَّرَّ فِي غَيْبَتِكَ وَ فِرَاقِكَ وَ جِئْنَا بِبِضَاعِهِ
 مُزْجَاهٍ مِنْ وِلَائِكَ وَ مَحَبَّتِكَ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ مِنْ مَنِّكَ وَ
 فَضْلِكَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا بِنَظَرِهِ رَحْمَةً مِنْكَ
 إِنَّا نَرِيكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

(۴)

متن تأییدیه حضرت آیت الله خزعلی مفسر و حافظ کل قرآن کریم

بسم الله الرحمن الرحيم

هر زمانی را زبانی است یعنی در بستر زمان خواسته‌هایی نو نو پدید می‌آید که مردم آن دوران خواهان آنند. با وسایل صنعتی و رسانه‌های بی سابقه خواسته‌ها مضاعف می‌شود و امروز با اختلاف تمدن‌ها و اثرگذاری هریک در دیگری آرمان‌های گوناگون و خواسته‌های متنوع ظهور می‌یابد بر متفکران دوران و افراد دلسوز خودساخته در برابر این هنجارها فرض است تا کمر خدمت را محکم ببندند و این خلأ را پر کنند همان گونه که علامه امینی با الغدیرش و علامه طباطبایی با المیزانش. در این میان نسل جوان را باید دست گرفت و بر سر سفره این پژوهشگران نشانند و رشد داد. جناب آقای دکتر محمد بیستونی رئیس هیئت مدیره مؤسسه قرآنی تفسیر جوان به فضل الهی این کار را بعهدہ گرفته و آثار ارزشمند مفسران را با زبانی ساده و بیانی

(۵)

شیرین، پیراسته از تعقیدات در اختیار نسل جوان قرار داده علاوه بر این آنان را به نوشتن کتابی در موضوعی که منابع را در اختیارشان قرار داده دعوت می‌کند. از مؤسسه مذکور دیدار کوتاهی داشتیم، از کار و پشتکار و هدفمند بودن آثارشان اعجاب و تحسینم شعله‌ور شد، از خداوند منان افاضه بیشتر و توفیق افزونی برایشان خواستارم. به امید آنکه در مراحل غیرتفسیری هم از معارف اسلامی درهای وسیعی برویشان گشاده شود.

آمین رب العالمین .

۲۱ ربیع الثانی ۱۴۲۵

۲۱ خرداد ۱۳۸۳

ابوالقاسم خزعلی

(۶)

تعریف ازدواج

- تعریف لغوی: این واژه در لغت به معنی آمیزش جنسی و عقد است که برخی از پیشوایان لغت، وضع آن را در معنی اول و برخی دیگر در معنی دوم و بالتبع در دیگری به استعاره دانسته‌اند. این واژه در اصطلاح شرعی نیز عقدی است که به نحوه خاص، مشتمل بر ایجاب و قبول بین زن و مرد منعقد می‌گردد. در قرآن کریم بیش از پنجاه آیه به مسأله نکاح و لواحق آن اختصاص یافته است. ازدواج در قرآن کریم با عبارات مختلفی از جمله، ازدواج، انکاح و... بیان شده است، زوج (۱) به هر دو قرین از مذکر و مؤنث در حیوانات و گیاهان و انسان‌ها اطلاق می‌شود که با هم ازدواج یافته‌اند. «ازدواج» (۲) یعنی با هم جفت شدن و

۱- قاموس قرآن قرشی .

۲- فرهنگ فارسی عمید .

ازدواج (۷)

جفت گرفتن یا زن گرفتن مرد و شوهر کردن زن، و «انکاح» (۱) از باب افعال یعنی تزویج کردن زنی با مردی و بالعکس و همچنین به معنای بسته شدن و گره زدن زن و شوهر به یکدیگر می‌باشد.

زوج و ازدواج در انسان‌ها و جانداران در آیاتی چند بیان شده از جمله:

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً... : و از نشانه‌های او اینکه خلق کرد برای شما از خود شما جفت‌هایی تا با آنها انس بگیرید و آرامش یابید و قرار داد بین شما دوستی و رحمت... (۲).

« فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا

۱- قاموس قرآن قرشی .

۲- ۲۱ / روم .

ازدواج (۸)

يَذُرُّكُمْ فِيهِ... : او آفریننده آسمان‌ها و زمین است و از جنس شما همسرانی برای شما قرارداد و جفت‌هایی از چهارپایان آفرید و شما را به این وسیله (به وسیله همسران) تکثیر کند، ... (۱).

«وَالْأَرْضِ مِمَّا دَخَلْنَا فِيهَا رِوَايَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ : و چگونه زمین را گسترانیدیم و در آن کوه‌ها افکندیم و در زمین رویانیدیم از هر گیاهی جفت که خوش‌منظره و بهجت‌آور است». (۲)

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ : منزّه است آن کسی که تمام «زوج‌ها» را خلق کرد تماما از آنچه از زمین روییده می‌شود و از خود آنها». (۳)

۱- ۱۱ / شوری .

۲- ۷ / ق .

۳- ۳۶ / یس .

ازدواج (۹)

«ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ مِنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ : هَشْتِ جَفْتٍ مِنْ نَرٍ وَمَادَةٍ مِنْ چَهَارِ پَایانِ آفَرِید ، از مِیشِ دُو جَفْتِ و از بَزِ دُو جَفْتِ ...» (۱)

وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ : و از هر چیزی جفت خلق کردیم شاید شما متذکر شوید». (۲)

در اسلام و قرآن ، ازدواج از مبانی زندگی سالم و معنوی معرفی شده تا آنجا که حضرت محمد صلی الله علیه و آله نکاح را سنت خود معرفی کرده و فرموده است «هر کس از سنت من روی گرداند ، از من نیست» (۳) . ازدواج حادثه‌ای مهم و باارزش ، بلکه

۱- ۱۴۳ / انعام .

۲- ۴۹ / ذاریات .

۳- بحار الانوار ، جلد ۱۰۳ ، صفحه ۱۲۲۰ .

ازدواج (۱۰)

تولیدی دوباره برای انسان است ازدواج یعنی تشکیل زندگی مشترک و یکی شدن برای رسیدن به آرامش و حفظ نسل و تربیت انسان‌های برتر از خود ، از آنجا که غریزه جنسی غریزه‌ای است سرکش و نیرومند و ریشه‌دار که در نهاد هر بشری قرار داده شده است و روشن است که وجود این غریزه تنها برای لذت بردن و تمتع نیست بلکه اثر وجودی این غریزه روی نظام حکیمانه الهی و برای تولید نسل و بقاء نوع بشر است .

اصولاً خویشتنداری در برابر آن نیاز به تقوی و پرهیزکاری فراوان و ایمان قوی و نیرومند دارد بنابراین تنها راهی که بتواند جوابگوی تمام خواسته‌های جنسی باشد ازدواج مشروع و قانونی و گرفتن همسر است .

خداوند در این باره می‌فرماید :

«إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ . فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَاُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ : و آنها که تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند

ازدواج (۱۱)

که در بهره‌گیری از آنها ملامت نمی‌شوند . و هر کس غیر این طریق را طلب کند ، تجاوزگر است». (۱)

ازدواج یک سنت الهی است

گرچه امروز مسأله ازدواج آن قدر در میان آداب و رسوم غلط و حتی خرافات پیچیده شده که به صورت یک جاده صعب‌العبور برای جوانان درآمده است ولی قطع نظر از این پیرایه‌ها ازدواج یک حکم فطری و هماهنگ‌کننده قانون آفرینش است که انسان برای بقاء نسل و آرامش جسم و روح و حل مشکلات زندگی احتیاج به ازدواج سالم دارد.

اسلام که هماهنگ‌کننده با آفرینش گام برمی‌دارد نیز در این زمینه تعبیرات جالب و

۱- ۶ و ۷ / مؤمنون .

ازدواج (۱۲)

مؤثری دارد .

از جمله حدیث معروف پیامبر است : «ازدواج کنید تا نسل شما فزونی گیرد که من با فزونی جمعیت شما در قیامت به دیگر امت‌ها مباحث می‌کنم». (۱)

و در حدیث دیگری از آن حضرت می‌خوانیم : «کسی که همسر اختیار می‌کند نیمی از دین خود را محفوظ داشته و باید

مراقب نیم دیگر باشد» (۲).

باز در حدیث دیگری می‌فرمایند: «بدترین شما مجردانند» (۳).

و همچنین فرموده‌اند: «هر که برای پاک نگه داشتن خود از آنچه خداوند حرام کرده است ازدواج کند بر خداست که به او کمک کند» (۴).

۱- سفینه البحار، جلد ۱، صفحه ۵۶۱.

۲- سفینه البحار، جلد ۱، صفحه ۵۶۲.

۳- مجمع البیان، ذیل آیه مورد بحث.

۴- میزان الحکمه، جلد ۵، صفحه ۲۲۵۲.

ازدواج (۱۳)

این احادیث نشان می‌دهد که ازدواج یک سنت الهی است و از محبوب‌ترین عبادت‌ها به حساب می‌آید و با اقدام به این امر مقدس، لذت‌زدگی‌رامی توان احساس کرد و دین و شخصیت اجتماعی را از سقوط و انحراف و هوس‌های شیطنانی حفظ کرد.

اهمیت و فضیلت ازدواج

«وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَسِيعٌ عَلِيمٌ: مردان و زنان بی‌همسر را همسر دهید و همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را اگر فقیر و تنگدست باشند خداوند آنان را از فضل خود بی‌نیاز می‌سازد، خداوند واسع و آگاه است» (۱).

۱- ۳۳ / نور.

ازدواج (۱۴)

خداوند متعال در قرآن مجید و پیشوایان و امامان معصوم در احادیث خود بدان ترغیب می‌نمایند و این امر مهم را یک فریضه مقدس و پرثمر معرفی می‌کنند که در زیر به چند مورد از آنها اشاره می‌شود:

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمایند: «هیچ بنایی در اسلام، به اندازه ازدواج، ارزشمندتر و محبوب‌تر در پیشگاه خداوند متعال نمی‌باشد» (۱).

امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «هیچ لذت و عیشی در دنیا و آخرت، بالاتر از مجامعت با زنان و ازدواج نمی‌باشد» (۲).

«ارزش هیچ چیز نزد خداوند متعال، به اندازه خانه‌ای نیست که برای

۱- وسایل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۳.

۲- روضة المتقین، جلد ۸، صفحه ۸۸.

ازدواج (۱۵)

ازدواج ساخته می‌شود» (۱).

امام محمدباقر علیه‌السلام می‌فرمایند: «دو رکعت نماز شخص متأهل بهتر از شب زنده‌داری شخص مجرد است که تمام شب را به نماز ایستاده و روزش را به روزه‌داری بپردازد» (۲).

ترغیب به ازدواج آسان و فراهم کردن مقدمات ازدواج برای افراد

«وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ ...: مردان و زنان

۱- فروع کافی، جلد ۵، صفحه ۳۲۸.

۲- سفینه البحار، جلد ۲، صفحه ۱۸۳.

(۱۶) ازدواج

بی‌همسر را همسر دهید و همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را اگر فقیر و تنگدست باشند.

وَأَنْكِحُوا: ازدواج کنید، به همسری دهید. أَنْكِحْ: ازدواج کن.

ایاما: مردان بی‌همسر، زنان بی‌شوهر، دختران و پسران مجرد، جمع‌ایم.

صَالِحِينَ: شایستگان، نیکان، جمع صالح. عِبَاد: بندگان، بردگان، جمع عبد.

إِماء: کنیزکان، برده‌های زن، جمع أُمَّة.

آیه فوق علاوه بر اینکه به طور ضمنی هر فرد انسان را به نکاح و همسرگزینی ترغیب و توصیه می‌کند افراد جامعه را نیز به یک امر بالاتر از این موظف می‌دارد و به آنان فرمان می‌دهد که تسهیلات لازم را در امر ازدواج جوانانتان فراهم سازید. مسأله ازدواج و همسرگزینی را در جامعه گسترش دهید و از این طریق از شیوع فحشاء و فساد در جامعه جلوگیری نمایید.

«أَنْكِحُوا» (آنها را همسر دهید) با اینکه ازدواج یک امر اختیاری و بسته به میل طرفین است، مفهومش این است که مقدمات ازدواج آنها را فراهم سازید، از طریق کمک‌های مالی در صورت نیاز، پیدا کردن همسر مناسب، تشویق به

ازدواج (۱۷)

مسأله ازدواج و بالاخره پادرمیانی برای حل مشکلاتی که معمولاً در این موارد بدون وساطت دیگران انجام‌پذیر نیست.

بدون شک اصل تعاون اسلامی ایجاب می‌کند که مسلمانان در هر زمینه به یکدیگر کمک کنند ولی تصریح به این امر در مورد ازدواج دلیل بر اهمیت ویژه آن است.

چنانچه در حدیثی از امیرمؤمنان علی علیه‌السلام می‌خوانیم:

«بهترین شفاعت آن است که میان دو نفر برای امر ازدواج میانجیگری کنی تا این امر به سامان برسد». (۱)

در حدیثی از امام کاظم علیه‌السلام می‌خوانیم:

«سه طایفه‌اند که در روز قیامت در سایه عرش خداوند قرار دارند، روزی که

۱- وسایل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۲۷.

ازدواج (۱۸)

سایه‌ای جز سایه او نیست: کسی که وسایل تجویز برادر مسلمانش را فراهم سازد و کسی که به هنگام نیاز به خدمت، خدمت‌کننده‌ای

برای او فراهم کند و کسی که اسرار برادر مسلمانش را پنهان دارد». (۱)

و همچنین از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌خوانیم:

«هر گامی، انسان در این راه بردارد و هر کلمه‌ای بگوید، ثواب یک سال عبادت در نامه عمل او

می‌نویسد». (۲)

رسول خدا فرمودند:

«مردان بدون همسر را زن بدهید زیرا با این کار خداوند اخلاق آنان را

۱- وسایل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۲۷.

۲- وسایل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۲۷.

ازدواج (۱۹)

نیکو و روزی‌های آنها را زیاد می‌کند و بر جوانمردی آنان می‌افزاید». (۱)

همچنین فرمودند:

«هرکس برای رضای خدا ازدواج کند و برای رضای خدا کسی را به ازدواج دیگری در آورد سزاوار ولایت و

دوستی خداست». (۲)

و نیز فرمودند:

«هرکه مؤمن عزبی را زن دهد تا آن زن همدم و مایه پشت گرمی و آسایش او باشد خداوند حورالعین بهشتی به همسری او

دهد و در آنجا با

۱- بحارالانوار، جلد ۱۰۳، صفحه ۲۲۲.

۲- المحجۀ البيضاء، جلد ۳، صفحه ۵۳.

(۲۰) ازدواج

هریک از اهل خانواده و دوستان ایمانی‌اش که بخواهد همدم گرداند». (۱)

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«بهترین وساطت‌ها این است که در میان دو نفر در امر ازدواج وساطت شود تا سر و سامان بگیرند». (۲)

بنابراین با استفاده از آیه مورد بحث و احادیث مربوطه نتیجه می‌گیریم که پیروان اسلام باید سعی کنند به سادگی و بدون تکلفات و

هزینه‌های کمرشکن، آن را در جامعه عملی و برگزار کنند و رسم‌های غیراسلامی را که مانع اجرای این امر مقدس در جامعه

گردیده کنار بگذارند و تشویق در امر ازدواج مجردان و هرگونه کمک ممکن به این امر باشند، مخصوصاً اسلام در مورد فرزندان

مسئولیت سنگینی بر دوش پدران افکنده و پدران و مادرانی را که بی تفاوت

۱- میزان الحکمه، جلد ۵، صفحه ۲۲۵۴.

۲- میزان الحکمه، جلد ۵، صفحه ۲۲۵۴.

ازدواج (۲۱)

هستند شریک جرم انحراف فرزندان شمرده چنانکه در حدیثی از پیامبر می‌خوانیم:

«کسی که فرزندش به حد رشد می‌رسد و امکانات تزویج او را داشته است و اقدام نمی‌کند و در نتیجه فرزند مرتکب گناهی شود

این گناه بر هر دو نوشته می‌شود و وی شریک گناه فرزند خواهد بود». (۱)

ترک ازدواج به خاطر ترس از فقر و کیفر آن

«... إِنَّ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ: اگر چنانچه فقیر و تنگدست باشند خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز

می‌سازد، خداوند واسع و

۱- تفسیر مجمع‌البیان، جلد ۷، صفحه ۱۴۰.

(۲۲) ازدواج

آگاه است». (۱)

ان: اگر فقرا: نیازمندان فضل: کرم، فزونی، برتری

يَكُونُوا: باشند، خواهند بود واسع: وسعت دهنده، گشایشگر

عَلِيم: دانا یعنی: غنی می‌کند، بی‌نیاز می‌سازد.

«ازدواج در اصل یک عمل مستحب مؤکد است و اما اگر کسی در اثر نداشتن همسر مرتکب گناه گردد در این صورت واجب است زن بگیرد و خود را از ارتکاب به حرام و از تحمل ناراحتی‌های جنسی نجات دهد». (۲)

۱- ۳۳ / نور .

ازدواج (۲۳)

از آنجا که بسیاری از مردان و زنان برای فرار از زیر بار مسئولیت الهی و انسانی، عذرهایی از جمله نداشتن امکانات مالی را بیان می‌کنند در آیه فوق صریحا گفته شده است که «فقر» نمی‌تواند مانع راه ازدواج گردد بلکه چه بسا ازدواج سبب غنا و بی‌نیازی می‌شود دلیل آن هم با دقت روشن می‌شود، زیرا انسان تا مجرد است احساس مسئولیت نمی‌کند نه ابتکار و نیرو و استعداد خود را به اندازه کافی برای کسب درآمد مشروع بسیج می‌کند نه به هنگامی که درآمدی پیدا کرد در حفظ و باروری آن می‌کوشد.

اما بعد از ازدواج شخصیت انسان اجتماعی می‌شود و خود را شدیداً مسئول حفظ همسر و آبروی خانواده و تأمین وسایل زندگی فرزندان آینده می‌بیند، به همین دلیل در حفظ درآمدهای خود و صرفه‌جویی آن، تلاش می‌کند.

بی‌جهت نیست که در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام می‌خوانیم:

۱- توضیح المسائل، مسأله ۲۴۵۲.

ازدواج (۲۴)

«روزی همراه همسر و فرزند است». (۱)

و پیامبر اکرم می‌فرماید: «هرکس از بیم تنگدستی ازدواج نکند از مانیست». (۲)

و در حدیث دیگری از پیامبر می‌خوانیم:

«مردی خدمت حضرتش رسید و از تهی دستی و نیازمندی شکایت کرد و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «ازدواج کن، او هم ازدواج کرد و گشایش در کار او پیدا شد». (۳)

و در حدیث دیگری از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله داریم:

«کسی که ازدواج را از ترس فقر ترک کند گمان بد به خدا برده است زیرا

۱- تفسیر نورالثقلین، جلد ۳، صفحه ۵۹۵.

۲- میزان الحکمه، جلد ۵، صفحه ۲۲۵۲.

۳- وسائل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۲۵.

ازدواج (۲۵)

خداوند متعال می‌فرماید: «اگر آنها فقیر باشند خداوند آنها را از فضل خود بی‌نیاز می‌سازد» (۱).

پیامبر اکرم در مورد تقبیح ترک ازدواج می‌فرماید:

«شروع‌ترین افراد شما مجردها هستند و چنین اشخاصی برادران شیطان هستند» (۲).

از این احادیث استفاده می‌شود که ترک‌کننده ازدواج شخص بدبین، عقده‌ای و همکار شیطان و گرفتار گناهان است.

البته باید به این نکته نیز توجه شود که این قسمت از آیه وظیفه‌افزادی را بیان می‌کند که زمینه و امکانات اولیه ازدواج را در حداقل آن، دارا می‌باشند و به علت فقر و بی‌چیزی از تأمین زندگی آینده نگرانند و اما اگر زمینه و امکانات اولیه ازدواج را فاقد باشند حکم آن در آیه زیر بیان می‌شود.

۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۲۴.

۲- جامع الاخبار، صفحه ۱۱۹.

(۲۶) ازدواج

« وَ لَيْسَ تَعْفِيفُ الذِّينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُعْطِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ... : و آنها که وسیله ازدواج ندارند ، باید عفت پیشه کنند تا خداوند آنان را با فضل و کرم خویش بی‌نیاز سازد. (۱)»

اصل عفاف و صبرجنسی برای مرد و زن در تمام موارد و مواقع لازم و ضروری است ، آنجا که انسان هیچگونه وسیله و زمینه ازدواج در اختیار ندارد و فاقد امکانات اولیه ازدواج - از قبیل مهر و کابین ، نفقه و هزینه‌های لازم و امثال آن - می‌باشد و یا موانع بازدارنده دیگری در میان وجود دارد و یا تاکنون کسی آماده

۱- ۳۳ / نور .

ازدواج (۲۷)

ازدواج با او نگردیده است و به هر صورت از ازدواج کردن عاجز و ناتوان و محروم می‌باشد . اهمیت بیشتری دارد و در این گونه موارد اسلام یک وظیفه به دولت و مسلمانان متمکن دیگر متوجه می‌سازد که تسهیلات ازدواج این افراد را فراهم سازند و یک تذکر نیز به خود این افراد می‌دهد که عدم تمکن از همسرگزینی هیچگونه مجوز فحشاء و بی‌بند و باری و اشباع غریزه جنسی از طریق غیرمشروع نیست و این گونه افراد باید عفاف و صبرجنسی را پیشه خود سازند و از هرگونه گناه و آلودگی جنسی ، خود را پاک ، پاکدامن و مصون نگه بدارند ، گرچه آزمایش بسیار سخت و دشوار است ولی خداوند به تدریج در نجات به روی آنها می‌گشاید و وسایل و امکانات لازم ازدواج را برای آنها فراهم می‌سازد .

وَ لَيْسَتْ عَفْفُ : باید عفاف بجوید . باید شرم و حیا کند .

(۲۸) ازدواج

الَّذِينَ : کسانی که ، جمع الّذی .

يَجِدُونَ : پیدا می‌کنند ، می‌یابند . لَا يَجِدُونَ : نمی‌یابند .

نِكَاح : همسرگزینی ، ازدواج حَتَّى : تا .

يُعْنَى : غنی می‌کند ، بی‌نیاز می‌سازد

پیامبر اکرم راه حفظ و پاکدامنی و عفت را این گونه بیان فرموده‌اند :

«ای جوانان ، هرکس توانایی دارد ازدواج کند ، زیرا ازدواج سبب می‌شود از نوامیس مردم چشم فرو بندد و دامان خویش را از آلودگی به بی‌عفتی حفظ کند و هرکس که توانایی ازدواج ندارد روزه بگیرد ، زیرا روزه یکی از راه‌های مهار طغیان شهوت جنسی است.» (۱)

۱- اصول کافی ، جلد ۲ ، صفحه ۷۹ .

ازدواج (۲۹)

امام علی می‌فرماید : «هرگاه خداوند برای بنده‌اش خیر و خوبی بخواهد به او توفیق می‌دهد تا در برابر خواسته‌های شکم و شهوت خود عقیف باشد.» (۱)

ترک ازدواج در ادیان دیگر

« فَنادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَ هُوَ قائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ سَيِّدًا وَ حَصُورًا وَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ : و هنگامی که او در محراب ایستاده ، مشغول نیایش بود ، فرشتگان او را صدا زدند که : خدا تو را به " یحیی " بشارت می‌دهد ، (کسی) که کلمه خدا (مسیح) را تصدیق می‌کند و رهبر خواهد بود و از هوس‌های سرکش برکنار و پیامبری از صالحان است . (۲)»

۱- غرر الحکم، جلد ۳، صفحه ۱۶۷.

۲- ۳۹ / آل عمران .

(۳۰) ازدواج

واژه «حَصُور» از «حَصِير» به معنی حبس گرفته شده، در اینجا به معنی کسی است که خود را از هوی و هوس، منع کرده است، این واژگان به معنی کسی که خودداری از ازدواج می‌کند، نیز آمده است.

نخستین سؤالی که در اینجا پیش می‌آید که اگر «حَصُور» به معنی ترک کننده ازدواج باشد، آیا این عمل برای انسان امتیازی محسوب می‌شود که درباره «یحیی» آمده است.

در پاسخ باید گفت: اولاً هیچگونه دلیل قاطعی بر اینکه منظور از «حَصُور» در آیه ترک کننده ازدواج است در دست نیست و هیچ بعید نیست که حضور در آیه به معنی ترک کننده شهوات و هوس ها و دنیاپرستی و صفتی همانند زهد بوده باشد.

ثانیا: یحیی نیز همانند عیسی بر اثر شرایط خاص زندگی و اجبار به سفرهای متعدد برای تبلیغ آئین خدا ناچار به مجرد زیستن بوده است.

و این یک قانون کلی برای همه نمی‌تواند باشد و اگر خداوند او را به این صفت

ازدواج (۳۱)

می‌ستاید به خاطر این است که او بر اثر شرایطی خاص ازدواج نکرد ولی در عین حال توانست خود را از گناه حفظ کند و به هیچ وجه آلوده نشود، به طور کلی قانون ازدواج یک قانون فطری است و در هیچ آئینی ممکن نیست حکمی برخلاف این قانون فطری، تشریح گردد. بنابراین نه در قانون اسلام و نه در هیچ آئین دیگری ترک ازدواج کار خوبی نبوده است.

هدف از ازدواج سکونت و آرامش است

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ: و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خود شما برای شما آفرید تا در کنار آنها آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد، در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند». (۱)

(۳۲) ازدواج

آیات: نشانه‌ها خلق: خلق کرد، آفرید أزواج: همسر

تَسْكُنُوا: آرامش باطن و انس بگیرند جَعَلَ: قرار داد مَوَدَّةً: دوستی

رَحْمَةً: مهربانی يَتَفَكَّرُونَ: می‌اندیشند، تفکر می‌کنند

خداوند در این آیه می‌فرماید: «دیگر از نشانه‌های خدا این است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنها آرامش یابید» و از آنجا که ادامه این پیوند در میان همسران خصوصا و در میان همه انسان‌ها عموما،

۱- ۲۱ / روم .

ازدواج (۳۳)

نیاز به یک جاذبه و کشش قلبی و روحانی دارد به دنبال آن اضافه می‌کند: «و در میان شما مودت و رحمت قرار داد».

جالب اینکه قرآن در این آیه هدف ازدواج را سکونت و آرامش قرار داده است و با تعبیر پرمعنی «لِتَسْكُنُوا» مسائل بسیاری را بیان کرده است و نظیر این تعبیر در آیه ۱۸۹ سوره اعراف نیز آمده است.

به راستی وجود همسران با این ویژگی‌ها برای انسان‌ها که مایه آرامش زندگی آنها است یکی از مواهب بزرگ الهی محسوب می‌شود، این آرامش از اینجا ناشی می‌شود که این دو جنس مکمل یکدیگر و مایه شکوفایی و نشاط و پرورش یکدیگر می‌باشند به طوری که هریک بدون دیگری ناقص است و طبیعی است که میان یک موجود و مکمل وجود او چنین جاذبه نیرومندی وجود داشته است و همچنین این آرامش و سکوت هم از نظر جسمی است و هم از نظر روحی، هم از جنبه فردی و هم اجتماعی.

هنگامی که انسان از مرحله تجرد گام به مرحله زندگی می‌گذارد شخصیت

(۳۴) ازدواج

تازه‌ای در خود می‌یابد و احساس مسئولیت بیشتر می‌کند و این است معنی احساس آرامش در سایه ازدواج.

و اما مسأله «مودت» و «رحمت»، در حقیقت ملاط و چسب مصالح ساختمانی جامعه انسانی است چراکه جامعه از فرد فرد انسان‌ها تشکیل شده، اگر این افراد پراکنده و آن اجزاء مختلف با هم ارتباط و پیوند پیدا کنند جامعه‌ای به وجود نخواهد آمد. فرق میان «مودت» و «رحمت» ممکن است از جهات مختلف باشد.

۱- «مودت» انگیزه ارتباط در آغاز کار است، اما در پایان یکی از دو همسر ممکن است ضعیف و ناتوان گردد و قادر بر خدمتی نباشد «رحمت» جای آن را می‌گیرد.

۲- «مودت» در مورد بزرگترها است که می‌توانند نسبت به هم خدمت

ازدواج (۳۵)

کنند اما کودکان و فرزندان در سایه «رحمت» پرورش می‌یابند.

۳- «مودت» غالباً جنبه متقابل دارد، اما رحمت یک جانبه و ایثارگرانه است، زیرا برای بقاء یک خانواده خدمات متقابل لازم است که سرچشمه آن مودت است و گاه خدمات بلاعوض که نیاز به ایثار و «رحمت» دارد.

البته خداوند آیه «مودت» و «رحمت» را میان دو همسر بیان می‌کند و اشاره دارد که خانواده بدون این دو اصل امکان‌پذیر نیست و از میان رفتن این دو پیوند و حتی ضعف و کمبود آن، مایه هزاران بدبختی، ناراحتی، اضطراب در خانواده و جامعه است.

ازدواج وسیله‌ای برای حفظ نوع بشر و وسیله‌ای برای تربیت فرزندان صالح

« نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَاتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِإِنْفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ: زنان شما موضع

کشت شمايند پس

ازدواج (۳۶)

هرگاه که خواستید می‌توانید با آنها آمیزش نمائید و برای خودتان پیش فرستید و تقوا بورزید و بدانید او را ملاقات خواهید کرد و به مؤمنین بشارت رحمت ده» (با تربیت فرزند خوب اثر نیکی برای خود از پیش بفرستید). (۱)

در این آیه زنان تشبیه به مزرعه شده‌اند و در حقیقت موقعیت زنان مانند زراعتی است که احتیاج به زمین مساعد و تخم سالم و آبیاری به موقع دارد تا بهره بدهد و در حقیقت قرآن می‌خواهد با این بیان ضرورت وجود زن را در اجتماع انسانی مجسم کند که زن یک وسیله اطفاء شهوت نیست، بلکه وسیله‌ای است برای حفظ حیات نوع بشر.

همانطور که انسان برای ادامه زندگی به تغذیه نیاز دارد و

۱- ۲۲۳ / بقره .

ازدواج (۳۷)

بدون کشت و زرع مواد غذایی حیات او تأمین نمی‌شود، برای ادامه نوع خود نیز نیازمند به وجود زن است.

«حَرْثٌ» مصدر است و به معنی بذرافشانی است و گاهی به محل زراعت که «مزرعه» می‌باشد اطلاق می‌شود .
 «آنی» از اسماء شرط است و غالباً به معنی «متی» که به معنی زمان است استعمال می‌شود و گاهی به معنی کلان هم استعمال می‌شود .
 از کلمه «آنی» اگر زمانیه باشد توسعه در زمان آمیزش جنسی با زنان استفاده می‌شود که شامل تمام ساعات شب و روز می‌گردد .
 یعنی آمیزش جنسی در هر ساعتی مجاز است و اگر مکانیه باشد ، منظور توسعه در مکان و محل و چگونگی آمیزش است .
 جامعه اسلامی برای بقای نوع و نسل محتاج به زنان است زیرا که خداوند تکون انسان و مصور شدن او را در رحم زنان مقرر نموده و مردان را جزئی از

(۳۸) ازدواج

آن قرار داده و هدف از ازدواج و آمیزش جنسی تنها لذت و کامجویی نیست بلکه باید برای ایجاد و پرورش فرزندان شایسته استفاده نمود تا وسیله‌ای برای یاد خدا و ذکر او باشد و فرزندان صالح کارهای نیک انجام دهند و خیر و ثوابش عاید خود و پدر و مادر خود باشد . پس منظور از «قَدْ مُوا لَانْفُسِكُمْ» پیش فرستادن عمل صالح برای قیامت است . در آخر آیه توصیه به تقوی می‌نماید :
 در آمیزش هم باید رعایت تقوی بشود و از حدود و مقررات آن تجاوز ننمایند و بدانند که سرانجام کار در قیامت با خداوند است و مؤمنین را بشارت دهند به پاداش اعمال نیکشان .

در حدیثی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده است که فرمود :

«هنگامی که انسان بمیرد برنامه عمل وی نیز تمام می‌شود و دیگر نمی‌تواند پس‌اندازی برای خویش تهیه کند مگر به وسیله سه چیز که اگر آنها را داشته

ازدواج (۳۹)

باشد پس از مرگ برای او نتیجه‌بخش خواهد بود. «صدقه جاریه» آثار خیری که در مجرای منافع اجتماعی همواره به کار گرفته شود . همچون مسجد ، مدرسه ، بیمارستان و مانند آن ، «آثار علمی» چون تألیفات کتاب و یا پرورش شاگرد . «پرورش فرزندان صالح» که برای پدر و مادر خود با عمل و سخن طلب آموزش کنند» .

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ثمره اصلی ازدواج ، داشتن فرزندان صالح است و تمام لذایذ طبیعی و پاداش اخروی و انس و محبت‌ها در میان زن و شوهر ، برای تحمّل تربیت و تولید فرزندان استوار است و لذا روایات اسلامی پیروان خود را برای تزویج با افراد زیاد تشویق نموده‌اند . مولا علی علیه‌السلام از پیامبر خدا نقل می‌کند که فرمودند :

«هرکس دوست دارد پیرو آئین من باشد بداند که ازدواج جزئی از آئین من

ازدواج (۴۰)

است سعی کنید که به وسیله ازدواج بچه‌دار شوید زیرا در میان سایر اّمّت‌ها ، به زیادی پیروانم مباحثات می‌کنم» . (۱)

آثار دنیوی ازدواج

ازدواج علاوه بر اینکه تکلیف دینی و سنت الهی و نبوی است ثمرات و میوه‌های شیرین نیز دارد ، یک انسان متأهل علاوه بر تعبد و پیروی از دستورات الهی با ازدواج خویش سعادت‌مند شده و از مرز انزوا و تجرّد به کانون اجتماع و مسئولیت قدم می‌گذارد و متقابلاً از سوی دیگران و اجتماع مردم اعتبار و ارزش بیشتری کسب می‌کند و مورد احترام و استقبال سایر انسان‌ها قرار می‌گیرد .
 عاطفه انسان دوستی و به ویژه عواطف پدر و مادری در چنین فردی شکوفا

۱- وسائل الشیعه ، جلد ۱۴ ، صفحه ۳ .

ازدواج (۴۱)

می‌شود و هرگاه یک موضوع ناراحت‌کننده و یا احیاناً انحرافی پیش آید به کانون مقدّس خانواده پناه می‌برد و با اعصابی آرام و آرامش خاطر به کار خود می‌پردازد.

بنابراین ضرورت ازدواج بر تمام انسان‌ها که گزینه خود را از بین نبرده و اهل فحشاء نمی‌باشد معلوم است.

امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کنند: «که جوانی به محضر مبارک رسول خدا آمده و از فقر شکایت کرد، پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به عنوان چاره‌جویی فرمود: برو ازدواج کن. یکی از اصحاب رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، آن جوان را دیده و گفت: من دختر زیبایی دارم و می‌خواهم او را بر تو تزویج کنم و آن جوان نیز سفارش رسول خدا را جامه عمل پوشانید و خداوند نیز در روزی او گشایش عجیبی فراهم کرد». (۱)

۱- شرح من لا یحضر، جلد ۸، صفحه ۸۴.

(۴۲) ازدواج

همچنین رسول خدا دستور می‌دهند که با ازدواج کردن و تشکیل خانواده، گشایش روزی و توسعه زندگی خود را فراهم سازید. (۱)

امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده است:

«دیدار و برخورد به نامحرم از کارهای شیطان است، هر کس نگاهش به نامحرم افتاد و تأثیر پذیرفت به سراغ همسرش برود». (۲)

این نشان می‌دهد که مرد در مواقع تحریک باید همسری داشته باشد تا آرامش خاطر خود را حفظ کند.

از این چند حدیث نتیجه می‌گیریم که آرامش خاطر و تلاش در اجتماع و

۱- سفینه البحار، صفحه ۵۶۱.

۲- فروع کافی، جلد ۵، صفحه ۴۹۴.

ازدواج (۴۳)

اعتماد مردمی و گشایش روزی و فرزندان صالح از آثار دنیوی ازدواج است.

آثار اخروی ازدواج

علاوه بر آثار دنیوی ازدواج که فرزندان صالح شاخص‌ترین آنها است از نظر معنوی نیز این عمل خداپسندانه مورد توجه می‌باشد، ازدواج انسان را از گناهان بازداشته و عامل تقرب در پیشگاه خداوند است این سنت نبوی پاداش عبادت را دو چندان نموده و خود نیز از بهترین طاعات الهی محسوب می‌گردد.

رسول خدا می‌فرماید: هر کس دوست دارد عاقبت به خیر باشد و باایمان کامل و با دلی پاک از دنیا برود حتماً باید متأهل باشد». (۱)

همچنین می‌فرماید: «بیشترین افراد اهل آتش، مجردها هستند». (۲)

۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۴.

۲- روضة المتقین، جلد ۸، صفحه ۸۶.

ازدواج (۴۴)

همچنین می‌فرماید: «پاداش دو رکعت نمازی که شخص متأهل انجام می‌دهد، از هفتاد رکعت نماز شخص مجرد بالاتر است». (۱)

از این احادیث به دست می‌آید که ازدواج موجب مصونیت از ارتکاب به گناه و تحصیل رضا و قرب درگاه الهی است.

ازدواج بر پایه ایمان و اخلاق

همسر موجودی است عاطفی که انسان تصمیم می‌گیرد یک عمر زندگی مشترک با وی را آغاز کند و اسرار بیرونی و درونی زندگی خویش را در اختیار او بگذارد و آن چنان روابط نزدیکی با وی پیدا کند که تشبیه آن در کسی متصور

۱- جواهر الکلام، جلد ۲۹، صفحه ۱۲.

ازدواج (۴۵)

نیست و لذا در هنگام ازدواج باید متوسل به خدا شده و از وی استمداد نمود و علاوه بر آن سزاوار است که از هیجان‌زدگی و ذوق‌زدگی و از هوی و هوس در انتخاب همسر کاملاً اجتناب نموده و با پدر و مادر و افراد دیندار در این زمینه مشورت کند و صفات همسر، به ویژه دیانت و فرهنگ و اخلاق او را در نظر بگیرد و آن‌گاه به این امر مقدس اقدام نماید.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «هرگاه کسی از شما قصد ازدواج کرد سزاوار است دو رکعت نماز بخواند و خدا را بخواهد که همسری عقیف و امین، با دیانت و متواضع و حافظ ناموس، نصیب وی کند». (۱)

رسول خدا می‌فرماید:

«هرگاه خواستگاری به سراغ شما آمد که دارای "دیانت و اخلاق" نباشد،

۱- جواهر الکلام، جلد ۲۱، صفحه ۳۹.

ازدواج (۴۶)

او را رد کنید و الا فتنه و فساد روی زمین را فرا می‌گیرد».

ازدواج بر پایه مادیات و شهوت

ازدواج بر اساس هوس، جاه‌طلبی، مال‌اندوزی و غیره معمولاً نتیجه‌اش ندامت و پشیمانی است زیرا این قبیل ازدواج‌ها بر مبنای غرض‌های غیرمنطقی و بدون ریشه صورت می‌گیرد و موقع برخورد با کوچک‌ترین مانعی از هم می‌پاشد.

رسول خدا می‌فرماید: «هنگامی که مردی با زنی به جهت ثروت و زیبایی‌اش ازدواج کند، از آن بهره‌مند نمی‌شود اما اگر ازدواج بر اساس دین و تقوا بوده باشد، خداوند مال و زیبایی نیز به وی عطا می‌فرماید زیرا در سایه دین و کمالات معنوی رضایت و خشنودی شوهرش رافراهم می‌سازد». (۱)

۱- روضة المتقین، جلد ۸، صفحه ۱۱۴.

ازدواج (۴۷)

و همچنین می‌فرماید: «کسی که با زنی به جهت مال و منال‌ش ازدواج کند، خداوند او را به آن ثروت واگذار می‌کند و هرکس به جهت زیبایی زن با وی زناشویی کند، سرانجام پشیمان گردد اما اگر دیانت و تقوای کسی را در نظر بگیرد، خداوند همه این‌ها را به وی مرحمت می‌فرماید». (۱)

از این احادیث نتیجه می‌گیریم که ازدواج بر پایه مادیات و شهوات، در صورتی که دیانت و تقوا و اخلاق اسلامی بر آنان حاکم نباشد، بدون تردید نتیجه‌اش ندامت و پشیمانی خواهد بود.

پیش از انتخاب همسر چه باید کرد؟

چون مسأله «ازدواج» یک موضوع حساس و سرنوشت‌ساز است و در زندگی

۱- جواهرالکلام، جلد ۲۹، صفحه ۳۲.

(۴۸) ازدواج

هر کس جنبه بنیادی دارد لذا اشخاص اقدام کننده به این امر مقدّس، وظیفه دارند از پیشگاه خداوند استمداد جسته و با دعا و نیایش و توکل بر الطافت الهی در انتخاب همسر دقت کافی به خرج دهند.

امیر مؤمنان علی صلی الله علیه و آله می فرماید: «پیوسته انواع بلاها و مشکلات خویش را پیش از وقوعش از طریق دعا و نیایش پیشگیری نمائید و شکی نیست که همسر نامطلوب از دردناک‌ترین مصیبت‌ها و بلاها به شمار می‌آید و بالعکس، همسر صالح و شایسته از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی است و هیچ موهبتی از نعمت‌های دنیوی به پای آن نمی‌رسد». (۱)

از حضرت امام صادق علیه السلام آمده است که: «هنگامی که اراده ازدواج نمودید،

۱- فروع کافی، جلد ۵، صفحه ۳۲۷.

ازدواج (۴۹)

ابتدا دو رکعت نماز خوانده و سپس حمد و سپاس الهی بگوئید و آن‌گاه دست به دعا برداشته و بخوانید: خدایا! من اراده ازدواج دارم، همسری را برایم روزی کن که از نظر عفت عمومی خویشتن دار باشد و ناموس و مالم را حفظ کند، روزی او فراوان و برکتش عظیم باشد، ای خدا! از وی فرزندی پاکیزه برایم روزی فرما که در طول حیات و پس از مرگم جانشین صالحی برای من گردد». (۱)

هم‌کفو بودن در ازدواج

هم‌کفو بودن دو همسر، یعنی: تناسب، همتایی، هماهنگی، هم‌شأنی، سنخیت، کفایت و هم‌طرازی بین دختر و پسر و به اصطلاح با هم جور در آمدن زن و شوهر.

۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۷۹.

(۵۰) ازدواج

ازدواج نوعی «ترکیب بین دو انسان و دو خانواده» است. زندگی مشترک یک پدیده مرکب است که اجزای اصلی و اساسی آن «زن و مرد» می‌باشد هر قدر بین این دو عنصر، هماهنگی، همفکری، تناسب و سنخیت روحی و اخلاقی و جسمی باشد این «ترکیب» استوارتر، مستحکم‌تر، پرمثمرتر، شیرین‌تر، لذت‌بخش‌تر و جاودانه‌تر خواهد بود و هرچه این تناسب و هماهنگی کمتر باشد زندگی سست‌تر، تلخ‌تر، ناپایدارتر خواهد بود.

دو انسانی که در کنار هم قرار می‌گیرند و می‌خواهند یک عمر با هم زندگی کنند و در همه امور شریک باشند و تصمیم‌های مشترک بگیرند و فرزندان را به وجود آورند و تربیت کنند و به سعادت برسند، حتما باید هماهنگ و هم‌سنخ و کفو هم‌باشند.

متأسفانه در مسأله «انتخاب همسر» معمولاً به «خوب بودن عرفی» اکتفا

ازدواج (۵۱)

می‌شود و به «هم‌کفو بودن» دختر و پسر، توجه کمتری می‌کنند و حال آنکه محور معیارهای انتخاب همسر، همین «همتایی» است

توجه!

همتایی و هماهنگی و تناسب صددرصد، امکان ندارد؛ زیرا هر «انسانی» دارای مغز، روح، اخلاق، تربیت، محیط و خانواده

مخصوص به خود است و با دیگری فرق و فاصله دارد اما باید کوشش کرد هرچه قدر ممکن است این فاصله کمتر باشد . همان‌طور که خداوند در قرآن مجید فرموده :

« إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا : همانا انسان حریص و بی صبر خلق شده ». (۱)

۱- ۱۹ / معارج .

(۵۲) ازدواج

و از سویی اگر به انسان شرّ و زیانی رسد سخت بی‌قراری می‌کند کما اینکه خداوند فرمود :

« إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا : (۱)

از آنجائی که انسان‌های معمولی مثل ما، نمی‌توانند همچون بزرگان دین و اولیای الهی در برابر سختی‌ها و ناملایمات تحمل داشته باشند، از این رو عجلولانه تصمیم گرفته و اقدام می‌کنند و در اطراف اهداف خودشان به درستی فکر نمی‌کنند و در نتیجه ، ممکن است عواقب غیرقابل جبرانی اتفاق بیافتد و آنها را از هیئز زندگی ساقط سازد .

۱- ۲۰ / معارج .

ازدواج (۵۳)

در مورد خانواده نیز این قاعده ، صادق است و این‌طور نیست که همه بتوانند در مقابل ناملایمات زندگی دوام بیاورند و اگر آمار طلاق را در سال‌های اخیر مطالعه کنیم این گفتار تصدیق خواهد شد .

برای همین منظور به داستانی در رابطه با حضرت نوح استناد کنیم .

در روایت آمده است که حضرت نوح علیه‌السلام مستجاب‌الدعوه بوده است یعنی خداوند متعال هر دعایی را که حضرت نوح می‌کرد فوراً اجابت می‌نمود ، او همسری بدخلق و بدزبان داشت و با زخم زبان‌هایی که می‌زد ، دائم آن حضرت را ناراحت می‌کرد . اصحاب و هواداران آن حضرت به او گفتند : «یا نوح تو که مستجاب‌الدعوه هستی چرا همسرت را نفرین نمی‌کنی تا خداوند او را نابود ساخته تا از دست او آسوده‌خاطر باشی ؟» حضرت در پاسخ فرمود : «اگر من مستجاب‌الدعوه شدم به خاطر صبری است که در بدی‌های همسرم داشتم» .

با نقل این داستان کاملاً مشخص می‌شود سختی‌های زندگی ، که برخی واقعا

(۵۴) ازدواج

کمرشکن و غیرقابل تحمل است مثل همین داستان ، ایمان راسخ می‌خواهد تا انسان بتواند باگذشت فراوان درحقیقت با ایثار زندگی کفه ترازو را متعادل سازد.

و مراد از مطرح کردن این مسائل پیشگیری از این حوادث می‌باشد پس باید قبل از ازدواج به موارد زیر دقت شود تا اینکه دست بسته، تسلیم نامرادی‌های زندگی نشویم.

ذکر مصادیقی از هم کفو بودن در عصر کنونی

ذکر مصادیقی از هم کفو بودن در عصر کنونی

از جمله عوامل ، هم کفو بودن ، چه از لحاظ شرعی و چه از لحاظ اخلاقی ، عُرفی و منطقی عبارتند از :

۱- همتایی در ایمان

ایمان یکی از ارکان مهم قوام و دوام زندگی محسوب می‌شود و با وجود ایمان واقعی، بسیاری از مشکلات از میان می‌رود، چراکه مؤمن باور دارد با ازدواج (۵۵)

صبر، پیش خداوند مأجور بوده و این ایثار و گذشت بی‌پاداش نخواهد ماند.

اینجا است که باید تا می‌توانیم اعتقاداتمان را نزدیک ساخته و با تقرب آن درک بیشتر نسبت به همدیگر ایجاد خواهد شد. فرض کنیم دو زوج به خاطر مشکلات اقتصادی با هم اختلاف داشته باشند، زن به خاطر چشم و هم‌چشمی، از شوهرش بیش از توان مالی او درخواستی را داشته باشد و او را در فشار قرار دهد و از او بخواهد به هر نحو ممکن خواسته او را اجابت کند و شوهر با منطقی به او یادآوری کند و بگوید: «اگر من خواسته تو را برآورده کنم لازمه‌اش تجاوز به حقوق دیگران و غصب مال دیگری است و سرانجام این کار دخول در آتش جهنم خواهد بود، با این منطقی اگر زن معتقد به خدا و روز جزا باشد، نصیحت دلسوزانه شوهر در او تأثیر گذاشته و او نفس سرکش را در جای خود خواهد نشاند.

(۵۶) ازدواج

پس با یکی شدن اعتقاد، این مشکل برطرف شد اما اگر خدای ناکرده این اعتقاد در همسر نبود یکی از دو کار، باید صورت بگیرد، یا باید دعوا به راه افتد و با مرافعه، زندگی را تلخ نمود و این اختلاف ممکن است سرانجام به طلاق منجر شود و یا این که به خواسته همسر تسلیم شود و معلوم است عاقبت این اطاعت او را به دزدی و غصب مال دیگری و نهایتاً، به ظلم خواهد کشاند که نتیجه این کار در دنیا زندان و حبس و آبروریزی و در صورتی که توبه نکرده باشد در آخرت، عذاب الهی است.

از این سخن، نتیجه می‌گیریم که تفاهم اعتقادی زوجین و ایمان آنها، نقش ارزنده‌ای در رفع موانع و مشکلات زندگی زناشویی ایفا می‌کند.

۲- همتیایی در سن

اصولاً هرچه سن به هم نزدیک‌تر باشد تفاهم بیشتر خواهد بود به طور مثال ازدواج (۵۷)

دو بچه‌هنگامی که بازی می‌کنند هرچه سن آنها به هم نزدیک‌تر باشد از بازی بیشتر لذت می‌برند و در صورتی که این بچه نتواند با هم سن خود بازی کند در طول زمان از بازی کردن خسته شده و با بهانه‌های مختلف اسباب ناراحتی اطرافیان را فراهم می‌کند.

و این چنین است در سایر موارد مثل دوست هم سن، از آنجایی که عواطف و سلیقه‌ها و درک انسان‌ها متفاوت است در صورتی که تفاوت سنی زیاد باشد این اختلاف سلیقه‌ها بیشتر نمود خواهد کرد و احتمال مصالحه کمتر خواهد بود از این رو در صورت مراعات نکردن این قاعده تفاهم و همگونی شدن نیز مشکل خواهد بود ولو اینکه ممکن است در چند مورد محدود، این تفاهم خیلی بیشتر بوده باشد.

علاوه بر اینکه تفاوت سنی در زندگی زوجین، در صورتی که ازدواج

(۵۸) ازدواج

تحمیلی باشد تأثیر دارد در نگاه عرف و جامعه نیز تأثیر داشته و آنها را به طور غیرمستقیم در دخالت دادن به امور خانواده‌ها و ادار می‌سازد.

تناسب سنی که مورد قبول تمام روان‌شناسان و عرف می‌باشد و عقل نیز به آن مهر تأیید زده و همچنین با مقایسه سن تکلیف شدن

دختر در اسلام که نه سالگی است و پسر که پانزده سالگی است «۶ سال» می‌باشد یعنی از آنجایی که دختر شش سال زودتر بالغ می‌شود بهتر است پسر چندسالی از دختر بزرگ‌تر باشد .

البته اختلاف سن مرد با زن یکی از شرایط ایجاد ازدواج مطلوب است نه همه آن. لذا در مواردی ممکن است باشد که سن زن و مرد هنگام ازدواج یکسان و یا زن از مرد بزرگ‌تر بود و این طبق توافق زن و مرد صورت گرفته و مشکلی نیز به همراه نداشته باشد . طبعاً رعایت دیگر شرایط و محاسن ازدواج

ازدواج (۵۹)

مطلوب می‌تواند این نقص را بپوشاند .

۳- همتایی در دانش

یکی دیگر از ویژگی‌هایی که در بهتر شدن زندگی مشترک مؤثر است همتایی در دانش است به این معنی که در انتخاب همسر آینده دانش و علم او را نیز لحاظ کنیم و اینجا دو سؤال پیش می‌آید :

۱- نقش سواد و دانش در سرنوشت انسان چقدر است ؟

۲- آیا بهتر است همسری که انتخاب می‌کنیم با سواد باشد یا فرق نمی‌کند ؟

مردم عوام ، بی‌سوادی را مانند کوری می‌پندارند یعنی همان‌گونه که انسان‌های کور از دیدن یک سلسله واقعیات خارجی محروم‌اند اشخاص بی‌سواد نیز از درک بعضی از واقعیات عاجزند یعنی اگرچه دوست دارند آن واقعیات را درک کنند اما چون درک آن به علم و دانش بستگی دارد لذا محروم‌اند و برای

ازدواج (۶۰)

اینکه بتوانند درک کنند باید باسواد شده و از طریق علم آن واقعیات را لمس کنند .

قرآن کریم نیز با این استناد که خود مردم نیز بین عالم و جاهل فرق می‌گذارند می‌فرماید :

«... هَيْلٌ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ : ... یعنی آیا آنهایی که می‌دانند با آنهایی که نمی‌دانند یکسان هستند تنها خردمندان متذکر می‌شوند و همچنین پرواضح است که فرق علم با جهل ، مثل فرق نور با ظلمت و تاریکی است.» (۱)

خداوند متعال می‌فرماید :

«... قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلْمُ وَالنُّورُ : ... ای

۱- ۹ / زمر .

ازدواج (۶۱)

پیامبر - به مردم - بگو آیا کور و نابینا ، با بینا یکی است و آیا تاریکی‌ها با نور یکی است.» (۱)

همانطور که مشاهده می‌شود قرآن مجید مثل علم و جهل را ، مثل نور و ظلمت می‌داند و پند و درک را در سایه علم می‌داند .

البته مراد از علم آن علمی است که در راه تکامل و رشد انسانی به کار گرفته شده باشد ، مثل علم اتم‌شناسی که در نیروگاه برق مورد استفاده قرار گرفته که در راستای سعادت بشر می‌باشد اما همین علم در صورتی که جهت ساخته شدن بمب اتمی به کار گرفته شود از بدترین علوم خواهد بود و همچنین است سایر علوم .

۱- ۱۶ / رعد .

(۶۲) ازدواج

ما از دوراه می‌توانیم به چیزهایی که نمی‌دانیم آگاهی پیدا کنیم:

اول اینکه: آنچه که در محیط خارج وجود دارد ببینیم و اسم آنها و رابطه ما بین آنها را پرسیده و به خاطر بسپاریم و این علمی است که به مرور زمان بشر از اطرافیان خود آموخته است. نحوه خوردن خوابیدن، پوشیدن، راه رفتن و صدها کار دیگر را می‌توان از این قبیل علوم دانست.

دوم اینکه: انسان علاوه بر علم به ضروریات، علاقه‌مند دانستن و فهمیدن چیزهایی می‌باشد که در قبل از او بوده و یا نخواهد بداند ماورای این جهان چه خبر است. دانستن این قبیل موضوعات احتیاج به داشتن سواد است. چرا که بدون سواد امکان فهمیدن مسائل گذشته وجود ندارد و در مورد ماورای ماده، نیز نیاز به سواد داریم و هر چه سواد و دانش بیشتر باشد بیشتر می‌توان مجهولات را درک کرد و بر آنها فائق شد.

ازدواج (۶۳)

از جمله موضوعات نیازمند به سواد و دانش زندگی است و معلوم است که همه چیز را نمی‌شود به تجربه واگذار نمود یعنی نمی‌شود گفت: «حالا- این کار را هم انجام دهیم اگر نتیجه مطلوبی داد چه بهتر و اگر نه، دیگر آن را انجام نمی‌دهیم» چون تجربه کردن چیزی، شاید سال‌ها وقت ببرد و چه بسا هیچ وقت نتوان از تلخی حتی یک تجربه بیرون آمد. اینجاست که باید از تجارب و اندوخته‌های دیگران استفاده نمود و آن هم تنها، کافی نمی‌باشد.

پس ما می‌توانیم به وسیله دانش و با مطالعه در اطراف انواع زندگی و حالات اشخاص، زندگی خوب را انتخاب کنیم و با اجرای آن سرنوشت خود را رقم بزنیم.

همانطور که قبلاً گفته شده یکی از اهداف ازدواج، تداوم نسل می‌باشد و خوبی یا بدی نسل آینده به طور مستقیم به خوبی و بدی نسل حاضر، بستگی

ازدواج (۶۴)

دارد و در صورتی که نسل حاضر با بینش و توان علمی مناسب به تربیت فرزندان خود پردازد، فرزندان پربار و دارای فرهنگ غنی تحویل جامعه خواهد داد و راه تعقل و تفکر انسان را برای دستیابی به زندگی بهتر و جامعه متعالی باز نموده و در نتیجه انسان‌ها یکی پس از دیگری بهتر خواهند شد.

با این بیان نتیجه می‌گیریم که سواد و دانش همسر آینده - زن یا مرد - در باروری خوب فرزندان، تأثیر مثبت دارد به همین جهت بهتر است که در انتخاب همسر، میزان سواد او را نیز به عنوان یکی از ویژگی‌های مهم لحاظ نمود و این ویژگی در زن و مرد، هر چه بیشتر باشد نتیجه بهتری خواهد بخشید. اما ممکن است کسانی بگویند: «مرد اگر باسواد باشد بهتر است اما زن اگر بی‌سواد باشد اطاعتش از شوهر بیشتر خواهد بود».

در پاسخ به این گونه افکار، ابتدا چند روایت را در مورد دانش بررسی

ازدواج (۶۵)

می‌کنیم.

اول: روایتی است که از پیامبر اکرم نقل شده که فرمودند:

« طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ لِكُلِّ مُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ: یعنی فراگیری دانش برای هر زن و مرد مسلمانی واجب است». (۱)

دوم، روایتی است که از حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده که فرمودند:

«الْعِلْمُ رَأْسُ الْخَيْرِ كُلِّهِ وَالْجَهْلُ رَأْسُ الشَّرِّ كُلِّهِ: دانش رأس تمام کارهای خیر است و نادانی رأس تمام بدی‌ها است». (۲)

سوم: روایتی از مولای متقیان حضرت علی علیه‌السلام که فرمود:

« لا تری الجاهل إلا مُفْرِطاً أو مُفَرِّطاً: جاهل و نادان را در کارها نمی‌بینی یا

۱- بحارالانوار، جلد ۱، صفحه ۱۷۷.

۲- الحیوه، جلد ۱، صفحه ۵۲.

(۶۶) ازدواج

افراط کارند یا تفریط کار».

حال اگر غرض ما از زندگی فریفتن مردم باشد پرواضح است که بی‌سوادی اشخاص در رسیدن به اهداف پلید، آنها را یاری خواهد کرد. چون مردم نادان زود فریب خورده و زود منحرف می‌شوند.

اما اگر هدف، زندگی خوب و همراه با آسایش و تفاهم باشد باید همسری باسواد و بادانشی را انتخاب کرد زیرا که کسب دانش و وظیفه هر مسلمان اعم از زن و مرد است و تمام خیر و برکت و سعادت، دانش است و برعکس تمام شر و بدی از جهل سرچشمه می‌گیرد پس این طرز فکر که همسر بی‌سواد بهتر است باطل و مردود است.

۴- همتایی فکری و فرهنگی

تفاهم و توافق فکری و فرهنگی میان دو همسر در زندگی مشترک نقش

ازدواج (۶۷)

اساسی دارد، برای ایجاد یک زندگی پویا و پربار باید معماران این کانون بتوانند یکدیگر را درک نموده و مکنونات و محتویات درونی خود را به هم تفهیم کنند و در بسیاری از مسائل، تصمیم مشترک و یکسان گرفته و بر مبنای آن عمل کنند و در نشیب و فرازهای زندگی یاور هم باشند و فرزندانشان را بر اساس یک طرح هماهنگ تربیت کنند.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

«الْعَارِفَةُ لَا تُوَضَّعُ إِلَّا عِنْدَ الْعَارِفِ: زن عارفه (فهمیده فرزانه) باید در کنار مرد عارف (فهمیده اهل معرفت) قرار گیرد نه غیر آن.

۵- همتایی اخلاقی

هماهنگی و تناسب اخلاقی، از مهم‌ترین موارد کفایت و همتایی بین زن و شوهر است.

ازدواج (۶۸)

با توجه به این نمونه که:

«زید بن حارثه» پسر خوانده رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله با «زینب» دختر عمه پیامبر ازدواج کرد. این زن و شوهر از نظر «تدین و ایمان» در مقام بالایی قرار داشتند؛ اما از جهت «اخلاقی» با هم تفاهم نداشتند و اختلاف و نزاع شدیدی بر زندگی آنها حاکم بود. رسول خدا بارها آنها را نصیحت و سفارش به تفاهم و سازش نمود. اما این «زوج جوان» توان تحمل یکدیگر را نداشتند. سرانجام خداوند وساطت فرمود و آنان را به وسیله طلاق از هم جدا کرد!

در اینکه هر دوی این زن و شوهر، انسان‌های شایسته‌ای بودند، تردیدی نیست، در شایستگی «زید» همین بس که رسول اکرم او را به عنوان فرزند خود برگزیده بودند و گاهی او را با لفظ «زید الحبيب» صدا می‌زدند و در شایستگی «زینب» نیز همین بس که خود خداوند عقد او را برای پیامبر

ازدواج (۶۹)

خواند و او را به همسری پیامبرش درآورد.

گوشه‌ای از این داستان در قرآن چنین آمده است :

« وَ اذْ تَقُولُ لِلَّذِي اَنْعَمَ اللهُ عَلَيْهِ وَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِ اَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَ اتَّقِ اللهَ وَ تُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللهُ مُبْدِيهِ وَ تَخْشَى النَّاسَ وَ اللهُ اَحَقُّ اَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطْرًا وَ زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي اَزْوَاجِ اَدْعِيَائِهِمْ اِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطْرًا وَ كَانَ اَمْرًا لِلّٰهِ مَفْعُوْلًا- : به خاطر بیاور زمانی را که به کسی که خداوند به او نعمت داده بود و تو نیز به او نعمت داده بودی می‌گفتی همسرت را نگاه‌دار و از خدا بپرهیز (و پیوسته این امر را تکرار می‌نمودی) و تو در دل چیزی را پنهان می‌داشتی که خداوند آن را آشکار می‌کند و از مردم می‌ترسیدی در حالی که خداوند سزاوارتر است که از او بترسی، هنگامی که زید از همسرش جدا شد ما او را به همسری تو در آوردیم تا مشکلی برای مؤمنان در ازدواج با همسران

ازدواج (۷۰)

پسرخوانده‌های آن‌ها هنگامی که از آنان طلاق گیرند نباشد و فرمان خدا انجام شدنی است. (۱).

نتیجه می‌گیریم که تنها «متدین بودن زن و شوهر» برای ایجاد یک زندگی موفق و در تمام موارد، کفایت نمی‌کند بلکه بررسی جنبه‌های دیگر نیز لازم است.

۶- همتایی جسمی و جنسی

«توازن و تناسب جسمی و جنسی» در زندگی همسران، نقش بسیار مهمی دارد. مسائل جنسی، یکی از ارکان اصلی و بنیادین «زندگی زناشویی» است.

«اشباع و ارضاء و رضایت جنسی» زن و شوهر از هم، تأثیر عمیقی در موفقیت زندگی دارد. اگر یکدیگر را از این جهت اشباع و راضی کنند، سپاسگزار

۱- ۳۷ / احزاب.

ازدواج (۷۱)

هم خواهند بود و با «دلگرمی» به وظایف و مسئولیت‌های خود عمل خواهند کرد و مشکلات زندگی را تحمل خواهند کرد، اما اگر در این مورد ناراضی باشند، از هم متنفر می‌شوند و از انجام مسئولیت‌های زندگی «دلسرد» می‌گردند.

این نکته بزرگی است که متأسفانه در بسیاری از موارد، آن را کوچک می‌شمارند یا نادیده می‌گیرند و یا با «خجالت» و «رودربایستی» از آن می‌گذرند و بعد، ضربه‌های سهمگینش را می‌خورند.

اگر یکی از دو همسر، از نظر جسمی و جنسی، قوی و «گرم مزاج» و دیگری ضعیف و «سرد مزاج» باشد در بسیاری از امور زندگی‌شان خلل وارد می‌شود و احتمال فساد و انحراف، بسیار قوی است و این عدم تناسب و توازن به اعصاب و روان آنان نیز لطمه می‌زند.

اگر مردان یا زنان همسراری را می‌بینیم که مرتکب فساد جنسی و رابطه

ازدواج (۷۲)

نامشروع با بیگانه شده‌اند، قضیه را ریشه‌یابی کنیم درمی‌یابیم که ریشه بسیاری از این موارد (نه همه آنها) در «ناراضی‌تی و عدم اشباع جنسی توسط همسر» می‌باشد.

با توجه به نمونه که در قرآن بیان شده :

« فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكِنًا وَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِتْرًا لِّبَسَتْ بِهِنَّ فَأَخْرَجَ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهَا أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ : هنگامی که (همسر عزیز) از فکر آن‌ها باخبر شد به سراغ آن‌ها فرستاد (و از آن‌ها دعوت کرد) و برای آن‌ها پستی‌های گرانبه‌ای فراهم ساخت و به دست هر کدام چاقویی (برای بریدن میوه) داد و در این موقع (به یوسف) گفت وارد مجلس آنان شو، هنگامی که چشمشان به او افتاد در تعجب فرو رفتند و (بی‌اختیار) دست‌های خود را بریدند

ازدواج (۷۳)

و گفتند منزه است خدا این بشر نیست، این یک فرشته بزرگوار است.»

« قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَّنِي فِيهِ وَلَقَدْ رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَلَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَا ءَامَرُهُ لَيُجَنَّبَنَّ وَكَيُونَا مِنَ الصَّغِيرِينَ : (همسر عزیز) گفت: این همان کسی است که به خاطر (عشق) او مراسم زینت کردید (آری) من او را به خویشتن دعوت کردم و او خودداری کرد و اگر آن‌چه را دستور می‌دهم انجام ندهد به زندان خواهد افتاد و مسلماً خوار و ذلیل خواهد شد». (۱)

همسر عزیز گویا می‌خواست به آن‌ها بگوید شما که با یک‌بار مشاهده یوسف، این چنین عقل و هوش خود را از دست دادید و بی‌خبر دست‌ها را بریدید و محو جمال او شدید و به ثنا خوانیش پرداختید، چگونه مرا ملامت می‌کنید که

۱- ۳۱ و ۳۲ / یوسف .

ازدواج (۷۴)

صبح و شام با او می‌نشینم و برمی‌خیزم؟

یکی از علت‌های عمده انحراف «زلیخا» و تمایل او به حضرت یوسف «ناتوانی جنسی» شوهرش بود! به هر حال، در «انتخاب همسر» حتماً باید توجه داشت که دختر و پسر از نظر جسمی و جنسی «کفو» باشند، یکی از آنان قوی‌البینه و آتشین مزاج و نیرومند نباشد و دیگری ضعیف‌الجثه و سردمزاج . بلکه با هم «سختی جسمی و جنسی» داشته باشند تا بتوانند یکدیگر را اشباع و راضی کنند . و همچنین، بر همسران لازم است در این امور، معلومات ضروری داشته باشند و از افراد آگاه به این مسائل کسب معلومات کنند . و اگر با مشکلی مواجه شدند، با آنان مشورت کنند .

ازدواج (۷۵)

با توجه اینکه: یکی از علت‌های «ناتوانی‌های جنسی» بیماری‌های عصبی و روانی می‌باشد که در هر ناتوانی جنسی و ناتوانی در اشباع همسر باید درصدد درمان آن بیماری برآمد و با روان‌پزشک و روان‌شناس ماهر در میان گذاشت .

۷- هم‌نایی سیاسی

تناسب سیاسی یعنی اینکه معتقدین و طرفداران یک نظام با افراد و خانواده‌های موافق آن نظام چنانچه ازدواج نمایند بهتر است .

۸- هم‌نایی روحی و روانی

یکی از موارد شرط همتایی «هماهنگی روحی و روانی» است و یا به عبارت دقیق‌تر «همگونی شخصیتی» از نظر علمی و روانشناسی شخصیت، طبقه‌بندی‌های متعددی نسبت به شخصیت افراد صورت گرفته که یکی از معروف‌ترین آنها، تقسیم‌بندی «درون‌گرا» و «برون‌گرا» است و چون «درون

(۷۶) ازدواج

گرایی» و «برون گرایی» یک امر نسبی است و در حقیقت یک طیفی است که می‌توان از شماره ۱ (درون گرای محض) تا ۱۰۰ (برون گرای محض) شماره‌بندی کرد و از طرف دیگر مطابق معیارهای ارزشی اسلام، برون گرایی صرف (از خود بیخود شدن) یا درون گرایی صرف (رهبانیت و گوشه‌گیری) نامطلوب است پس باید گفته شود:

برای زندگی مطلوب اسلامی، نمی‌توان گفت افراد درون‌گرا باتیپ خود و بالعکس برون‌گرا با هم گروه خود ازدواج کنند بلکه باید «تعادل» ایجاد شود. لکن در عین حال برای جلوگیری از درگیری‌ها و عدم تفاهم باید فاصله‌زیادی نباشد یعنی مثلاً تا بیش از ۲۰ یا ۳۰ شماره فاصله نباشد

۹- هم‌نایی در زیبایی

توجه به توازن و تناسب میان دو همسر در «زیبایی صورت و اندام و قیافه

ازدواج (۷۷)

ظاهری» نیز لازم است. اگر یکی از آن دو «زیبا و خوش اندام و خوش تیپ» باشد و دیگری زشت صورت و بد اندام، احتمال به وجود آمدن ناراحتی و مشکل برای هر دو و عقده‌های روانی و انحراف و بی‌عفتی و حسرت و... برای فرد زیبا وجود دارد.

دو انسان که می‌خواهند به عنوان همسر و یاور هم باشند لازم است یکدیگر را از هر جهت دوست داشته باشند و از اندام و چهره و شکل ظاهری هم خوششان بیاید.

«زیبایی» یک معیار و اندازه معین و قانون استاندارد ندارد که بشود افراد را با آن سنجید بلکه تا حدودی به سلیقه افراد بستگی دارد حتی ممکن است فردی در نظر کسی زیبا باشد و در نظر دیگری زشت.

پس صفت زیبایی یک خصوصیت نسبی است و لازم نیست در حد عالی باشد بلکه مهم آن است که دو همسر، یکدیگر را از نظر قیافه ظاهری و اندام پسندند و از هم خوششان بیاید و دلخواه هم باشند.

ازدواج (۷۸)

زیبایی همسر در حفظ و تقویت عفت و ایمان همسرش تأثیر دارد. اگر همسر، از زیبایی همسرش راضی باشد، چشم و فکر و عملش، متوجه دیگران نخواهد شد.

اما باید به این مسأله توجه داشت که «زیبایی» باید در کنار دیگر صفات و معیارها، مورد توجه و بررسی قرار گیرد نه بطور مستقل، یعنی زیبایی بدون تدین و عفت و اخلاق و... نه تنها امتیازی محسوس نمی‌شود بلکه آفتی است خطرناک! اگر کسی دین، اخلاق، عفت، عقل، شرافت خانوادگی... داشته باشد آنگاه «زیبایی» برایش «کمال و ارزش و امتیاز» محسوب می‌شود و گرنه «بلائی» است رسواگر.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده‌اند:

«مَنْ تَزَوَّجَ امْرَأَةً... لَجَمَالِهَا، رَأَى فِيهَا مَا يَكْرَهُ: کسی که صرفاً برای زیبایی زن و همچنین مردی با او ازدواج کند، در او امور ناخوشایند خواهد دید».

ازدواج (۷۹)

کسی که ایمان و تدین و عفت و ارزش‌های اصیل و حقیقی را زیربنای زندگی قرار داد و زیبایی را به عنوان یک امتیاز تکمیلی در کنار آنها به حساب آورد، گذشت زمان نمی‌تواند آن زندگی را فرسوده کند زیرا:

«الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا: خداوند، محبت مؤمنان نیکوکار را در قلب‌های دیگران قرار می‌دهد»

(۱).

خدای مهربان، به پاداش تدین همسران باایمان، چنان محبت و اشتیاق شدیدی در قلب‌های پاک آنان قرار می‌دهد که هیچ عاملی، حتی سپری شدن دوران جوانی و شادابی، نمی‌تواند آن را سرد کرده و از بین ببرد.

۱۰- هم‌تایی خانوادگی

ازدواج با یک فرد، مساوی است با پیوند با یک خانواده و فامیل و نسل. از این رو

۱- ۹۶ / مریم .

(۸۰) ازدواج

خانواده دختر و پسر باید با هم «سنخیت و تناسب» داشته باشند سنخیت و تناسب دینی، اجتماعی، اخلاقی و غیره در مسأله «انتخاب همسر» معقول نیست که انسان بگوید: «من می‌خواهم با خود این فرد ازدواج کنم و کاری به خانواده و خویشان ندارم» زیرا:

۱- این فرد جزئی از همان خانواده و فامیل و شاخه‌ای از همان درخت است و این شاخه، از ریشه‌های همان درخت، تغذیه کرده است، مسلم است که بسیاری از صفات اخلاقی، روحی، عقلی، جسمی آن خانواده از راه وراثت و تربیت و محیط و عادات به این فرد منتقل شده است.

پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در این باره می‌فرمایند:

«تَزَوَّجُوا فِي الْحَجْرِ الصَّالِحِ، فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ: در دامن و خانواده

ازدواج (۸۱)

شایسته، ازدواج کنید، زیرا عِرْق (نطفه و ژن‌ها) تأثیر می‌گذارد». (۱)

«أَنْظُرُ فِي أَى شَيْءٍ تَضَعُ وَلَدَكَ، فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ: نیک بنگر که فرزندان را در کجا قرار دهی زیرا عِرْق و خصوصیات ارثی، به صورت پنهانی و بدون اختیار منتقل می‌شود و تأثیر می‌گذارد». (۲)

۲- اگر فرد با آنان کاری نداشته باشد، آنان با او کار دارند. هرگز نمی‌توان همسر را از آنان و آنان را از همسر جدا کرد.

۳- بدنامی یا خوشنامی آنان، تا آخر عمر همراه انسان است و در

۱- کتاب مکارم الاخلاق .

۲- کتاب مکارم الاخلاق .

(۸۲) ازدواج

زندگی تأثیر می‌گذارد و تحمّل بدنامی، برای آنان بسیار مشکل خواهد بود.

۴- صفات و خصوصیات، در فرزندان آینده، تأثیر دارد.

پیامبر اکرم در این باره می‌فرمایند:

«تَخَيَّرُوا لِنُطْفِكُمْ، فَإِنَّ الْأَبْنََاءَ تَشَبَهُ الْأُخْوَالَ: بنگرید چه کسی را به همسری برمی‌گزینید، زیرا فرزندان، شبیه و مانند

دایی‌هایشان می‌شوند». (۱)

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده‌اند:

«إِنِّي أَكْمُ وَ خَضْرَاءُ الدَّمَنِ ...: بپرهیزید از سبزه‌زاری که بر فراز مزبله و منجلابی روییده باشد. (زن زیبایی که در خانواده پلیدی

رشد کرده باشد)». (۲)

۱- جواهر، جلد ۲۹، صفحه ۳۷.

ازدواج (۸۳)

اما سؤالی که پیش می‌آید این است که از خانواده‌های بد، گاهی فرزندان شایسته و خوب بیرون می‌آیند و از خانواده‌های شریف و پاک، فرزندان ناشایسته و پلید؟

اولاً: بله، درست است اما این موضوع گاهی اتفاق می‌افتد و استثناء همیشه بوده و هست، گاهی در منجلاب، گلی می‌روید و در گلستان، خاری. نمی‌شود بر مبنای استثناها، قانون کلی بنا نهاد.

ثانیا: همین استثناها نیز با اصل خودشان ریشه مشترک دارند و بدون تردید آثاری از آن ریشه مشترک، در وجودشان هست که ممکن است در مواقع و

۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۲۹.

ازدواج (۸۴)

حالات عادی ظاهر نشود اما در تلاطم‌ها و حالات غیرعادی ظاهر می‌شود.

ثالثا: اگر بر کسی یقین شد که این «فرع» غیر از آن «اصل» است و همچنین بتواند این «فرع» را از آن «اصل» جدا کند و نگذارد خانواده‌اش در زندگی آینده دختر و پسر نقش داشته باشند و دخالت کنند و آنگاه می‌تواند با او ازدواج کند، اما این کار، کار هرکس نیست.

«الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ ... : زنان خبیث و ناپاک از آن مردان خبیث و ناپاکند و مردان ناپاک نیز تعلق به زنان ناپاک دارند و زنان پاک برای مردان پاک و مردان پاک برای زنان پاک هستند...». (۱).

۱- ۲۶ / نور.

ازدواج (۸۵)

الْخَبِيثَاتُ: زنان پلید و ناپاک

خَبِيثٌ: پلید و ناپاک، منظور ناپاکی و پلیدی در قلمرو اندیشه، عقیده، گفتار

خَبِيثِينَ: مردان پلید و ناپاک خَبِيثُونَ: مردان ناپاک

طَيِّبٌ: پاک و پاکیزه، منظور، پاکی در رفتار و گفتار یا پاکی معنوی و اخلاقی است

طَيِّبَاتٌ: زنان پاک و پاکیزه طَيِّبِينَ: مردان پاک و پاکیزه

طَيِّبُونَ: مردان پاک و پاکیزه

فلسفه و هدف ازدواج رسیدن به آرامش است و عشق و آرامش و الفت و مصاحبت جز با رعایت همتایی و کفویت در انتخاب همسر به دست نمی‌آید.

یکی دیگر از شرایط ازدواج «هم‌شان بودن» پسر و دختر است و مراد از هم

ازدواج (۸۶)

شان بودن برابری از نظر مقام و ثروت و شوون مادی نیست بلکه منظور از آن چنانچه در روایات آمده این است که پسر و دختر، مسلمان و پاکدامن باشند و نیز شوهر بتواند مخارج زندگی را تأمین کند.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «مرد باایمان، هم‌شان زن باایمان است».

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

«مقصود از "کفو" آن است که مرد پاکدامن باشد و نیز بتواند مخارج زندگی را تأمین کند». (۱)

و همچنین در شرایط همسری و هم‌شأنی می‌فرمایند :

۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۵۲.

ازدواج (۸۷)

«همسر همشأن، کسی است که در اثر ایمان باحیا باشد و بتواند زندگی‌اش را بچرخاند». (۱)

حضرت رسول فرمود: «دختر به کفو و مثل خود بدهید و از کفو و مانند خود دختر بخواهید و از برای نطفه خود زنی را

انتخاب کنید که شایسته آن باشد که فرزند از او به هم رسانید». (۲)

حضرت علی علیه‌السلام می‌فرمایند :

«آمیزش کنید با آنها که می‌شناسید و احتیاط کنید از کسانی که نمی‌شناسید». (۳)

۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۵۳.

۲- بحار الانوار، جلد ۱۰۳، صفحه ۲۲۱.

۳- کلمات قصار.

ازدواج (۸۸)

چه دختر و چه پسر برای تشکیل زندگی مشترک و یکی شدن برای رسیدن به آرامش و حفظ نوع بشر و تربیت انسان‌های برتر از خود، باید در انتخاب همسر دقت کنند، دین‌داری، خوش‌خلقی، پاکدامنی، عفت، برخورداری از ادب از مهم‌ترین معیارهای انتخاب است.

رعایت کفویت را هم در ازدواج پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله با خدیجه و هم در ازدواج آسمانی حضرت زهرا علیها‌السلام با حضرت علی علیه‌السلام مشاهده می‌کنیم.

و در حدیث است که «اگر علی نبود در عالم کفوی برای زهرا نبود». (۱)

بنابراین در بحث انتخاب همسر باید همتایی، شباهت در امور دینی و اخلاقی

۱- فضائل الخمسه، جلد ۲، صفحه ۱۴۹.

ازدواج (۸۹)

و خانوادگی در نظر گرفته شود.

همچنین در مباحث فقها آمده است که کفو بودن شوهر به اسلام او است و شخصیت‌های اجتماعی در کفو بودن

دخالتی ندارد. (۱)

اوصاف شایسته در انتخاب همسر

« وَ بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ : به کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح دارند بشارت ده که بهشت‌هایی برای آنهاست که نهرها از زیر درختان آن درجریانند، هر زمان که میوه‌ای از آن به آنها داده می‌شود می‌گویند

۱- آیت الله صناعی.

ازدواج (۹۰)

این همان است که قبلاً به ما روزی شده بود و برای آن‌ها همسرانی پاک و پاکیزه است و همیشه در آن بهشت خواهند بود». (۱)

ازواج: جمع زوج است که در مورد زن و مرد، هر دو، بکار می‌رود.

بلکه عسلی نزد زینب خورده‌ام و من سوگند یاد می‌کنم که دیگر از آن عسل نوشم ولی این سخن را به کسی دیگر مگو (مبادا به گوش مردم برسد و بگویند چرا پیامبر غذای حلالی را بر خود تحریم کرده و یا از کار پیامبر در این مورد و یا مشابه آن تبعیت کنند و یا به گوش زینب برسد و او دل شکسته شود).

ولی سرانجام «حفصه» این راز را افشاء کرد و بعدا معلوم شد اصل این قضیه توطئه‌ای بوده است پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله سخت ناراحت شد و این آیات بر او نازل شد.

از مجموع این آیات برمی‌آید که بعضی از همسران پیامبر نه تنها او را اذیت و ازدواج (۹۵)

ناراحت می‌کردند بلکه مسأله رازداری که از مهم‌ترین شرایط یک همسر باوفا است، نیز در آنها نبود. خدا در این آیه روی سخن را به تمام زنان پیامبر کرده بالحنی که خالی از تهدید نیست می‌فرماید: «هرگاه او شما را طلاق دهد امید می‌رود که به جای شما همسرانی بهتر برای او قرار دهد».

در اینجا قرآن، شش وصف برای همسران خوب، شمرده که می‌تواند الگویی برای همه مسلمانان به هنگام انتخاب همسر باشد.

نخست «اسلام» و سپس «ایمان» یعنی اعتقادی که در اعماق قلب انسان نفوذ کند و سپس حالت «قنوت» یعنی تواضع و اطاعت از همسر و بعد از آن «توبه» یعنی اگر کار خلافی از او سرزند در اشتباه خود اصرار نرزد و از در (۹۶) ازدواج

عذرخواهی درآید و بعد از آن «عبادت»، خداوند، عبادتی که روح و جان او را بسازد و پاک و پاکیزه کند و سپس «اطاعت فرمان خدا» و پرهیز از هرگونه گناه.

قابل توجه اینکه «سائحات» را جمع «سائح» به معنی روزه‌دار تفسیر کرده‌اند، به طوری که راغب در «مفردات» می‌گوید: روزه بر دو نوع است: «روزه حقیقی» که به معنی «ترک غذا و آمیزش است» و «روزه حکمی» که به معنی «نگهداری اعضای بدن از گناهان» است و منظور از روزه در اینجا معنی دوم است و منظور از «سائحات» در اینجا همان کسانی است که تمام اعضای بدن را از گناهان نگه می‌دارند و در طریق اطاعت خدا سیر می‌کنند.

این نیز قابل توجه است که قرآن روی باکره و غیرباکره بودن زن تکیه نکرده و برای آن اهمیتی قائل نشده زیرا در مقابل اوصاف معنوی که ذکر شد این مسأله اهمیت ندارد.

ازدواج (۹۷)

یکی از صفات زن، «صالح» بودن زن است یعنی کسی که شایستگی و لیاقت روحی و پاکی درونی و روانی داشته و از ناپاکی‌ها، آلودگی‌ها و خبث باطن پاک و منزّه باشد.

آنگاه قرآن مجید زنان صالحه را معرفی می‌کند:

«... فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِضَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ: پس زنان صالحه، کسانی هستند که با کمال تواضع و خضوع، همواره مطیع و

در غیاب همسر نیز حافظ اسرار و شؤون خانواده هستند». (۱)

صالحات: زنان صالح غیب: نهان قانتات: زنان مطیع

۱- ۳۴ / نساء.

ازدواج (۹۸)

حَفِظَ: نگهداری، مراقبت حَفِظَاتُ: زنان نگهدارنده و حافظ

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید :

«بهترین زنان شما برای همسری زنی است که زایا، مهربان، پاکدامن باشد، نزد فامیلش عزیز و محترم و در مقابل شوهر متواضع و مهربان و فروتن باشد، از خود آرایی برای شوهر خویش کوتاهی نکنند اما در برابر دیگران به حدی خوددار باشد که بی اعتنا جلوه کند، نظرات همسر خویش را به ویژه در امر زناشویی مراعات کند و در برابر خواسته‌های مشروع او تسلیم باشد و اما در عین حال سنگینی و وقار خود را از دست ندهد». (۱).

۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۱۴.

ازدواج (۹۹)

امام صادق علیه السلام می فرماید :

«بهترین زنان شما، زنانی هستند که خوشبو و معطر باشند و در خانه داری، کدبانوی خوب و خوش بخت و مهارت در آشپزی داشته باشند و در پذیرایی از مهمان و احسان بر فقراء، احساس خوشحالی نمایند و در اسراف و مصرف‌های بی مورد قدم برندارند اگر چنین باشد بدانند که آنان از کارگزاران الهی بوده و هرگز پشیمان نخواهند بود». (۱).

بنا به نتیجه‌ای که از آیات و احادیث به دست می آید اوصاف یک زن خوب و شایسته به شرح زیر می باشد :

۱- فروع کافی، جلد ۵، صفحه ۳۲۵.

ازدواج (۱۰۰)

۱- تقوی و ایمان

۲- تمکین و تأمین نیاز جنسی

۳- عفت و پاکدامنی و شرم و حیا

۴- پیروی زن از شوهر

۵- تدبیر اقتصادی و هماهنگی با امکانات شوهر

۶- زایا و بچه دار شدن

۷- زینت و آرایش برای شوهر

۸- رازداری زن نسبت به شوهر

۹- عشق و محبت بی نظیر به شوهر

همانطوری که داشتن همسر صالح برای مردان مایه خوشبختی و

ازدواج (۱۰۱)

سعادت است برای تمام زنان نیز داشتن شوهر شایسته بالاترین آرزوها

است .

«إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقِيكُمْ : ما شما را چه زن و چه مرد شعبه و قبیله قرار دادیم تا مورد شناسایی قرار گیرید در حقیقت بزرگوارترین و گرامی ترین شما در پیشگاه خدا، باتقوی ترین شما است». (۱).

در این آیه ملاک شایستگی، فقط تقوا معرفی شده و برای زن یا مرد، هیچ چیز دیگر قابل مقایسه با صفت «تقوی» نیست .

«وَالَّذِينَ يَزُمُونَ الْمُدْحِضَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةٍ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ : و

کسانی که زنان

۱-۱۳ / حجرات .

(۱۰۲) ازدواج

پاکدامن را متهم می‌کنند، سپس چهارشاهد نمی‌آورند، آنها را هشتاد تازیانه بزیند و شهادتشان را هرگز نپذیرید و آنها فاسقان هستند» (۱).

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكُمْ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ : به مردان مؤمن و باایمان بگو که چشمان خود را فرو بندند و عورت‌های خود را حفظ کنند این برای آنها پاکیزه‌تر است ، همانا خداوند از آنچه انجام می‌دهند آگاه است» (۲).

همچنین امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید :

۱-۴ / نور .

۲-۳۰ / نور .

ازدواج (۱۰۳)

«شایستگی داماد در تقوا و دیانت و امانتداری او نهفته است هرکس واجد این شرایط باشد ، درخواست او را بپذیرد» (۱). پیامبر اکرم علیه‌السلام می‌فرماید :

«هان، ای مردم کامل‌ترین مردم از جهت ایمان آن شخصی است که اخلاقی نیکو و نسبت به همسرش مهربان‌تر باشد» (۲). امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید :

«هر شوهری که دارای امکانات باشد برای او واجب است زندگی خانوادگی را توسعه بخشد» (۳).

۱- مکارم الاخلاق ، صفحه ۲۰۴ .

۲- وسائل الشیعه ، جلد ۸ ، صفحه ۵۰۹ .

ازدواج (۱۰۴)

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید :

«بهترین مردان شما ، سخاوتمند و مهمان‌نواز شما است و بدترین مردان شما افراد بخیل می‌باشد» (۱). پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید :

«از جمله نشانه‌های شوهران ممتاز این است که نسبت به پدر و مادر خویش مهربان و نیکوکار باشند» (۲). از این آیات و احادیث نتیجه می‌گیریم که بهترین شوهران و مردان ،

۱- روضة المتقین ، جلد ۵ ، صفحه ۳۸۰ .

۲- مکارم الاخلاق ، صفحه ۱۶۶ .

۳- روضة المتقین ، جلد ۸ ، صفحه ۱۰۸ .

ازدواج (۱۰۵)

دارای صفات ذیل می‌باشند :

۱- دیانت و تقوی و ایمان دارند .

۲- اخلاق و تلاشگری و کوشایی دارند.

۳- عفت کلام دارند و فحش نمی‌دهند .

- ۴- مهمان نواز نبود.
 - ۵- پاکیزه و آراسته‌اند.
 - ۶- بخشش و سخاوت دارند.
 - ۷- امین بودند.
 - ۸- نسبت به والدین خود نیکوکارند.
 - ۹- اصالت و نجابت خانوادگی دارند.
- (۱۰۶) ازدواج

نگاه کردن پیش از ازدواج

« لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدِ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَدَاكَ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ مَالِكًا فَالْحُرْمَةُ وَالْحُكْمُ وَاللَّعْنَةُ وَالنَّارُ أُولَئِكَ حَدِيدَاتٌ أَلْحَقَ اللَّهُ فِيهَا نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ » (۱)

و نمی‌توانی همسران را به همسران دیگری تبدیل کنی، هرچند جمال آنها مورد توجه تو واقع شود مگر آنچه که به صورت کنیز در ملک تو در آید...» (۱).

جمعی از مفسران جمله «وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ» (۲) را دلیل بر حکم معروفی گرفته‌اند که در روایات اسلامی نیز به آن اشاره شده و آن اینکه کسی که می‌خواهد با زنی ازدواج کند می‌تواند قبلاً به او نگاه کند، نگاهی که وضع

۱- ۵۲ / احزاب .

۲- هرچند زیبایی آنها اعجاب تو را برانگیزد .

ازدواج (۱۰۷)

و قیافه و اندام او را برای وی مشخص کند .

فلسفه این حکم این است که انسان با بصیرت کامل همسر خود را انتخاب کند و از ندامت و پشیمانی آینده که پیمان زناشویی را به خطر می‌افکند جلوگیری کند چنانچه در حدیثی از پیامبر اسلام آمده است که به یکی از یاران خود که می‌خواست با زنی ازدواج کند فرمود: «قبلاً به او نگاه کن که این سبب می‌شود مودت و الفت میان شما پایدار شود» (۱).

در حدیثی دیگر از امام صادق می‌خوانیم: که در پاسخ این سؤال که: «آیا مرد می‌تواند به هنگام تصمیم بر ازدواج با زنی او را به دقت بنگرد و

۱- تفسیر قرطبی، جلد ۸، صفحه ۵۳۰۳.

ازدواج (۱۰۸)

به صورت و پشت سر او نگاه کند؟» .

فرمود: «آری، مانعی ندارد، هنگامی که مردی بخواهد با زنی ازدواج کند به او نگاه کند و به صورت و پشت سر او بنگرد» (۱).

همانطوری که ملاحظه می‌کنید، همگی روایات حاکی است که این نگاه کردن‌ها، با دو شرط، نه تنها جایز است بلکه ضروری به نظر می‌رسد و آن دو شرط عبارتند از:

۱- مرد این عمل را به قصد شهوترانی انجام ندهد، اگرچه ممکن است هنگام تماشا کردن این موضوع حاصل شود.

۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۴.

ازدواج (۱۰۹)

۲- این نگاه‌ها به قصد ازدواج صورت بگیرد نه برای اغراض دیگر و یا خدای نکرده برای هوسرانی .

نگاه کردن از دیدگاه فقهی

مرحوم صاحب جواهر که از علماء بسیار بزرگ شیعه می‌باشند می‌فرمایند :

«کسی که اراده تزویج نموده ، می‌تواند به صورت و دست‌ها و موی سر و محل زینت زن نگاه کند ، بلکه به جز عورتین ، نگاه کردن وی به سایر اعضاء او نیز مجاز و مشروع است». (۱)

قابل توجه اینکه با این فتوا ، تمام مراجع تقلید فعلی موافقت کرده‌اند .

۱- عروۃ الوثقی ، فصل مستحبات نکاح .

(۱۱۰) ازدواج

و حضرت امام خمینی (ره) فرموده‌اند :

«در صورتیکه کسی اراده تزویج با فردی را داشته باشد و احتمال هم بدهد که ازدواج محقق خواهد شد بدون نظر شهوت می‌تواند

به تمام اعضاء بدن وی به جز عورتینش نگاه کند ، اگر چه تلذذ پس از نگاه کردن حاصل می‌شود اما احتیاط مستحب این است که

فقط به صورت ، دست‌ها و محل زینت و موی سرش نگاه کند و از دیدن بقیه قسمت‌ها اجتناب نماید». (۱)

پیشنهاد پدر و کسان دختر در ازدواج با پسر عیب نیست

« قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَجٍ فَإِنْ

۱- تحریر الوسیله ، جلد ۲ ، صفحه ۲۴۵ .

ازدواج (۱۱۱)

أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَسْئَلَ عَلَيْكَ سَيِّئِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ : شعيب گفت : من می‌خواهم یکی از این دو

دخترم را به همسری تو درآورم ، به این شرط که هشت سال برای من کار کنی و اگر آن را تا ده سال افزایش دهی ، محبتی از

ناحیه تو است ، من نمی‌خواهم کار سنگینی بر دوش تو بگذارم و ان شاء الله مرا از صالحین خواهی یافت». (۱)

استفاده می‌شود آنچه امروز در میان ما رایج شده که پیشنهاد پدر و کسان دختر را در مورد ازدواج با پسر عیب می‌دانند درست

نیست ، هیچ مانعی ندارد کسان دختر شخصی را که لایق همسری فرزندشان می‌دانند ، پیدا کنند و

۱- ۲۷ / قصص .

ازدواج (۱۱۲)

به او پیشنهاد دهند همان‌گونه که شعيب چنین کرد .

در اینجا چند سؤال پیش می‌آید و آن اینک:

الف : آیا از نظر فقهی صحیح است دختری که می‌خواهد به ازدواج کسی درآید دقیقاً معلوم نباشد ؟

پاسخ : معلوم نیست که عبارت فوق به هنگام اجرای صیغه گفته شده باشد بلکه ظاهر این است که گفتگوی مقدماتی و به اصطلاح

«مقاوله» است تا بعد از موافقت حضرت موسی ، طرفین یکدیگر را انتخاب کنند .

ب : آیا می‌توان «مهر» را به صورت مجهول و مردد میان کم و زیاد قرار داد ؟

پاسخ : از لحن آیه برمی‌آید که مهریه واقعی هشت سال خدمت کردن بوده است و دو سال دیگر مطلبی بوده است موقوف به

اراده و میل حضرت موسی .

ازدواج (۱۱۳)

ج: اصولاً آیا می‌توان «کار و خدمات» را مهریه قرار داد؟ و چگونه می‌توان با چنین همسری هم‌بستر گردید در حالی که هنوز زمان پرداخت تمام مهریه او فرا نرسیده است؟

پاسخ: هیچ دلیلی بر عدم جواز چنین مهری وجود ندارد، بلکه اطلاقات ادله مهر در شریعت ما نیز هر چیزی را که ارزش داشته باشد شامل می‌شود، این هم لزومی ندارد که تمام مهر را یک‌جا پردازند، همین اندازه که تمام آن در ذمه شوهر قرار گیرد و زن مالک آن شود کافی است، اصل سلامت و استصحاب نیز حکم می‌کند که این شوهر زنده می‌ماند و توانایی بر اداء این خدمت را دارد.

د: اصولاً چگونه ممکن است خدمت کردن به پدر، مهر دختر قرار گیرد؟ مگر دختر کالایی است که او را به آن خدمت می‌فروشند؟

ازدواج (۱۱۴)

پاسخ: بدون شک شعیب از سوی دخترش در این مسأله احراز رضایت نموده و وکالت داشت که چنین عقدی را اجرا کند و به تعبیر دیگر مالک اصلی در ذمه موسی، همان دختر شعیب بود، اما از آنجا که زندگی همه آنها به صورت مشترک و در نهایت صفا و پاکی می‌گذشت و جدایی در میان آنها وجود نداشت این مسأله مطرح نبود که ادای این دین چگونه باید باشد.

ه: مهریه دختر شعیب مهریه سنگینی بوده زیرا اگر به حساب امروز کار یک کارگر معمولی را در یک سال محاسبه کنیم و سپس در ۸ ضرب کنیم مبلغ قابل ملاحظه‌ای می‌شود؟

پاسخ: اولاً این ازدواج یک ازدواج ساده نبود بلکه مقدماتی بود برای ماندن موسی در مکتب شعیب، مقدمه‌ای بود برای اینکه موسی یک

ازدواج (۱۱۵)

دانشگاه بزرگ را در این مدت طولانی طی کند و خدا می‌داند که در این مدت موسی چه چیزها از «پیرمدین» (شعیب) فرا گرفت.

از این گذشته اگر موسی این مدت را برای شعیب کار می‌کرد، در عوض شعیب نیز تمام زندگی او و همسرش را از این طریق تأمین می‌نمود بنابراین اگر هزینه موسی و همسرش را از مزد این کار کم کنیم مبلغ زیادی باقی نخواهد ماند و تصدیق خواهیم کرد مهر ساده و سبکی بوده است.

آیا می‌توان با همسری بدون مهر ازدواج کرد؟

«... وَامْرَأَةً مُؤْمِنَةً اِنْ وَهَبْتَ نَفْسَها لِلنَّبِيِّ اِنْ ارَادَ النَّبِيُّ اَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُوْنِ الْمُؤْمِنِيْنَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِيْ اَزْوَاجِهِمْ وَ مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُوْنَ عَلَيْكَ حَرْجٌ وَكَانَ اللّٰهُ عَفُوْرًا رَحِيْمًا: و هرگاه زن باایمانی خود را به

ازدواج (۱۱۶)

پیامبر ببخشد (و مهری برای خود قایل نشود) چنانچه پیامبر بخواهد می‌تواند با او ازدواج کند، اما چنین ازدواجی تنها برای تو مجاز است نه سایر مؤمنان، ما می‌دانیم برای آنها در مورد همسرانشان و کنیزانشان چه حکمی مقرر داشته‌ایم، این به خاطر آن است که مشکلی در ادای رسالت بر تو نبوده باشد و خداوند آمرزنده و مهربان است». (۱)

در این آیه بدون شک اجازه «گرفتن همسر بدون مهر» از مختصات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بود و آیه نیز صراحت در این مسأله دارد و

به همین جهت از مسلمات فقه اسلام است، بنابراین هیچ کس حق ندارد همسری را بدون مهر (کم باشد یا زیاد) ازدواج کند حتی اگر نام مهریه هنگام اجرای صیغه عقد برده نشود و قرینه تعیین ۱- ۵۰ / احزاب .

ازدواج (۱۱۷)

کننده‌ای نیز در کار نباشد باید «مَهْرُ الْمَثَلِ» پرداخت. منظور از «مَهْرُ الْمَثَلِ» مهریه‌ای است که زنانی با شرایط و خصوصیات او معمولاً برای خود قرار می‌دهند.

و در اینکه این حکم کلی در مورد پیامبر مصداقی پیدا کرده یا نه؟

بعضی از مفسرین چون ابن عباس معتقدند که پیامبر با هیچ زنی به این کیفیت ازدواج نکرد بنابراین این حکم بالا فقط یک اجازه کلی برای پیامبر بود که هرگز مورد استفاده قرار نگرفت در حالی که بعضی دیگر از مفسرین نام چهار زن از همسران پیامبر را برده‌اند که بدون مهریه ازدواج آن حضرت در آمدند: «میمونه» دختر حارث، «زینب» دختر خزیمه، «ام شریک» دختر جابر، «خوله» دختر حکیم بوده است و بدون شک این گونه زنان تنها خواهان کسب افتخار معنوی بودند که از طریق پیامبر برای آنها حاصل می‌شد لذا بدون هیچ مهری

ازدواج (۱۱۸)

آماده همسری با او شدند.

و همچنین از این آیه به خوبی استفاده می‌شود که اجرای صیغه ازدواج با لفظ «هبه» تنها مخصوص پیامبر بوده و هیچ فرد دیگری نمی‌تواند با چنین لفظی عقد ازدواج را اجرا کند ولی اگر اجرای عقد با لفظ ازدواج و نکاح انجام گیرد جایز است هرچند نامی از مهر برده نشود، زیرا همان گونه که گفته شد در صورت عدم ذکر مهر باید «مهرالمثل» پرداخت.

تعبیر به «ازدواج» همسران دائمی و موقت هر دو را شامل می‌شود

«إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاجِهِمْ أَوْ مَمْلَكَتٍ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ»: تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند که در بهره‌گیری از این‌ها مورد سرزنش قرار نمی‌گیرند». (۱)

ازدواج (۱۱۹)

تعبیر به «همسران» شامل همسران دائم و موقت هر دو می‌شود. از آیات فوق استفاده می‌شود که تنها دو گروه از زنان بر مردان حلال هستند، نخست همسران و دیگر کنیزان (با شرایط مخصوص) و به همین جهت این آیه در کتب فقهیه در بحث‌های نکاح در موارد بسیاری مورد استفاده قرار گرفته است.

با توجه به این حقیقت که (متعه) به طور مسلم در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله حلال بوده است و احدی از مسلمانان آن را انکار نمی‌کنند و با توجه به اینکه متعه یک نوع ازدواج است، ازدواجی است موقت و دارای شرایط ازدواج دائم، بنابراین قطعاً در جمله «إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاجِهِمْ» داخل است و به همین دلیل به هنگام خواندن

۱- ۶ / مؤمنون و ۳۰ / معارج .

ازدواج (۱۲۰)

صیغه ازدواج موقت، از همان صیغه‌های ازدواج دائم با قید مدت استفاده می‌شود و این بهترین دلیل بر ازدواج بودن آن است.

شرایط عقد ازدواج دائم و موقت

اول: آنکه به عربی صحیح خوانده شود به احتیاط واجب.

دوم: مرد و زن یا وکیل آنها که صیغه را می‌خوانند قصد انشاء داشته باشند یعنی اگر خود مرد و زن صیغه را می‌خوانند زن به گفتن «زَوَّجْتُكَ نَفْسِي» قصدش این باشد که خود را زن او قرار دهد و مرد به گفتن «قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ» زن بودن او را برای خود قبول کند.

سوم: کسی که صیغه را می‌خواند بالغ و عاقل باشد.

چهارم: زن و مرد به ازدواج راضی باشند.

ازدواج (۱۲۱)

پنجم: اگر وکیل زن و شوهر و یا ولی آنها صیغه را می‌خوانند، در عقد، زن و شوهر را معین کنند مثلاً اسم آنها را ببرند یا به آنها اشاره کنند.

دستور خواندن عقد ازدواج دائم و موقت

به واسطه عقد ازدواج، زن به مرد حلال می‌شود و آن بردو قسم است: دائم، غیردائم.

عقد دائم آن است که مدت زناشویی در آن معین نشود و زنی را که به این قسم عقد کنند دائمه می‌گویند و عقد غیردائم آن است که مدت زناشویی در آن معین نشود مثلاً زن را به مدت یک ساعت یا یک روز یا یک ماه ... عقد نمایند و زنی را که به این قسم عقد کنند متعه و صیغه می‌نامند. در ازدواج زناشویی دائم و موقت باید صیغه عقد خوانده شود.

دستور خواندن عقد دائم

ازدواج (۱۲۲)

اگر صیغه عقد دائم را خود زن و مرد بخوانند و اول زن بگوید: «زَوَّجْتُكَ نَفْسِي عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ» (یعنی خود را زن تو نمودم به مهری که معین شده). پس از مرد بدون فاصله بگوید: «قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ» (یعنی قبول کردم ازدواج را (۱))، عقد صحیح است.

و اگر دیگری را وکیل کنند که از طرف آنها صیغه عقد بخواند وکیل زن می‌گوید: «زَوَّجْتُ مُوَكَّلَتِي ... مُوَكَّلَكَ ... عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ» پس بدون فاصله وکیل مرد بگوید: «قَبِلْتُ لِمُوكَلِّي ... عَلَى الصَّدَاقِ» صحیح باشد.

دستور خواندن عقد موقت (غیردائم)

۱- توضیح المسائل، امام خمینی (ره).

ازدواج (۱۲۳)

اگر خود زن و مرد بخواهند صیغه عقد غیردائم را بخوانند بعد از آنکه مدت و مهر را معین کردند (تعیین مدت و مهر در عقد موقت لازم و واجب است). چنانچه زن بگوید: «زَوَّجْتُكَ نَفْسِي فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ» بدون فاصله مرد بگوید: «قَبِلْتُ» صحیح است.

و اگر دیگری را وکیل کنند و اول وکیل زن به وکیل مرد بگوید: «مَتَّعْتُ مُوَكَّلَتِي مُوَكَّلَكَ فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ» پس بدون فاصله وکیل مرد بگوید: «قَبِلْتُ لِمُوكَلِّي هَكَذَا» صحیح می‌باشد. (۱)

فسخ عقد ازدواج

۱- توضیح المسائل، امام خمینی (ره).

(۱۲۴) ازدواج

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مَهَاجِرَاتٍ فَأَمْتَحِنُوهُنَّ / اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ / فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ / لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ / وَأَتَوْهُنَّ مَا أَنْفَقُوا / وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ / وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ / وَأَسْئَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَلَيْسَ لَكُمْ أَنْفَقُوا / ذَلِكَمْ حُكْمُ اللَّهِ / يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ / وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ : ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که زنان باایمان به‌عنوان هجرت نزد شما آیند، آن‌ها را آزمایش کنید - خداوند از ایمان آن‌ها آگاه‌تر است - هرگاه آنان را مؤمن یافتید، آن‌ها را به‌سوی کفار بازنگردانید، نه آن‌ها برای کفار حلالند و نه کفار برای آن‌ها حلال و آن‌چه را همسران آن‌ها (برای ازدواج با این زنان) پرداخته‌اند، به آن‌ها بپردازید و گناهی بر شما نیست که با آن‌ها ازدواج کنید، هرگاه مهرشان رابه آن‌ها بدهید و هرگز همسران کافر را در همسری خود نگه ندارید (و اگر کسی از زنان شما کافر شد و به بلاد کفر فرار کرد) حق دارید مهری را که پرداخته‌اید، مطالبه کنید، همان‌گونه که آن‌ها حق دارند مهر زنانشان را که از آنان جدا شده‌اند، از شما مطالبه کنند، این حکم خداوند است که در میان شما حکم می‌کند و خداوند دانا و حکیم است.»

ازدواج (۱۲۵)

« وَأَنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعَابْتُمْ فَاَتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَرْوَاجُهُمْ مِثْلَ مَا أَنْفَقُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ : و اگر بعضی از همسران شما از دستتان بروند (و به سوی کفار بازگردند) و شما در جنگی بر آنان پیروز شدید و غنایمی گرفتید، به کسانی که همسرانشان رفته‌اند، همانند مهری را که پرداخته‌اند، بدهید و از مخالفت خداوندی که همه به او ایمان دارید، پرهیزید. (۱)

ازدواج (۱۲۶)

در این آیه خداوند به عنوان تأکید می‌فرماید: « لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ » چراکه ایمان و کفر در یک جا جمع نمی‌شود و پیمان مقدس ازدواج نمی‌تواند میان مؤمن و کافر رابطه‌ای برقرار سازد، چراکه این‌ها در دو خط متضاد قرار دارند، درحالی که پیمان ازدواج باید نوعی وحدت در میان دو زوج برقرار سازد و این دو با هم سازگار نیست. از آنجا که معمول عرب بود که مهریه زنان خود را قبلاً می‌پرداختند خداوند می‌فرماید: « وَأَتَوْهُنَّ مَا أَنْفَقُوا ». ۱- ۱۰ و ۱۱ / ممتحنه.

ازدواج (۱۲۷)

درست است که شوهرشان کافر است اما چون اقدام بر جدایی به وسیله ایمان از طرف زن شروع شده، عدالت اسلامی ایجاب می‌کند که خسارات همسرش خصوصاً مهریه وی پرداخته شود. البته این پرداخت مهر در مورد مشرکانی بود که با مسلمانان پیمان ترک مخاصمه امضاء کرده بودند.

اما چه کسی باید این مهر را بپردازد؟ ظاهر این است که این کار برعهده حکومت اسلامی و بیت المال است، چراکه تمام اموری که مسئول خاص در جامعه اسلامی ندارد، برعهده حکومت است و خطاب جمع در آیه موردبحث گواه این معنی است. و همچنین در حکم دیگری می‌فرماید: « وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ ... ».

مبادا تصور کنید که چون قبلاً مهری از شوهر سابق گرفته‌اند و معادل آن از

ازدواج (۱۲۸)

بیت‌المال به شوهرشان پرداخته شده، اکنون که با آنها ازدواج می‌کنید، دیگر مهری در کار نیست و برای شما مجانی تمام می‌شود

، نه ، حرمت زن ایجاب می کند که در ازدواج جدید نیز مهر مناسبی برای او در نظر گرفته شود ، باید توجه داشت که در اینجا زن بدون طلاق از شوهر کافر جدا می شود ، ولی باید عده نگه دارد .

امّا هرگاه قضیه برعکس باشد، یعنی شوهر اسلام را بپذیرد و زن بر کفر باقی بماند، در اینجا نیز رابطه زوجیت به هم می خورد و نکاح فسخ می شود ، چنانچه در ادامه همین آیه می فرماید : « وَ لَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ » . «عِصَمٌ جمع «عصمت» دراصل به معنی «منع» و در اینجا به معنی «نکاح و زوجیت» است . «کوافر» جمع «کافره» به معنی «زنان کافر» است و ظاهر آیه مطلق می باشد و همه ازدواج (۱۲۹)

زنان کافر (زنان مشرک ، زنان اهل کتاب) را شامل می شود .

و در آخرین حکم که در آیه آمده ، سخن از مهر زنانی است که از اسلام جدا می شوند و به اهل کفر می پیوندند ، می فرماید : « وَ اسْئَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَلْيَسْئَلُوا مَا أَنْفَقُوا : و این مقتضای عدالت و احترام به حقوق متقابل است . »

و در عین اینکه مسلمانان به حکم عادلانه ذکر شده در آیه قبل عمل کردند ، مشرکان سرباز زدند ، لذا دستور داده شده برای عدم تضییع حق این افراد ، هرگاه غنایمی بدست آمد ، اول حق آنها را پردازند سپس غنایم را تقسیم کنند و این احتمال هم وجود دارد که حکم فوق مربوط به اقوامی باشد که مسلمانان با آنها پیمان نداشتند و طبعاً حاضر نبودند مهر این گونه زنان را به مسلمانان باز پس دهند ، جمع میان هر دو معنی نیز ممکن است .

ازدواج (۱۳۰)

در تواریخ و روایات آمده است که این حکم اسلامی تنها شامل شش زن شد که از همسران مسلمان خود بریدند و به کفار پیوستند و پیامبر صلی الله علیه و آله مهر همه آنها را از غنایم جنگی به شوهرانشان بازگرداند .

قال الله تعالی : «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرَاتًا» (۱) .

و مهر زنان را (بطور کامل) به عنوان یک بدهی (یا یک عطیه) به آنها پردازید و اگر آنها با رضایت خاطر چیزی از آن را به شما ببخشند آن را حلال و گوارا مصرف کنید .

تعریف واژه مهر (صداق)

۱- ۴ / نساء .

ازدواج (۱۳۱)

مهر کلمه‌ای است عربی و در فارسی آن را کابین گویند و لغات دیگر مترادف آن در عربی ، صداق ، نحلّه ، فریضه ، اجر می باشد . در قرآن مجید واژه مهر به کارنرفته بلکه از لغات معادل آن استفاده شده که یکی از آن صداق است و «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً» (۱) (۲) و در قاموس قرآن آورده :

صَدَقَهُ : به فتح صاد و ضم دال مهریه زن است که جمع آن در قرآن صَدَقَاتٌ آمده . (۳)

اخفش از قول بنی تمیم نقل می کند که :

۱- ۴ / نساء .

۲- ترجمه از کتاب تفسیر نمونه ، جلد ۳ ، صفحه ۲۶۲ ، تاریخ انتشار اردیبهشت ۱۳۵۴ .

۳- قاموس قرآن ، جلد ۳- ۴ ، صفحه ۱۱۷ ، ماده (صداق) .

ازدواج (۱۳۲)

صَدَقَهُ ، به ضم صاد و سکون دال جمع صَدَقَاتٌ است (۱) در فرهنگ جامع هم صَدَقَهُ و صِدَاق و صِدَاق و صِدَاق و صِدَاق و صِدَاق ، به

معنی مهریه آمده است . (۲)

راغب اصفهانی هم در مورد صدق می‌فرماید :

صدق با کسر و فتح و ضم آن چیزی است که به زن از باب مهر پرداخت می‌شود علت اینکه به مهر در قرآن به صدق تعبیر شده است حاکی از بنیان و تشکیل یک خانواده براساس صداقت و درستی است .

فلسفه مهریه

فلسفه مهریه

۱- اعراب القرآن ، جلد ۱ ، صفحه ۴۳۴ .

۲- فرهنگ جامع (عربی فارسی) جلد اول ، ماده صدق .

ازدواج (۱۳۳)

حکمت متعالیه الهی هیچ فعلی را بدون حکمت و هدف تشریح ننموده است .

بنابراین بر صاحبان اندیشه و پژوهشگران متعهد است که در حد توان عملی خود پرده از روی حکمت‌های احکام تشریحی برداشته و آن چهره زیبا و متکامل قوانین الهی را برای انسان کمال طلب و حقیقت جو ، با قلم هنرمندانه خود به تصویر بکشند و ابر تیره و تاریک ضلالت را از پیش چشم کج‌اندیشان بی‌سلیقه و روشنفکر مآب‌های خودباخته کنار زنند ، تا ایرادهای ناآگاهانه بر مهریه گرفته نشود و مهریه را نوعی معامله و نهایتاً توهین به زن نشمارند .

در فلسفه مهریه باید روشن شود که تمام ایرادهایی که بر مهریه گرفته شده است با دید تنگ‌نظرانه مادی و اقتصادی بوده است و سایر ابعاد معنوی و تربیتی لطیف مهریه که حاکی از پیوند محبت و عشق و بقاء و

ازدواج (۱۳۴)

تکامل بوده است منظور نشده است .

در پیگیری هدفی که در جهت روشن شدن فلسفه مهریه داشتیم با استمداد از توفیقات الهی و با استفاده از تفاسیر بزرگان که در ذیل آیه شریفه ۴ / نساء بیان کرده‌اند ، به نکت قابل توجهی رسیدیم که برای ما حائز اهمیت بوده و اعتقاد مرا به حکمت الهی راسخ‌تر نموده است .

با اعتراف به اینکه نتیجه به دست آمده تمام فلسفه مهریه نبوده و هنوز حق مطلب ادا نشده است نتایج تحقیق با توضیح ارائه می‌شود .

۱ - مهریه تجلی فطرت و طبیعت است

هدیه دادن به محبوب به عنوان اظهار محبت و نشان دادن علاقه ، امری فطری و طبیعی است که معمولاً از سوی کسی که پیشقدم می‌شود و طالب و یا

ازدواج (۱۳۵)

خواستگار است ارائه می‌شود .

طبیعتاً و غالباً در نظام آفرینش ، جنس مذکر خواستگار جنس مؤنث است همانطور که دانشمندان علوم تجربی هم این موضوع را در نظام آفرینش و زندگی حیوانات کشف کرده‌اند ، که جنس مذکر قبل از جفت‌گیری هدیه‌ای را به همسر آینده‌اش تقدیم

می‌کند .

در کتاب «اسرار جهان دانش» تحت عنوان نامزدی و زناشوئی در میان پرنندگان آمده است :
عجیب‌تر از همه ، استفاده از هدیه عروسی بین پرنندگان است که به تازگی کشف کرده‌اند . زاغچه نر بعد از بازدید آشیانه‌های
موردنظر به اتفاق همسر آینده‌اش ، به او یک حشره هدیه می‌کند .

ازدواج (۱۳۶)

سهره چند هفته بعد از نامزدی با هدیه نمودن دانه‌هایی چند به معشوق خود عشقش را محکم‌تر می‌سازد . یک نوع پرنده دریایی به
نام مرغ اسکله رقص ازدواج را متوقف کرده و داخل رودخانه می‌شود و از آنجا یک ماهی صید کرده و به همسر آینده‌اش ،
هدیه می‌کند .

مرغان گوشتخوار هدیه مهم‌تری تقدیم می‌دارند . مار چیزی هدیه نمی‌کند اما چند شکاف درخت را با برگ یا علف و گاهی با
گل تزئین می‌کند و به آواز مخصوصی آنها را به نامزدش نشان می‌دهد . به طور کلی پیشکش‌ها مختلف است اغلب وسایل
موردنیاز برای آشیانه سازی یا خوراکی هدیه می‌کنند و یا تحفه‌هایی بی‌فایده ولی سمبولیک تقدیم می‌دارند . چرا این هدایا را
می‌دهند ؟ گویی پرنده نر بدان وسیله اظهار می‌دارد : من هنگام خوابیدن روی تخم‌ها از تو

ازدواج (۱۳۷)

خوب مواظبت خواهم کرد و برایت غذا فراهم خواهم کرد یا می‌گویند باید به فکر ساختن آشیانه‌مان باشیم . واضح است که این
تعبیر و تفسیرها ساخته و پرداخته ذهن بشری است و باید در صحت آنها تردید کرد . ممکن است که تقدیم این هدایا جزو یک
سلسله از بازتاب‌های مشروط باشد که منجر به ازدواج می‌گردد ولی مطلب جالب توجه این است که همواره ماده مورد احترام نر
است و غالباً هدیه از طرف نر به ماده داده می‌شود . اما غالب اوقات پرنده ماده او را به دادن هدیه ترغیب می‌کند . در این موقع او
حالت و رفتار پرنده کوچکی را به خود می‌گیرد که درخواست خوراکی از منقار مادرش دارد و در حالی که با بال‌های لرزان
ملتمسانه چمباتمه زده است مانند پرنده تازه از تخم درآمده‌ای با منقار گشوده تقاضای کمک می‌کند . و بالاخره دکتر
ز.وسلوسکی می‌گوید: هدایا در

ازدواج (۱۳۸)

بسیاری از تشریفات اظهار عشق ، نقش مهمی بازی می‌کنند . پرستوی دریایی نر برای جفتش یک ماهی کوچک به رسم هدیه
می‌آورد و کبوترهای الماسی استرالیا یک دسته علف آبی برای یکدیگر پیشکشی می‌آورند . (۱)
علامه طباطبائی در تفسیر المیزان در ذیل آیه ۴ سوره نساء می‌فرماید :

اگر می‌بینید که کلمه صِدُقَات به ضمیر (هُنَّ) زنان اضافه شده به جهت بیان این مطلب است که وجوب دادن مهریه زنان مسأله‌ای
نیست که فقط آن را دین تأسیس (۲) کرده باشد بلکه مسأله‌ای است که اساساً در بین مردم و در سنن

۱- ازدواج در نظام آفرینش ، تألیف : سیدجمال الدین حجازی ، ناشر شرکت انتشارات میقات ، تاریخ نشر پائیز ۷۰ ، صفحه ۱۳۶۲ .
۲- احکام شرعی یا تأسیسی هستند یا ارشادی ، احکام تأسیسی آن است که عقل در مورد حکمی سکوت دارد و شرع آن را بنا و
ایجاد می‌نماید برخلاف ارشادی که عقل به تنهایی حکم دارد و شرع هم اظهار نظر کرده است .

ازدواج (۱۳۹)

ازدواجشان متداول بوده است ، سنت خود بشر بر این جاری بوده و هست که پولی و یا مالی را که قیمتی داشته باشد به عنوان مهریه
به زنان اختصاص دهند و کآنه این پول را در مقابل عصمت او قرار می‌دهند و آنچه بین مردم متداول است این است که طالب و
داعی برای ازدواج مرد می‌باشد . (۱)

استاد بزرگوار شهید مطهری می‌فرماید :

قرآن رموز فطرت بشر را با کمال دقت رعایت کرده است و برای اینکه هریک

۱- المیزان فی تفسیر القرآن ، علامه سید محمدحسین الطباطبائی ، (م ۱۴۰۲ ق) ، جلد ۴ ، صفحه ۱۶۹ .

(۱۴۰) ازدواج

از زن و مرد نقش مخصوصی که در طبیعت از لحاظ علائق دوستانه به عهده آنها گذاشته شده ، فراموش نکنند لزوم مهر را تأکید کرده است . نقش زن این است که پاسخگوی محبت مرد باشد . محبت زن خوب است به صورت عکس‌العمل محبت مرد باشد نه به صورت ابتدائی . عشق ابتدائی زن ، یعنی عشقی که از ناحیه زن شروع بشود و زن بدون آنکه مرد قبلاً او را خواسته باشد عاشق مردی بشود ، همواره با شکست عشق و شکست شخصیت خود زن همراه است ، برخلاف عشقی که به صورت پاسخ به عشق دیگری در زن پیدا می‌شود ، این چنین عشقی نه خودش شکست می‌خورد و نه به شخصیت زن لطمه وارد می‌آورد . (۱)

۱- نظام حقوق زن در اسلام مؤلف : استاد شهید مرتضی مطهری ، انتشارات صدرا - قم - چاپ هشتم تیرماه ۱۳۵۷ ، چاپ امیر قم صفحه ۲۱۱ .

ازدواج (۱۴۱)

پس می‌توان نتیجه گرفت وجود مهریه یک قانون جاری و ساری در طبیعت و خلقت می‌باشد و اسلام به عنوان یک دین کامل و فطری روی این سنت انگشت گذاشته و چهارچوب شرعی و قانونی آن جهت اصلاح امور خانواده بیان کرده است . مخالفت با امر مهریه در واقع مخالفت با یک واقعیت و فطرت می‌باشد که باعث تزلزل در ارکان زندگی می‌شود .

۲- مهر قانون عشق و جذب است

نوع علاقه زن به مرد متفاوت است و با اینکه تجاذب طرفینی است ، اما به

(۱۴۲) ازدواج

عکس اجسام بی‌جان ، جسم کوچک‌تر ، جسم بزرگ‌تر را به سوی خود می‌کشاند . آفرینش ، مرد را مظهر طلب و عشق و تقاضا و زن را مظهر محبوبیت و معشوقیت ، قرار داده است . احساسات مرد ، نیازآمیز و احساسات زن نازخیز است . احساسات مرد طالبانه و احساسات زن ، مطلوبانه است .

استاد بزرگوار شهید مطهری در این ارتباط می‌فرماید :

عرفا قانون عشق را بر سراسر هستی سرایت می‌دهند و می‌گویند :

عشق و جذب و انجذاب بر سراسر موجودات و مخلوقات حکومت می‌کند ، با این خصوصیت که موجودات و مخلوقات از لحاظ اینکه هر موجودی وظیفه خاصی را باید ایفا کند متفاوتند ، سوز در یک‌جا و ساز در جای دیگر قرار دارد .

مهر از آنجا پیدا شد که در متن خلقت نقش هریک از زن و مرد نسبت به

ازدواج (۱۴۳)

یکدیگر یک جور نیست . قانون خلقت ، جمال و غرور و بی‌نیازی را در جانب زن و نیازمندی و طلب و عشق و تغزل را در جانب مرد قرار داده است . (۱)

زندگی بدون وجود عشق و محبت یک زندگی تشریفاتی و سرد و بی‌روح خواهد بود و نتیجه‌ای جز از هم‌پاشیدگی شیرازه نظام خانواده و جامعه و بی‌هویتی و ایجاد بحران به دنبال نخواهد داشت .

آنچه به زندگی روح و معنی می‌دهد قانون عشق و محبت است .

این عشق است که موجب بقاء خانواده و موجب جنبش و حرکت و گرم کردن

۱- نظام حقوق زن در اسلام مؤلف: استاد شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا-قم-چاپ هشتم تیرماه ۱۳۵۷، چاپ امیرقم صفحه ۲۱۱.

(۱۴۴) ازدواج

زندگی خانوادگی می‌شود. عشق و محبت در هریک از موجودات جهان به عنوان یک روح و یک نیرو وجود دارد که آنها را در راه وصال، به کوشش وحدت وامی‌دارد.

مهریه هم پیام و نمادی است از اظهار عشق و شروع آغاز زندگی جدید با شیرینی عشق و محبت. حال چه مقدار مهریه کم باشد و چه زیاد.

در قرآن شریف هم کلمه نحلّه را به عنوان حال از برای صَدَقَاتِهِنَّ آورده است «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً» (۴ / نساء).

در تفسیر مجمع‌البیان ذیل آیه شریفه فوق در مورد نِحْلَهُ می‌فرماید:

وَسُمِّيَ النَّحْلُ نِحْلًا لِأَنَّ اللَّهَ نَحَلَ مِنْهَا النَّاسَ الْعَسَلَ الَّذِي فِي بُطُونِهَا (۱)

۱- مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن مؤلف: امین‌الدین ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی الطوسی (م ۵۴۸، ه ق) نشر: بیروت: داراحیاء التراث العربی ۱۳۷۹.

ازدواج (۱۴۵)

زنبور عسل را نحل گویند زیرا خداوند به واسطه او از آنچه در درون او است به مردم عسل می‌بخشد. راغب اصفهانی هم در مفرداتش می‌گوید:

نِحْلَهُ بخششی است بر سیبل تَبْرُج که اخصّ از هبه می‌باشد چون هر هبه‌ای نحلّه هست اما هر نحلّه‌ای هبه نیست و اشتقاق نحلّه از نحل (زنبور عسل) به خاطر فعل (زوج) است مهریه را در هنگام دادن به صورت شیرین و گوارا به همسر خود می‌دهد.

پس آنچه می‌توان از کلمه نحلّه که به عنوان حال برای مهر آمده است نتیجه گرفت این است که مهریه یک اظهار عشق و محبت فوق‌العاده‌ای می‌باشد که حتی

ازدواج (۱۴۶)

فوق هبه و بخشش است و شوهر با تعیین مهر نهایت عشق به همسر و زندگی خود را اعلام می‌کند آنگاه است که این پیوند مقدس شامل این آیه شریفه می‌شود:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (۲۱ / روم). (۱)

«و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خود شما برای شما آفرید تا در کنار آنها آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد، در این امر نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند».

شهید مطهری (ره) می‌فرماید:

۱- ترجمه از کتاب تفسیر نمونه، جلد ۱۶، صفحه ۳۸۸، چاپ ۱۲، تابستان ۱۳۷۴.

ازدواج (۱۴۷)

رابطه زن و شوهر بالاتر از یک معادله ساده است و در آن عاطفه و مهر، نقش مهمی دارد زیرا زن با مهریه ملک شوهر نمی‌شود ولی قلب او باید به تسخیر مرد درآید. (۱)

پس زندگی باید با عشق و شیرینی خاصی که با علامت مهر نشان داده می‌شود شروع شود و کلیه تلخی‌های زندگی شیرین شود و همه مشکلات و دردهای زندگی شفا پیدا کند زیرا یکی از نکات مهمی که در مورد مهر در آیه «صداق» بیان شده عبارت «هنیا مریئا» می‌باشد زیرا همان‌طوری که خداوند در مورد غسل فرموده شفاء است از برای مردم «يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ

۱- نظام حقوق زن در اسلام: شهید مطهری، صفحه ۲۰۰.

(۱۴۸) ازدواج

أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ» (۷۲/نحل). «از درون شکم آنها نوشیدنی خاصی خارج می‌شود، به رنگ‌های مختلف، که در آن شفای مردم است». (۱)

در مورد مهریه علاوه بر اینکه کلمه نِخْلَةٌ آورده عبارت هَنِئًا مَرِيئًا هم بیان نموده است.

در تفسیر مجمع البیان می‌فرماید:

فَالْهِنِيُّ شِفَاءٌ مِنَ الْمَرَضِ (۲) هِنِيُّءٌ به معنای شِفَاءٌ از مرض است.

و در تفسیر رَوْضُ الْجَنَانِ وَ رَوْحُ الْجَنَانِ در مورد مَرِيئًا از قول ابو حمزه

۱- ترجمه از کتاب تفسیر نمونه، جلد ۱۱، صفحه ۲۹۵.

۲- مجمع البیان فی تفسیر القرآن: جلد ۲، (از ده جلدی در ۵ جلدی)، صفحه ۴.

ازدواج (۱۴۹)

می‌فرماید: مَرِيئًا لاداءِ فِيهِ (۱) مَرِيئًا یعنی چیزی که در آن دردی نیست.

در مورد اینکه مهر موجب شفای امراض می‌شود اخبار زیادی از معصومین رسیده که به دو روایت از مستدرک الوسائل اشاره می‌شود.

دعائم الاسلام: عن علی علیه السلام: أَنَّهُ قَالَ: «أَيَعِزُّ أَحَدُكُمْ إِذَا مَرَضَ أَنْ يَسْأَلَ امْرَأَتَهُ فَتَهَيِّتَ لَهُ مِنْ مَهْرِهَا دِرْهَمًا. فَيَشْتَرِي بِهِ عَسَلًا فَيَشْرِبُهُ بِمَاءِ السَّمَاءِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ فِي الْمَهْرِ: فَإِنْ طِبَّنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُّوهُ هَنِئًا مَرِيئًا وَ يَقُولُ فِي الْعَسَلِ: فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ. وَ يَقُولُ فِي مَاءِ السَّمَاءِ: أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا». (۲)

۱- روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن: جلد ۵، صفحه ۱۴۴.

۲- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل: جلد ۱۵، صفحه ۸۲.

ازدواج (۱۵۰)

یعنی: در دعائم اسلام از علی علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمود:

آیا یکی از شما عاجز شده است از مرضی تا اینکه از همسرش بخواهد که به او درهمی از مهرش را ببخشد (پس از گرفتن درهم) با آن عسل بخرد و آن را با باران بنوشد چون خداوند در مورد مهر فرموده: اگر مقداری از مهر به شما بخشیدند بخورید آن را هنیئا و مریئا. و در مورد غسل فرمود: در آن شفاء است و در مورد باران فرمود: نازل نمودیم از آسمان آبی مبارک.

قطب‌راوندی نیز روایتی در لب‌الباب از قول حضرت علی علیه السلام نقل کرده است: مَنْ أَصَابَتْهُ عَلَّةٌ فَلْيَسِّرْ أَلِ امْرَأَتِهِ ثَلَاثَ دَرَاهِمٍ مِنْ صِدَاقِهَا وَ يَشْرِبْ بِهَا عَسَلًا ثُمَّ يَكْتُبْ سُورَةَ يَاسِينَ بِمَاءِ الْمَطَرِ وَ يَشْرِبْهُ، شِفَاءُ اللَّهِ، لِأَنَّهُ اجْتَمَعَ لَهُ الْهِنِيُّ وَ الْمَرِيئِيُّ وَ

ازدواج (۱۵۱)

الشِّفَاءُ وَ الْمُبَارَكُ». (۱)

چون یکی از شما را رنجی باشد سه درهم از مهریه زن خود بخواد و با آن عسل بخرد و با آب باران بیامیزد و سوره یاسین را با آن بنویسد و بیاشامد، میان هنیئ و مریئ و شفاء و برکت جمع کرده است.

روایت فوق با مقدار کمی اختلاف در بسیاری از تفاسیر، ذیل آیه ۴ سوره نساء ذکر شده است.

۳- مهریه پاداش و نشانه حیا و عزت زن است

مهر، با حیا و عفاف زن یک ریشه دارد، زن با الهام فطری دریافته است که

۱- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل: جلد ۱۵، صفحه ۸۲.

(۱۵۲) ازدواج

عزت و احترام او به این است که خود را رایگان در اختیار مرد قرار ندهد.

همین ها سبب شده که زن توانسته با ناتوانی جسمی، مرد را به عنوان خواستگار به آستانه خود بکشاند و مردها را به رقابت با یکدیگر وادار کند زن از مرد در مقابل شهوت تواناتر و خوددارتر آفریده شده است. مرد در مقابل غریزه از زن ناتوان تر است این خصوصیت همواره به زن فرصت داده است که دنبال مرد نرود و زود تسلیم او نشود و برعکس مرد را وادار کند که به زن اظهار نیاز کند و برای جلب رضای او اقدام نماید یکی از آن اقدامات این بوده که برای جلب رضای او و به احترام موافقت او هدیه‌ای نثار او کند (۱).

۱- حقوق زن در اسلام: شهید مطهری، صفحه ۲۰۱.

ازدواج (۱۵۳)

قبلا هم از علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان بیان شد که مهر را عوض عصمت قرار می دادند.

پس می توان نتیجه گرفت که مهریه عامل حفظ و کنترل دختر از انحراف و نگهداری خود می باشد. چون حفظ بکارت تا هنگام عقد شرعی و شوهر قانونی از جمله نشانه پاکدامنی و عصمت زن می باشد که اگر چنانچه شوهر شرط کند که زن باکره باشد و بعد از عقد معلوم شود که باکره نبوده می تواند عقد را بهم بزند (۱) و در این صورت مهری به زن تعلق نخواهند گرفت چون در حکم تدلیس خواهد بود.

۱- طبق فتوای امام خمینی (ره)، مسأله (۲۴۴۴) توضیح المسائل.

ازدواج (۱۵۴)

صاحب تفسیر الفرقان در مورد توصیف مهر به نحله می فرماید:

وَ آيَاتُهُ لِكِرَامَتِهِ الرَّؤُوفِيَّةِ نِحْلَةً. نِحْلَةً (مهریه) در ازاء آن کرامت و شخصیت و عزت زن است. و سپس توضیح داده است که: وَ فِي إِضَافَةِ الصَّدَقَاتِ إِلَيْهِنَّ لَمَحِيَّةٌ أُخْرَى بِذَلِكَ الْإِحْتِصَاصِ، فَلَمْ يَقُلْ: صَدَقَاتُكُمْ... وَ إِنَّمَا (صَدَقَاتُهُنَّ الْخَاصَّةُ بِهِنَّ كَحَقِّ أَصِيلٍ فِي حَقْلِ الرَّوْحِ). (۱)

در اینکه صدقات (مهر) به ضمیر هن اضافه شده نه بکم، لطف خاصی دارد، که مهریه در زندگی زناشویی، حق اصلی آنها است نه اینکه منتهی باشد.

در اسلام مهریه معرف شخصیت و استقلال زن و به معنی

۱- الفرقان فی تفسیر القرآن و السننه، جلد ۶، صفحه ۲۰۹.

ازدواج (۱۵۵)

عزت و حرمت زن می باشد زیرا که مهریه هدیه است و هدیه و پیشکش را نزد بزرگان یا کسی می برند که دل به او سپرده باشند و برای او قدر و مقام و حرمت و عزتی قائل باشند.

۴- مهر باعث کنترل و بقاء خانواده می‌شود

شاید در میان مردها کسانی پیدا شود که هوس باز باشند و پس از آنکه چشم آنها از همسرشان سیر شد و زن نشاط و جوانی و زیبایی خود را از دست داده او را رها کنند و مجدداً دنبال زنی دیگر باشند (با توجه به اینکه قدرت در دست مرد است). در نتیجه کانون گرم خانواده از هم پاشیده شده و چه بسا بچه‌هایی بی‌خانمان و محروم از تربیت خانوادگی شوند و ضررهای جبران‌ناپذیری بر پیکر جامعه خصوصاً زن وارد شود.

(۱۵۶) ازدواج

دین که در جهت بقاء و اصلاح جامعه و خانواده تلاش می‌کند باید ابزارهای کنترل‌کننده‌ای وضع کند تا جامعه و خانواده از هم پاشیده و متزلزل نشوند. یکی از آن ابزارها مهریه می‌باشد تا افرادی که بدون دلایل شرعی و قانونی نظام خانواده خود را بر هم نزنند و جلوی هوس‌های آنها گرفته شود. مهر ترمزی در برابر تمایلات مرد نسبت به جدایی و طلاق محسوب می‌شود در تفسیر نمونه در ذیل آیه ۴ سوره نساء آمده است:

درست است که مهر از نظر قوانین اسلام با برقرار شدن پیمان ازدواج به ذمه مرد تعلق می‌گیرد و زن فوراً حق مطالبه آن را دارد، ولی چون معمولاً به صورت بدهی بر ذمه مرد می‌ماند، هم اندوخته‌ای برای آینده زن محسوب می‌شود و هم پشتوانه‌ای برای حفظ حقوق او و از هم نپاشیدن پیمان زناشویی است. (۱)

ازدواج (۱۵۷)

چنانچه مردی زنی را عقد نمود بعد تصمیم گرفت او را طلاق دهد در صورتی که با او هم‌بستر نشده باشد باید نصف مهر و اگر هم بستر شده باشد تمام مهر را بپردازد.

امام خمینی (ره) می‌فرماید:

لَوْ طَلَّقَ قَبْلَ الدُّخُولِ سَقَطَ نِصْفُ الْمَهْرِ الْمُسَمَّى وَ بَقِيَ نِصْفُهُ. (۱)

اگر مرد همسرش را قبل از هم‌بستر شدن طلاق دهد نصف مهر معین ساقط می‌شود و نصف دیگر برعهده شوهر است و بر همین مبنا در قانون مدنی آمده

۱- تفسیر نمونه: جلد ۳، صفحه ۲۶۲.

۲- ترجمه تحریرالوسیله، جلد ۳، صفحه ۵۳۴، مسئله ۱۳.

ازدواج (۱۵۸)

است: (ماده ۱۰۹۲) هرگاه شوهر قبل از نزدیکی زن خود را طلاق دهد مستحق نصف مهر خواهد بود. (۱)

۵- مهر موجب تعادل اقتصادی است

داشتن امنیت اقتصادی یکی از اهداف مهم تلاش‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی می‌باشد و در ازدواج هم همین هدف دنبال می‌شود.

زن و شوهر با همفکری و ایجاد فضائی آرام و با تقسیم کارها موجب امنیت و آرامش برای فعالیت‌های اقتصادی می‌شوند، اما با اینکه زن دارای استقلال مالی می‌باشد ولی در جوامع بشری ابتکار عمل در مسائل اقتصادی و درآمدی بیشتر

۱- نظام خانواده نکاح و انحلال آن، صفحه ۲۵۹.

ازدواج (۱۵۹)

در دست مردان می‌باشد و در صورت طلاق و جدائی زن بدون پشتوانه اقتصادی می‌ماند، وجود مهریه یک نوع احساس امنیت اقتصادی و پشتوانه‌ای برای زن می‌باشد.

به علاوه مردان برای انتخاب همسر مجدد امکانات بیشتری دارند ولی زنان بیوه مخصوصاً با گذشت قسمتی از عمر آنها و از دست رفتن سرمایه جوانی و زیبایی، امکان کمتری برای انتخاب همسر جدید دارند با توجه به این جهات روشن می‌شود که امکانات و سرمایه‌ای را که زن با طلاق از دست می‌دهد بیش از امکاناتی است که مرد از دست داده است و در حقیقت مهر چیزی است به عنوان جبران خسارت برای زن و وسیله‌ای برای تأمین زندگی آینده اوست (۱) در

۱- تفسیر نمونه: جلد ۳، صفحه ۲۴۲.

(۱۶۰) ازدواج

تفسیر انوارالعرفان می‌فرماید:

مهر یک عطیه الهی است و خداوند به خاطر اینکه زن حقوق بیشتری در اجتماع داشته‌باشد و ضعف نسبی جسم وی از این طریق جبران گردد، به‌طور کامل ادا نماید (۱) لهذا در منابع فقهی و حقوقی مشاهده می‌کنیم که مهریه ملک شخص زوجه است و دیگران حتی والدین او هم حقی در آن ندارند این موضوع را در فصل‌های آینده از نظر فقهی و روایی و قانونی مفصل بحث خواهیم نمود.

مهر علاوه بر اینکه باعث تعدیل مقداری از مسائل اقتصادی است موجب تعدیل

۱- انوارالعرفان فی تفسیر القرآن: جلد ۸، صفحه ۴۴.

ازدواج (۱۶۱)

نیروی جسمانی زن و مرد نیز می‌باشد مرد که از نظر جسمانی قوی است و زن ضعیف ولی مهر موجب می‌شود که مرد با وجود احساس قدرت بدنی در مقابل زن تواضع کند بنا به فرمایش شهید مطهری:

ضعف زن در مقابل نیرومندی بدنی به همین وسیله تعدیل شده است و همین جهت موجب شده که همواره مرد از زن خواستگاری می‌کرده. (۱)

۶- مهر عطیه الهی به زن است

با استفاده از کلمه نحله می‌توان استفاده نمود که مهر یک هدیه الهی است به زن می‌باشد زیرا بسیاری از مفسران بهره‌برداری نموده‌اند، که مهر بخششی

۱- نظام حقوق زن در اسلام: شهید مطهری، صفحه ۲۰۰.

ازدواج (۱۶۲)

است از خداوند به زن که توسط شوهر به زن عطا می‌شود، زیرا نحله را معنی کرده‌اند به بخشش و هدیه اختصاصی. (۱) امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله می‌فرماید:

تَمْلِكُ الْمَرْأَةَ الصَّدَاقُ بِنَفْسِ الْعَقْدِ ... فَلَهَا التَّصَرُّفُ فِيهِ بَعْدَ الْعَقْدِ بِأَنْوَاعِهِ . (۲)

زن به محض انعقاد عقد مالک مهریه می‌شود... و زن می‌تواند پس از عقد در مهر تصرف کند.

۷- مهریه پیمان صداقت است

۱- پرتوی از قرآن: سید محمود طالقانی، جلد ۶، صفحه ۱۴.

۲- ترجمه تحریرالوسیله: امام خمینی (ره)، جلد ۳، صفحه ۵۳۴، مسأله ۱۵.

ازدواج (۱۶۳)

بقاء و دوام هر پیوندی به خصوص زناشویی در گرو صداقت و یک‌رنگی می‌باشد ازدواج‌هایی که در آن زن با شوهر صداقت ندارند دیر یا زود از هم پاشیده شده و یا به کانونی سرد و بی‌روح که در آن صلح و صفا حاکم نیست تبدیل خواهد شد. پیمان زناشویی اولین اجتماع کوچکی است که علاوه بر اینکه دارای ابعاد متعدد اقتصادی، حقوقی ... است، یک کانون مهم رشد و شکوفایی عاطفه‌ها و تربیت انسان‌های باصداقت و مهذب است که اداره جامعه فردا به عهده آنها گذاشته خواهد شد، پس خود این جامعه کوچک یعنی خانواده باید سرشار از صداقت باشد به همین جهت از مهر در قرآن شریف به صداقت تعبیر شده است، همانطوری که در تعریف مهر گذشت مرد با دادن مهر یک زندگی خالصانه و

ازدواج (۱۶۴)

صادقانه بدون غل و غش را اعلام می‌نماید.

در مورد صدق گفته شده است:

وَالصَّادِقُ مُطَابِقَةُ الْقَوْلِ الضَّمِيرِ وَالْمُخْبِرَ عَنْهُ مَعَا (۱)

صدق مطابقت و هماهنگی بین قول و چیزی است که از آن خبر داده می‌شود.

و باز گفته شده: وَالصَّادِقَةُ صِدْقُ الْأَعْتِقَادِ فِي الْمَوَدَّةِ (۲)

صداقت عبارت است از صدق اعتقاد در دوستی.

ازدواجی که باصداقت شروع شود می‌تواند یکی از مصادیق این آیه شریفه

۱- المفردات فق غریب القرآن ماده صدق.

۲- المفردات فق غریب القرآن ماده صدق.

ازدواج (۱۶۵)

باشد: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ (۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و با صادقان باشید.

۸- مهریه تضمین مادی امنیت تربیت است

سؤالی که به ذهن انسان کنجکاو می‌رسد این است که چرا زن به شوهر خود مهریه نمی‌دهد و چرا مهر بر مرد لازم است نه بر زن؟ با اینکه هر دو در زندگی و لذات زناشویی شریک می‌باشند؟

جواب روشن است: زیرا در فلسفه مهر اهداف بسیار عالی انسانی و تربیتی وجود دارد که نمی‌توان آن را همانند سایر مسائل طرفینی زناشویی و حقوقی

۱- ۱۱۹/توبه، ترجمه از کتاب تفسیر نمونه، جلد ۸، صفحه ۱۷۸، تاریخ چاپ ۳۰ شعبان ۱۳۹۹.

ازدواج (۱۶۶)

شمرد و مقایسه نمود که اگر مرد به زن خود مهری می‌دهد پس زن هم به شوهر خود مهر پردازد.

علاوه بر دلایلی که در فلسفه مهر تاکنون ذکر شد یکی دیگر از مصادیق فلسفه مهر تضمین و تأمین امنیت مادی تربیت فرزند و مساعد نمودن محیط خانه برای پرورش فرزند است.

هریک از احکام تشریحی الهی براساس حکمتی وضع شده است که باید رابطه بین حکم و موضوع را سنجید.

لزوم پرداخت نفقه و مهر از طرف مرد به زن در واقع بستگی به اهداف عالی تشکیل خانواده دارد که در رأس اهداف مقدس

خانواده ایجاد محیط امن و تربیت فرزند می‌باشد که این رسالت در خانواده بزرگ جامعه برعهده پیامبران علیه‌السلام و ازدواج (۱۶۷)

در خانواده کوچک زناشویی به صورت طبیعی برعهده زن گذاشته شده است و انجام این رسالت بزرگ تنها با مهر و محبت مادری بدون پشتوانه مادی ممکن نیست زیرا مربی این مکتب باید از لحاظ مادی (لباس، مسکن، امرارمعاش و...) تأمین باشد که به صورت نفقه تضمین شده است؛ حتی از یک پس انداز مالی (مهریه) بهره‌مند باشد که این امر نیز تضمین گردیده و برعهده شوهر گذاشته شده است.

مقام تربیتی زن (مادر) آن‌قدر باارزش است که پیامبراسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

بهشت زیر پای مادران است. (البته نه هر مادری بلکه مادری که به وظیفه مادری خود عمل کند) چون تربیت عالی‌ترین هدف خلقت است. در این راستا روایتی در علل الشرایع از محمدبن سنان نقل شده که امام رضا علیه‌السلام در مورد ازدواج (۱۶۸)

علت وجوب مهر بر مردها و عدم وجوب آن از طرف زنها فرمودند: چون مؤنه زن بر مرد واجب است زیرا زن با مرد یک قرارداد و معامله نموده و مرد مشتری می‌باشد پس باید مهریه را بپردازد. (۱)

تعیین مهر بر رضایت زوجین

تعیین مهر در عقد دائم برخلاف عقد موقت از ارکان نمی‌باشد ولی اگر زوجین بخواهند مهر تعیین نمایند نوع و مقدار آن باید روشن شود که در این فصل به دنبال روشن شدن این موضوع هستیم. از قول امام باقر علیه‌السلام نقل شده است که آن بزرگوار فرموده:

۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۵، صفحه ۲۳.

ازدواج (۱۶۹)

الصَّدَاقُ كُلُّ شَيْءٍ تَرَاضَى عَلَيْهِ النَّاسُ (۱)

هر شیء که مردم به آن رضایت داشته باشند می‌تواند مهر باشد.

امام باقر علیه‌السلام فرمودند: هر آنچه مورد رضایت طرفین قرار گیرد می‌تواند مهر قرار گیرد چه کم باشد و چه زیاد. (۲)

از این روایت فهمیده می‌شود که ملاک تعیین مقدار مهر رضایت زوجین است.

مقدار مهریه

مقدار مهریه

یکی از نکاتی که باید در مسائل حقوقی خانواده و ازدواج مطرح و روشن گردد مقدار مهریه از نظر شرع مقدس اسلام می‌باشد تا هم اهداف و فلسفه

۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۵، صفحه ۲.

۲- تهذیب الاحکام، جلد ۷، صفحه ۴۰۹.

ازدواج (۱۷۰)

وجودی مهریه تأمین گردد و هم باعث تحکیم خانواده و رفع نزاع و اختلاف شود.

سؤال‌ی که مطرح است این است که آیا برای مهر محدودیتی مشخص وجود دارد یا خیر؟ و آیا بیشتر از مهر السنه جایز است یا خیر؟ در این مورد نظراتی وجود دارد ولی قبل از طرح نظرات فقها، طبق مباحث گذشته می‌توان اظهار نظر نمود که محدودیتی نباید در مقدار مهر وجود داشته باشد؛ چون با رضایت زوجین وقتی مهر مشخص شده باشد دیگر از لحاظ کمیت چه اشکالی خواهد داشت؟

به طور کلی در میان فقها، دو نظر وجود دارد که به بررسی آنها می‌پردازیم:

۱- قائلین به محدودیت مهر

عده‌ای از فقها به پیروی از سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله قرار دادن مهر بیش از ازدواج (۱۷۱)

مهر السنه را جایز نمی‌دانند و در این مورد ادعای اجماع هم نموده‌اند که از مشهورترین آنها مرحوم اسکافی و صدوق و سیدمرتضی می‌باشند و فرموده‌اند مازاد بر مهر السنه باید برگردانده شود. (۱)

و سیدمرتضی علاوه بر منع از زیادی مهر السنه و حکم به ردّ مازاد بر آن استدلال به اجماع نموده است. (۲)
همین حکم بدون ادعای اجماع از الفقیه نقل شده است. (۳)

مهر السنه پانصد درهم معادل پنجاه دینار می‌باشد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله مهر

۱- جواهر الکلام، جلد ۳۱، صفحه ۱۵.

۲- شرح لمعه، جلد ۲، صفحه ۹۸، کتاب النکاح.

۳- جواهر الکلام، جلد ۳۱، صفحه ۱۵.

(۱۷۲) ازدواج

تمامی همسران خود را به همین مقدار قرار داد و این به عنوان سنت آن حضرت مطرح می‌باشد و سیدمرتضی و دیگران که معتقد هستند مهر نباید از مهر السنه بیشتر باشد به تبعیت از سنت رسول الله صلی الله علیه و آله فتوای داده‌اند و در روایات متعددی مهر السنه مطرح شده است؛ از جمله روایت عبدالله بن سنان که از قول امام صادق علیه السلام نقل کرده است که: «مهریه زن‌ها در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله برابر با پانصد درهم بوده است» (۱) و روایت مفضل که از امام صادق علیه السلام سؤال می‌کند «خبر بده به من از مقدار مهر زن که (لَا يَجُوزُ لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَجُوزَهُ) جایز نیست مؤمن از آن تجاوز کند؟ امام علیه السلام فرمودند: (السَّنَةُ الْمُحَمَّدِيَّةُ)

۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۵، کتاب النکاح، صفحه ۸.

ازدواج (۱۷۳)

سنت حضرت محمد صلی الله علیه و آله که پانصد درهم می‌باشد و مازاد بر آن باید برگردانده شود. (۱)
حدیث فوق مطابق با نظر سید مرتضی و همفکران او در عدم تجاوز مهر از مهر السنه است.

شیخ صدوق (علیه الرحمه) علت اینکه چرا مهر السنه پانصد درهم است از قول حسین بن خالد نقل کرده:

«حسین بن خالد (۲) می‌گوید از امام کاظم علیه السلام سؤال کردم چگونه مهر السنه

۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۵، کتاب النکاح، صفحه ۱۷.

۲- در تهذیب الاحکام، جلد ۷، پاورقی صفحه ۴۱۲ آمده است، حسن بن خالد صحیح است نه حسین بن خالد، حسن بن خالد، کان

ثقة له کتاب النوادر، پیروی عن کاظم علیه السلام.

(۱۷۴) ازدواج

پانصد درهم شده؟ امام علیه‌السلام فرمود: خداوند بر خود لازم نمود که اگر مؤمنی صد مرتبه تکبیر و صد مرتبه حمد و صد مرتبه تسبیح خدا و صد مرتبه لا اله الا الله (تهلیل) بگوید و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله بفرستد و پس از آن بگوید خداوند از حوریه بهشتی به ازدواج من در بیاور خداوند (دعایش را مستجاب نموده و) حوریه بهشتی را به ازدواج او درمی‌آورد و خداوند مهر آن حوریه را همین اذکار قرار داده است به همین جهت خداوند به پیامبرش وحی نمود که سنت قرار بدهد مهر زنان مؤمن را پانصد درهم و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله آن را انجام داد». (۱)

ازدواج (۱۷۵)

نقد نظریه قائلین به محدودیت مهریه

مستند قائلین به محدودیت مهر از چند حال خارج نیست یا باید آیات باشد که از کلمه «قنطار» در آیات خلاف آن فهمیده می‌شود (همان‌طوری که توضیح آن خواهد آمد)، یا باید روایات باشد که اولاً از روایات الزام و وجوب در محدودیت مهریه به پانصد درهم استفاده نمی‌شود، ثانیاً روایاتی داریم که خلاف آن را ثابت می‌کنند و حتی قید عدم محدودیت شده مثل روایتی که از امام صادق علیه‌السلام نقل شده:

عَنِ الصَّدَاقِ هَلْ لَهُ وَقْتُ (أَيُّ هَلْ لَهُ حَدٌّ لَا يُتَجَاوَزُ عَنْهُ)؟ قَالَ: لَا (۱) سؤال شد از

۱- علل الشرایع، صفحه ۴۹۹.

۲- تهذیب الاحکام، جلد ۷، صفحه ۴۱۲.

(۱۷۶) ازدواج

امام صادق علیه‌السلام از مهریه که آیا برای آن حدی وجود دارد؟ فرمود خیر ثالثاً همان‌طوری که در بحث بعدی خواهد آمد روایات حمل بر استحباب مهرالسنه شده است، اگر مستند قائلین به محدودیت مهریه اجماع هست همچنانکه از سید مرتضی (ره) نقل شده ملائک این اجماع مشخص نیست زیرا بسیاری از علماء خلاف این عقیده را دارند و شهید ثانی در مورد ادعای اجماع سید مرتضی فرموده:

وَالْأَجْمَاعُ مَمْنُونٌ وَ جَمِيعُ التَّفْسِيرَاتِ السَّابِقَةِ لِلْقِنْطَارِ تَرَدُّ عَلَيْهِ وَ الْخَبْرُ الصَّحِيحُ حُجَّةٌ بَيْنَهُ ، نَعَمْ يُسْتَحَبُّ الْإِقْتِصَارُ عَلَيْهِ لِذَلِكَ (۱).

ازدواج (۱۷۷)

ادعای اجماع ممنوع است و جمیع تفسیرهای که (ذیل) عبارت قنطار شده ردّ این نظریه را می‌نماید و خبر صحیح هم دلیل روشنی است بر ردّ این اجماع بلکه اکتفاء بر مهرالسنه مستحب است.

از طرفی دیگر قائلین به این نظریه یعنی محدودیت مهر، تعداد محدودی هستند بنابراین روشن نیست استناد این بزرگواران آن هم کسانی مثل سید مرتضی (ره) در اعتقاد به محدودیت مهر به مهرالسنه چه بوده است. غیر از روایاتی که قبلاً نقل شد و آنها هم دلالت بر وجوب ندارند و حداکثر می‌توان آنها را حمل بر کراهت نمود، به خصوص اینکه اگر حمل بر

۱- شرح لمعه، جلد ۲، کتاب النکاح، صفحه ۹۸.

ازدواج (۱۷۸)

وجوب شود با روایاتی که دلالت بر عدم وجوب دارند معارض خواهند بود و محدودیت در مهر را ردّ کرده‌اند.

۲- عدم محدودیت در مهر

آنچه از آیات و روایات و نظرات اکثر فقها عظام استفاده می‌شود عدم محدودیت در مهریه در حداقل و در حداکثر است به شرط اینکه از مالکیت (مثل خمر) و مالیت (مثل یک حبه گندم) خارج نشود و مورد رضایت و قبول زوجین باشد اینک ادله سه‌گانه در این مورد به اختصار بررسی می‌شود.

الف: عدم محدودیت مهر در آیات

«وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا» . (۱)

ازدواج (۱۷۹)

اگر تصمیم گرفتید که همسر دیگری به جای همسر خود انتخاب کنید و مال فراوانی (به عنوان مهر) به او پرداخته‌اید، چیزی از آن را نگیرید.

معانی مختلفی از قنطار شده ولی همه آنها از مهرالسنه بیشتر است.

راغب در مفرداتش فرموده:

«وَالْقَنْطَارِيُّ جَمْعُ الْقَنْطَرَةِ وَالْقَنْطَرَةُ مِنَ الْمَالِ مَا فِيهِ عُبُورُ الْحَيَاةِ تَشْبِيهَا بِالْقَنْطَرَةِ وَذَلِكَ عَيْرٌ مَحْدُودِ الْقَدْرِ فِي نَفْسِهِ ، ... وَقَالَ الْحَسَنُ أَلْفٌ وَمِائَتَا دِينَارٍ ، وَقِيلَ مِائَةٌ مِائَةٌ مُسْكٍ تُؤَوِّرُ ذَهَبًا» (۱)

۱- ۲۰/نساء، ترجمه از کتاب تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۳۲۱، تاریخ انتشار، اردیبهشت ۱۳۵۴.

۲- المفردات فی غریب القرآن، ماده: قنطره.

(۱۸۰) ازدواج

قنطیر جمع قنطره (به معنی پل) است مال قنطره یعنی مالی که زندگی را راه می‌اندازد همان‌طور که از پل عبور می‌کنند (یعنی مالی کافی) و اندازه آن فی حد نفسه محدود نیست ...

و بیشتر مفسرین قنطار را مال زیاد گرفته‌اند. (۱)

قنطار، به کسر قاف، به معنای مال عظیم است و در قاموس، قنطار را معادل ده‌ها هزار دینار طلا دانسته است و در المنجد آن را عبارت از وزنی دانسته که مقدار ثابتی ندارد و به تحول ایام متغیر می‌شود و به ۱۰۰ رطل که هر رطل خود

۱- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، جلد ۲، صفحه ۴.

ازدواج (۱۸۱)

۲۵۶۴ گرم است نیز اطلاق می‌گردد. (۱)

از منابع مختلف اهل سنت نقل شده که، روزی عمر بن الخطاب بالای منبر گفت: چرا مهر زنان خود را زیاد می‌کنید و حال آنکه مهر در میان رسول خدا صلی الله علیه و آله و اصحابش چهارصد درهم بوده، زنی اعتراض کرد به عمر گفت: آیا مردم را نهی می‌کنی که بیشتر از چهارصد درهم مهر زنان را قرار ندهند؟ عمر گفت: بله، آن زن گفت: آیا نشنیدی که چه چیزی در قرآن آمده؟ عمر گفت: چیست آن؟ زن گفت: و آیتیم احدهن قنطارا عمر گفت: خدایا ببخش مرا که همه مردم داناتر از عمرند،

سپس به منبر رفت اعلام کرد هر مقداری که مایل هستید

۱- بررسی حقوق خانواده نکاح و انحلال آن، صفحه ۲۲۶.

(۱۸۲) ازدواج

مهریه قرار دهید». (۱)

پس روشن می‌شود که از دیدگاه قرآن، محدودیتی برای تعیین مهریه وجود ندارد حتی عرف زمان صدر اسلام هم همین موضوع را از آیات استنباط می‌نمودند.

ب: عدم محدودیت مهر در روایات:

از مجموع روایاتی که محدثین بزرگوار در کتب روایی از معصومین علیهم‌السلام نقل کرده‌اند محدودیت فهمیده نمی‌شود به خصوص اگر بخواهیم وجوب
۱- الغدیر، جلد ۶، صفحه ۹۵.

ازدواج (۱۸۳)

مهرالسنه را اثبات کنیم بلکه در اکثر روایات عدم محدودیت استفاده می‌شود. و عبارت (الْصَّدَاقُ مَا تَرَضَا يَا عَلِيَّهِ، قَلَّ أَوْ كَثُرَ) مهر چیزی است که با رضایت بر آن توافق شود کم باشد یا زیاد. دلالت گویا و روشنی دارد که هر مقدار طرفین بر آن رضایت دادند چه کم باشد یا زیاد. دلالت گویا و روشنی دارد که هر مقدار طرفین بر آن رضایت دادند چه کم باشد یا زیاد بدون هیچ محدودیتی می‌توان مهر قرار داد. روایات به این مضمون فراوانند، از جمله روایتی که از امام رضا علیه‌السلام نقل شده که فرمود: «اگر مردی با زنی ازدواج نمود و مهرش را بیست هزار و برای پدرش ده هزار قرار داد مهر درست است و آن مقدار که برای پدرش قرار داده فاسد است». (۱) در این روایت ملاحظه می‌شود که مهریه ۲۰ هزار چندین برابر
۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۵، صفحه ۱۹.

ازدواج (۱۸۴)

مهرالسنه است اگر ۲۰ هزار درهم باشد و مهرالسنه پانصد درهم رد این صورت چهل برابر مهرالسنه است و اگر منظور این روایت ۲۰ هزار دینار باشد و مهرالسنه ۵۰ دینار در این صورت چهارصد برابر مهرالسنه خواهد بود.
اگر قرار دادن مهر بیش از مهرالسنه جایز نیست پس نباید امام معصوم علیه‌السلام برخلاف آن عمل کند، در حالی که در روایتی نقل شده امام حسن علیه‌السلام زنی را تزویج نمود و مهر او صد کنیز و همراه هر یک ده درهم قرار داد (۱) ملاحظه می‌شود غیر از قیمت کنیزها مهر دو برابر مهرالسنه می‌باشد و حتی در صحیح
۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۵، صفحه ۱۹.

ازدواج (۱۸۵)

مسلم آمده است: «ام حبیبه همسر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مهرش چهار هزار درهم و چهارصد دینار بود که نجاشی آن را از مال خودش جهت احترام به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله پرداخت نمود». (۱)
روشن است که اگر تجاوز از مهرالسنه مجاز نیست نباید پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله اجازه دهد که مهر ام‌حبیبه همسرش بیش از مهر السنه باشد، این خود دلیل دیگری است که اولاً تمام همسران آن حضرت مهریه پانصد درهم نداشته‌اند و ثانیاً مهریه بیش از مهرالسنه از نگاه روایات جایز است و هیچ منفعی ندارد؛ مضافاً اینکه وقتی از امام صادق علیه‌السلام سؤال می‌شود آیا برای مهریه حدی وجود

۱- صحیح مسلم، جلد ۹، صفحه ۲۱۵.

ازدواج (۱۸۶)

دارد؟ امام علیه‌السلام می‌فرماید خیر. (۱)

ج: نظر فقهاء در عدم محدود بودن مهر:

گرچه عده‌ای از فقهاء مثل سید مرتضی و اسکافی و صدوق، قائل به محدود بودن مهر به مهرالسنه می‌باشند که نظر آنها قبلاً مورد بررسی قرار گرفت اما اکثر فقهاء قائل به عدم محدودیت مهر هستند فقهاء بزرگوار در تعیین مهر دو چیز را قید نموده‌اند یکی رضایت طرفین دیگر اینکه در قلت به قدری ناچیز نباشد که از مالیت خارج شود با توجه به این دو قید محدودیتی در جهت کمی یا زیادی

مهر

۱- تهذیب الاحکام، جلد ۷، صفحه ۴۱۲.

ازدواج (۱۸۷)

وجود ندارد من جمله مرحوم محقق حلی (ره) می‌فرماید:

«برای مهر اندازه معینی نیست بلکه آنچه زوجین به آن راضی شوند صحیح است اگرچه کم باشد به شرط اینکه از قیمت مثل یک دانه گندم خارج نشود و همچنین محدودیتی در جهت زیادی وجود ندارد». (۱)

این نظر مورد تأیید بسیاری از فقها از جمله امام خمینی (ره) (۲) و شهیدین (ره) (۳) و صاحب جواهر (ره) (۴) و شیخ طوسی (ره) (۵) و ... می‌باشد.

مرحوم صاحب جواهر (ره) در شرح عبارۀ شرایع (وَ كَذَا لِأَخَذَ لَهُ فِي الْكَثْرَةِ)

۱- شرایع الاسلام، جلد ۲، صفحه ۵۴۵.

۲- تحریر الوسیله، جلد ۲، صفحه ۲۹۷.

۳- شرح لمعه، جلد ۲، کتاب النکاح، صفحه ۹۷.

۴- جواهر الکلام، جلد ۳۱، صفحه ۱۳.

۵- کتاب الخلاف، جلد ۲، مسأله ۳۴.

ازدواج (۱۸۸)

ادعای شهرت در حد اجماع نموده و فرموده:

«محدودیتی در مهر نمی‌باشد بنابر مشهور بین اصحاب، آن هم یک شهرت عظیمی در حدی که می‌توان ادعای اجماع نمود» (۱).

مرحوم بَرّاج در المهدّب علاوه بر ردّ محدودیت مهر فرموده: هرگاه انسان در عقد نکاح مهر را بیش از مهرالسنه قرار دهد لازم است به آن وفا کند.

و همین بزرگوار فرموده: (هُوَ عِنْدَنَا عَيْرٌ مُّقَدَّرٌ) مهر در نزد ما مقدار معینی ندارد. (۲)

۱- جواهر الکلام، جلد ۳۱، صفحه ۱۳.

۲- سلسله الینایع الفقهیه، جلد اول، جزء اول از نکاح، صفحه ۱۶۶.

ازدواج (۱۸۹)

فقها برای رضایت زوجین در تعیین مقدار مهر تا جایی اهمیت داده‌اند که اگر چنانچه زوجین بر مهری توافق کردند اولیای آنها نمی‌توانند اعتراض کنند. (۱)

کمبودن مهر مستحب است و زیادی آن مکروه

با وجود اینکه شرعا و قانونا محدودیتی در تعیین مهر وجود ندارد اما با توجه به فلسفه ازدواج، سنگینی مهر کراهت دارد - به خصوص زمانی که مهر موجب به تعویق افتادن ازدواج گردد و جنبه تشریفات و چشم و هم‌چشمی به خود بگیرد و بهانه‌ای برای نسل جوان گردد. مادامی که از مشکلات اقتصادی رنج می‌برد و با عنایت به اینکه مهر دینی است به عهده شوهر و عندالمطالبه باید پردازد، کمی آن مورد سفارش و استحباب است.

۱- کتاب الخلاف کتاب النکاح، جلد ۲، مسأله ۲۴.

ازدواج (۱۹۰)

برخلاف آنچه که تصور می‌شود، مهر سنگین ضمانتی برای تداوم و بقاء زندگی زناشویی نیست و گاهی زیادی مهر باعث بسیاری از مشکلات و از هم پاشیدگی خانواده و موجبات عذاب زن می‌گردد. و شوهر که توان پرداخت آن را ندارد جهت رهایی از این دین سنگین و نپرداختن آن دنبال بهانه‌جویی و رفتارهای ناهنجار می‌رود؛ در نتیجه زن یا باید از مهر خود چشم‌پوشی کند یا وضع رقت‌بار و نامطلوب موجود را تحمل کند؛ ولی اگر مهر کم باشد عموماً زن دچار این مشکلات نمی‌گردد. در نظام خانواده اگر مهر و محبت و علاقه حاکم نباشد مهر زیاد نمی‌تواند

ازدواج (۱۹۱)

تضمین‌کننده بقا و خوشبختی خانواده باشد در پاره‌ای اوقات زیادی مهر جز رنج و فشار روحی چیز دیگری برای زن ندارد. چه بسا سخت‌گیری و سنگینی مهر اثرات نامطلوب روانی دارد و برای استمرار در روابط خانوادگی عکس‌العمل‌های سوئی دربرداشته باشد و گاهی هم موجب انتقام‌گردد. به همین خاطر در منابع دینی هیچ‌گونه توصیه‌ای بر زیادی مهر نشده بلکه برعکس بر کمی آن تأکید و سفارش شده است. و چه بسا زیادی مهر نهی شده است.

عن علی علیه‌السلام قال: لَا تَغَالُوا بِمَهْرِ النِّسَاءِ فَيَكُونَ عِدَاوَةً (۱)

حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «مهر زنان را بالا نبرید که موجب عداوت

۱- بحارالانوار، جلد ۱۰۰، صفحه ۳۵۱.

ازدواج (۱۹۲)

می‌شود. ملاحظه می‌شود که از دید حضرت علی علیه‌السلام زیادی مهر موجب دشمنی می‌گردد. و حال آنکه به فرموده قرآن مهر باید نحلّه باشد یعنی موجب شیرینی زندگی گردد.

رُوی: أَنَّ مِنْ بَرَكَهٍ الْمَرْأَةِ قَلَّةُ مَهْرِهَا، وَ مِنْ شُومِهَا كَثْرَةُ مَهْرِهَا (۱)

روایت شده است که: «کمی مهر زن برکت و زیادی مهر شوم است» امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «نزد پدرم از شوم بودن بحث بود که پدرم فرمود شوم بودن در سه چیز است... اما شوم بودن زن در زیادی مهر او است». (۲)

۱- من لا یحضره الفقیه، جلد ۳، صفحه ۲۵۳.

۲- وسایل الشیعه، جلد ۱۵ کتاب النکاح، باب ۵ از ابواب المهور، صفحه ۹.

ازدواج (۱۹۳)

روشن است که خود انسان‌ها شوم نمی‌باشند بلکه اعمال و رفتار آنها موجب نحسی و گرفتاری خواهد شد؛ اگر مهر متعادل باشد بهتر می‌شود مشکلات را حل نمود برخلاف زمانی که مهریه زیاد و بیشتر از توان مالی شوهر باشد که در این صورت در منازعات زناشویی مشکلات زیادی وجود خواهد داشت؛ از طرفی زن در رسیدن به حق خود یعنی مهریه اصرار دارد و از طرفی شوهر که توان پرداخت را ندارد سرباز می‌زند و دامنه نزاع بالا- خواهد گرفت و نه تنها زوجین بلکه خانواده‌های مرتبط نیز دچار مشکل و ناراحتی خواهند شد که این گرفتاری شوم و بدبختی از پیامدهای زیادی مهر است، که موارد و مصادیق آن را در جامعه شاهد هستیم.

ازدواج (۱۹۴)

معنی دیگر شوم بودن مهریه زیاد این خواهد بود که وقتی جوانی توان پرداخت مهریه زیاد را ندارد از ازدواج منصرف خواهد شد، در نتیجه تجردگرایی - که متأسفانه از بلاهای عصر ماست - رواج پیدا خواهد کرد و خدای نکرده دامنه فساد در جامعه رو به افزایش خواهد گذاشت و آن عصمت لازم از بین خواهد رفت و به همین جهت نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید

:

«بهترین زنان امت من زیباترین و کم‌مهرترین آنها هستند». (۱).

با اینکه برای مهریه حد معینی تعیین نشده اما برای استحکام و بقای خانواده ملاک تعیین مقدار مهر رضایت است و آن هم تأکید بر کم بودن مهر شده است تا

۱- وسایل الشیعه، جلد ۱۵ کتاب النکاح، باب ۵ از ابواب المهور، صفحه ۹.

ازدواج (۱۹۵)

جائی که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در حدیثی هشدار داده که مهریه سنگین نباشد:

«قسم به حق آن کسی که مرا مبعوث به نبوت و رسالت نمود هر زنی که مهریه را بر شوهر سنگین بگیرد خداوند زنجیرهای آتش جهنم را بر او سنگین خواهد گرفت». (۱)

و بر همین اساس می‌توان بین این دسته از روایات و روایاتی که قبلاً در عدم محدودیت مهر بیان شد. جمع به استحباب کم بودن مهر و مکروه بودن زیادی آن نمود همان‌طوری که فقهای عظام هم بر همین مبنا فتوای به استحباب محدودیت مهر به مهرالسنه و فتوای بر کراهت زیادی آن را داده‌اند. در این رابطه مرحوم

۱- مستدرک الوسائل، جلد ۱۵، باب ۵ از ابواب المهور، صفحه ۶۸.

ازدواج (۱۹۶)

حلی فرموده:

مستحب است کمی مهر و مکروه است اینکه مهر از مهرالسنه که پانصد درهم است تجاوز کند. (۱)

فقهای بزرگوار دیگر مثل حضرت امام خمینی (۲) و شهیدین (۳) و صاحب مقنع (ره) (۴) بر همین مطلب (استحباب کم بودن و مکروه بودن زیادی آن از مهرالسنه) فتوای داده‌اند و مرحوم صاحب جواهر هم ادعای عدم خلاف در استحباب کم بودن مهر نموده است. (۵)

۱- شرایع الاسلام، کتاب النکاح، جلد ۲، صفحه ۵۴۷.

۲- تحریر الوسیله، جلد ۲، صفحه ۲۹۷.

۳- شرح لمعه، جلد ۲، صفحه ۹۸.

۴- جواهر الکلام، جلد ۳۱، صفحه ۱۶.

ازدواج (۱۹۷)

شاید بتوان از مجموع نظرات فقها و روایات، این استحباب را استحباب تأکیدی شمرد.

در ماوراء الفقه پس از اشاره به احادیثی که در مورد کم بودن مهر بیان کرده است و اینکه این روایات معتبرالسند هستند فرموده: «سیاق این روایات گرچه خبری است، اما ظاهر آنها واضح است نسبت به اینکه مراد از تشریح و انشاء (این روایات) به معنی نهی از زیادی مهر و امر به کمی آن می‌باشد، ولی اگر توجه به علت و حکمت آن بنمائیم این است که اگر اطاعت نمودیم آن حکمت که برکت است حاصل می‌شود و اگر مخالفت کردیم

۱- جواهر الکلام، جلد ۳۱، صفحه ۱۶.

ازدواج (۱۹۸)

(یعنی مهر زیاد گردد) موجب نحست می‌شود. این حکم استحبابی است که فقیه آن را حمل بر وجوب نمی‌کند». (۱)

باعنایت به ملا-ک بودن رضایت زوجین در تعیین نوع و جنس مهریه (همان‌طوری که گذشت) تفاوتی در اینکه مهر متاع یا نقدینگی (پول) باشد نخواهد بود .

اما با نظر به مطالبی که ذیلاً بیان خواهد شد ، تعیین متاع و جنس اولویت

۱- ماوراء الفقه ، السید محمدالصدر ، جلد ۶ ، صفحه ۱۳۲ .

ازدواج (۱۹۹)

خواهد داشت زیرا :

الف : یکی از اهداف و فلسفه مهر تعادل اقتصادی بین زن و شوهر است . بنابراین باید شیئی موضوع مهر قرار گیرد که به مرور زمان از ارزش آن کاسته نشود ، از طرفی پول خاصیتی جز واسطه مبادله واقع شدن را ندارد و خود ، دارای ارزش واقعی نمی‌باشد ، بلکه وسیله‌ای است قراردادی جهت سرعت انتقال کالا و مبادلات دارای ارزش و بنا به فرموده شهید مطهری :

«خاصیت اصلی و واقعی پول این است که در جریان باشد ، پول کاری جز واسطه مبادلات بودن نمی‌تواند انجام دهد ، برخلاف

کالا که می‌تواند به اصطلاح فقهی منافع یا نمائاتی داشته باشد و یا بر روی آن کار جدیدی صورت گیرد». (۱)

۱- ربا - بانک - بیمه : شهید مطهری ، صفحه ۱۳ ، مقدمه .

ازدواج (۲۰۰)

بسیار روشن است اگر در چندین سال قبل مهریه هزار تومان از ارزش و قدرت بالایی برای خرید و تهیه کالا برخوردار بوده است ولی همان هزار تومان امروز بسیار ناچیز است و ارزش آن روز خود را از دست داده است ، گرچه با رضایت طرفین بوده است اما نسبت به زن یک نوع اجحاف است .

با عنایت با اینکه قبلاً در فلسفه مهر بحث نمودیم - که یکی از اهداف تشریح مهر پشتوانه مالی زن بوده است . - اگر زن به هر عللی متقاضی مهر خود باشد و مهر هم نقدینگی (پول) باشد ، اگر زمان پرداخت مهر با زمان عقد تفاوت داشته باشد - با توجه به اینکه ارزش نقدینگی پول همیشه ثابت نمی‌باشد - آیا باید همان مبلغ زمان عقد را پرداخت یا باید ارزش مادی را به روز مقایسه و پرداخت نمود ؟

ازدواج (۲۰۱)

مسلم است که هدف از پول ، خود آن نیست بلکه تعیین مبلغ به تناسب قدرت خرید و ارزش آن بوده است و پول اعتبار است نه حقیقی ، اعتبار آن هم بستگی دارد به مقدار متاع مورد نیاز که می‌توان تهیه نمود . اگر ارزش پول در هنگام عقد به ارزش هنگام پرداخت نباشد زن هرگز قبول نمی‌کرد .

هنگام طرح اصلاح قانون طلاق در مجلس شورای اسلامی یکی از نمایندگان در نطق خود گفت :

«اسلام بالا-تر از این حرفهاست حتی مهریه‌ای که سابقاً برای یک زن مثلاً هزار تومان ، هزار و پانصد تومان می‌دادیم در این مسأله فقها تصریح کرده‌اند که باید ارزش مالی آن زمان را در نظر گرفت - مثلاً با هزار تومان می‌شد یک خانه خرید اما حالا هزار تومان مزد یک‌عمله در روز است - حتی در پرداخت مهریه باید

ازدواج (۲۰۲)

به ارزش روز رجوع کنیم ... بعضی از فقهای فعلی در رساله‌هایشان این را تصریح کرده‌اند». (۱)

ب : از مجموع روایات و نظرات فقها استنباط می‌شود که متاع بودن مهریه بیشتر مورد نظر است چون در روایات جنس بیشتر آمده تا درهم و دینار (۲) مثلاً در روایات ، منزل (۳) زمین (۴) باغ (۵) آموزش (۶) خادم (۷) به عنوان مهر اشاره

- ۱- مذاکرات مجلس جلسه ۴۰۳ سال ۱۳۷۰ (۳/۷/۷۰) (فیش ۶۰۹۳۲) کتابخانه مجلس .
- ۲- وسائل الشیعه، جلد ۱۵ (ابواب المهور)، باب ۴، حدیث ۳، باب ۵، حدیث ۲ و ۴ .
- ۳- وسائل الشیعه، جلد ۱۵ (ابواب المهور)، باب ۴، حدیث ۳، باب ۵، حدیث ۲ و ۴ .
- ۴- فقه اسلامی و ادلته (الاحوال الشخصیه)، جلد ۷، تألیف الدكتور و هبة الزخیلی، صفحه ۲۵۸ .
- ۵- وسائل الشیعه، جلد ۱۵، ابواب المهور، باب ۳۰، حدیث ۱ .

ازدواج (۲۰۳)

شده است و در بعضی از روایات از درهم و دینار به عنوان قیمت متاع و جنس مورد نظر، اشاره گردیده است (۱) در نظری اشراف گونه بر فتوای فقها هم این مطلب مشاهده می‌شود. مثلاً در المراسم العلویه می‌فرماید:

مهر بر دو قسم می‌باشد: طلا و نقره و هر آنچه برایش قیمتی باشد و هیچ شبه‌ای نیست در اینکه طلا و نقره مهر قرار گیرد. (۲) همچنین می‌توان اولویت داشتن متاع و جنس به عنوان مهر بر پول از نظر شیخ مفید در المقنعه را فهمید که

- ۱- مستدرک الوسائل، جلد ۱۵ (ابواب المهور)، باب ۱۵، حدیث ۱ .
- ۲- مستدرک الوسائل، جلد ۱۵ (ابواب المهور)، باب ۱۵، حدیث ۱ .
- ۳- تهذیب الاحکام، جلد ۷، صفحه ۴۱۲، حدیث ۱۱ از باب ۱۰ ابواب المهور .
- ۴- سلسله الینایع الفقهیه، جلد اول، جزء اول از نکاح، صفحه ۱۳۴ .

ازدواج (۲۰۴)

فرموده: مهر هر آن چیزی است که برایش قیمتی باشد از طلا و نقره و متاع و زمین (۱) و همچنین از نظرات امام خمینی (ره) (۲) و صاحب شرایع الاسلام (مرحوم محقق حلّی) (۳) و صاحب جواهر الکلام (۴) قرار گرفتن متاع به عنوان مهر بیشتر استفاده می‌شود تا پول .

در تأیید این نظریه که قرارداد متاع و جنس به عنوان مهر اولویت دارد بر قرار دادن پول به عنوان مهر، نظر مفسرین در ذیل آیه شریفه ۲۳۶ بقره

- ۱- سلسله الینایع الفقهیه، جلد اول، جزء اول از نکاح، صفحه ۱۳۴ .
- ۲- تحریر الوسیله، جلد ۲، صفحه ۲۹۷ .
- ۳- شرایع اسلام فی مسائل الحلال و الحرام جلد ۱ - ۲ صفحه ۵۴۵ .
- ۴- جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد ۳۱، صفحه ۳ .

ازدواج (۲۰۵)

می‌باشد که در توضیح جمله (و مَتَّعُوهُنَّ) فرموده‌اند:

«نکته جالب دیگری که از آیه استفاده می‌شود این است که: قرآن از هدیه‌ای (مهری) که مرد باید به زن بپردازد، تعبیر به متاع کرده است و متاع در لغت به معنی چیزهایی است که انسان از آنها بهره‌مند و متمتع می‌شود و غالباً به غیر پول و وجه نقد اطلاق می‌گردد، زیرا به طور مستقیم از پول نمی‌توان استفاده کرد بلکه باید به متاع تبدیل شود. (۱)

۱- لَا جُنَاحَ عَلَیْكُمْ اِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ اَوْ تَفْرِضُوهُنَّ فَرِیضَةً وَّ مَتَّعُوهُنَّ اِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مِنْ قَبْلِ اَنْ يَمْسُوهُنَّ اَوْ تَفْرِضُوهُنَّ فَرِیضَةً وَّ مَتَّعُوهُنَّ اِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مِنْ قَبْلِ اَنْ يَمْسُوهُنَّ اَوْ تَفْرِضُوهُنَّ فَرِیضَةً وَّ مَتَّعُوهُنَّ اِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مِنْ قَبْلِ اَنْ يَمْسُوهُنَّ اَوْ تَفْرِضُوهُنَّ فَرِیضَةً . ترجمه از کتاب تفسیر نمونه، جلد ۲، صفحه ۱۴۰، چاپ دوم بهمن ۱۳۵۳ .

ازدواج (۲۰۶)

با یک دید کلی در منابع روایی و فقهی و تفسیری مربوط به مهر می‌توان به این نتیجه رسید که قرارداد متاع و جنس به عنوان مهر بیشتر مورد توجه است تا پول و نقدینگی؛ پول بیشتر نماینده و وسیله انتقال می‌تواند باشد (مثل چک بانکی یا سفته) مضافاً بر اینکه اگر متاع به عنوان مهر قرار داده شود نه تنها موجب ضرر زن نخواهد بود بلکه زمینه نزاع هم کمتر خواهد شد.

علاوه بر مستندات گذشته مبنی بر اولویت قرار دادن متاع به عنوان مهر به جای پول، تبصره ذیل ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی می‌باشد. تبصره: چنانچه مهریه وجه رایج باشد، متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری

ازدواج (۲۰۷)

اسلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و پرداخت خواهد شد مگر اینکه زوجین در حین اجرای عقد به نحو دیگری تراضی کرده باشند.

معلوم بودن مهر

یکی از نکاتی که باید از سوی زوجین هنگام عقد مورد توجه قرار گیرد مشخص بودن مهریه است که نباید ابهام و جهالتی در کار باشد. اگرچه لازم نیست به صورت دقیق تعیین گردد ولی باید به نحوی باشد که موجب اختلاف و ضرر برای زن نگردد. اگر عقد بر مهری تعلق گیرد که روشن نباشد و در آن ابهام و جهل در کار باشد، مثل اینکه مهر یک زمین نامشخص یا شیئی مجهول قرار گیرد در این صورت عقد صحیح است ولی مهر باطل می‌گردد و باید مهر المثل معین نمود. زیرا مهر از ارکان عقد نمی‌باشد تا عقد هم فاسد گردد، اما مهر یک حق است که

ازدواج (۲۰۸)

باید مهر المثل طبق ادله، جایگزین مهر المسمی مجهول گردد.

از جمله ادله‌ای که می‌توان در مورد معلوم بودن مهر به آن استناد نمود روایاتی است که طبق آنها باید مهر به صورتی مشخص شود که رفع ابهام گردد، مثل صحیح محمد بن مسلم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای مردی مشخص می‌نماید که عوض از مهر به زن قرآن بیاموزد. (۱)

همچنین اگر عقد منعقد گردد بر مهر مجهول مهر المثل تثبیت می‌شود مثل روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

«اگر کسی ازدواج نماید با یک مهر مجهول، عقد فاسد نیست، اما برای زن

۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۵، باب دوم از ابواب المهور، حدیث ۱.

ازدواج (۲۰۹)

مهر المثل است تا مادامی که از مهر السنه تجاوز نکند». (۱)

مهریه و ملکیت آن

مهر ملک زن است

در ادیان گذشته خدمت و کار زوج برای پدر زوجه به عنوان مهریه قرار می‌گرفت. مثل خدمت حضرت موسی علیه السلام برای حضرت شعیب که در قرآن آمده است.

قَالَ اِنِّي اُرِيْدُ اَنْ اُنْكِحَكَ اِحْدَى ابْنَتِي هَاتَيْنِ عَلَيَّ اَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَجٍ فَاِنْ اَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ. (۲)

۱- مستدرک الوسائل، جلد ۱۵، کتاب النکاح، صفحه ۹۷.

(۲۱۰) ازدواج

(شعیب) گفت: من می‌خواهم یکی از این دو دخترم را به همسری تو درآورم به این شرط که هشت سال برای من کار کنی؛ و اگر آن را تا ده سال افزایش دهی محبتی از ناحیه توست.

همان‌طوری که از این آیه شریفه استفاده می‌شود، حضرت شعیب علیه‌السلام از حضرت موسی علیه‌السلام می‌خواهد که به‌عنوان مهریه هشت سال برای او خدمت کند، اما این قانون در اسلام منسوخ شده است و قابل اجرا نیست و تمام مهر، ملک شخصی زوجه می‌باشد و نمی‌توان مهر و یا مقداری از آن را برای فرد دیگری حتی پدر و مادر زوجه قرار داد و آن مقدار که برای غیر زوجه به عنوان مهر

۱- ۲۷ / قصص - ترجمه از کتاب تفسیر نمونه جلد ۱۶، صفحه ۶۳، چاپ ۱۲ تابستان ۱۳۷۴.

ازدواج (۲۱۱)

معین شده باطل است و زوج الزامی به پرداخت آن ندارد و هیچ‌کس هم بدون اذن و رضایت زوجه مجاز به تصرف در مهر تصرف نیست.

احتمالاً تا قبل از اسلام هم مهریه از آن پدر زن بوده نه از آن زن، در تأیید این مطلب در ذیل آیه شریفه ۴ از سوره نساء در تفسیر منهج‌الصادقین آورده است: «چون زن را به خودی می‌دادند مهر را برای خود می‌گرفتند و چیزی به زن نمی‌دادند و چون زن را به غریبه می‌دادند آن را بر شتری می‌نشانند، همان شتر را به آن زن می‌دادند و چیزی دیگر (از مهر) به او نمی‌دادند خداوند این آیه را نازل کرد: «وَأْتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرَاتًا»:

بدهید زنان را مهر ایشان به خوشدلی و اگر زنان در گذرند به خوشدلی برای

ازدواج (۲۱۲)

شما از بعض مهر پس بخورید آن را سازگار و خوشگوارا. (۱)

با نزول این آیه احکام سابق فسخ شد و دیگر کسی حق نداشت مهر زن را بدون رضایت قلبی او تصاحب کند.

در تفسیر شریف لاهیجی فرمود: «مخاطب، اولیاء یتیمان است و مراد از نساء ایتم است» (۲) زیرا طبق فرموده صاحب تفسیر کشف الحقائق در زمان جاهلیت دختران یتیم را نگهداری می‌کردند، اگر صاحب مال و جمال بود به او رغبت کرده نکاح می‌کردند و اموال او را تصاحب می‌نمودند. (۳)

۱- منهج‌الصادقین (تفسیر فارسی)، جلد ۲، صفحه ۴۳۲.

۲- شریف لاهیجی (تفسیر فارسی)، جلد ۱، صفحه ۴۳۳.

ازدواج (۲۱۳)

بین مفسرین در اینکه مورد خطاب در آیه شریفه کیست اختلاف است عده‌ای فرموده‌اند مخاطب والدین هستند و گروهی فرموده‌اند اولیاء یتیمان و گروهی دیگر فرموده‌اند شوهران هستند، در هر صورت مخاطب هرکس باشد حکم یکی است، یعنی مهر زن را به او بدهید و بدون طیب نفس او در مهر تصرف نکنید، اما اگر چنانچه زن از روی میل و بدون اکراه مهر را بخشید، به صورت گوارا تصرف کنید و هیچ اکراهی بر شما نیست.

قراردادن مهر یا قسمتی از آن برای پدر زن یا غیره (به جز زوجه) از دید فقهای عظام جایز نمی‌باشد - بدون اینکه خلافی وجود داشته باشد - در این راستا

۱- کشف الحقائق، جلد ۱، صفحه ۳۲۸.

ازدواج (۲۱۴)

می‌توان به نظر مرحوم شیخ طوسی (ره) اشاره نمود:

«اگر برای زن مهر قرار داده شود و برای پدر زن هم مقداری (از مهر) معین گردد ازدواج صحیح است بدون هیچ خلافی اما آن مقدار که برای زن قرار داده شده است واجب است بر مرد که اداء کند ولی مقداری که برای پدر زن معین شده واجب نیست و مرد اختیار دارد بپردازد یا نپردازد.

مرحوم شیخ طوسی می‌فرماید: «دلیل ما هم اجماع و روایات است». (۱) از نظر مرحوم شیخ استفاده می‌شود که در صورتی که مقداری از مهر برای پدر زن یا ولی او قرار داده شود به عنوان مهر نخواهد بود بلکه در حکم هبه یا بخشش

۱- کتاب الخلاف، جلد ۳، کتاب الصداق مسأله ۳۱.

ازدواج (۲۱۵)

دیگری است که زوج در صورت تمایل می‌تواند بپردازد یا نپردازد، چون اگر از مهریه محسوب شود باید به زن بدهد و زن حق هرگونه تصرف بر مهر خود دارد.

حکم شیربها

در بعضی از بلاد متعارف است مبلغی را از داماد به عناوین مختلف مثل شیربها و پیشکش و هدیه و پدر و کیلی، مهر حاضر و ... گرفته می‌شود، که در این مورد لازم است توضیحی داده شود:

اگر این مبلغ تحت هر عنوانی جزء مهر قرار گیرد به این معنی که پدر و مادر را در مهر شریک کرده باشند، فقط مقداری که برای زوجه معین شده به عنوان مهر محسوب و مابقی باطل و زوج الزامی به پرداخت ندارد (۱) اگر این مبلغ به

۱- جواهرالکلام، جلد ۳۱، صفحه ۲۹.

ازدواج (۲۱۶)

عنوان رضایت بستگان زوجه آن هم با طیب خاطر زوج هدیه شود در مقابل زحمات انجام شده در امر ازدواج برای گیرنده حلال است اما اگر زوج رضایت خاطر نداشته و علیرغم حصول رضایت خاطر دختر، تنها به خاطر رفع مزاحمت بستگان از انجام ازدواج ناچار به پرداخت وجهی یا مالی گردد وجه دریافتی یا مال شرعاً حرام خواهد بود. (۱)

حبس مهریه

یکی از مسائلی که در این فصل مورد بررسی قرار خواهیم داد عدم جواز

۱- تحریرالوسیله، جلد ۲، صفحه ۲۹۹.

ازدواج (۲۱۷)

حبس مهر و لزوم پرداختن مهر، به زوجه در زمان مطالبه است. زیرا مهر برای زوجه حقی ثابت و دینی است برعهده زوج، در صورتی که مهر مدت نداشته باشد یا مدت آن تمام شده باشد زن حق مطالبه آن را دارد و زوج هم شرعاً و عقلاً و قانوناً موظف به پرداخت آن می‌باشد و حق تخلف و حبس آن را ندارد والا غاصب و گنهکار محسوب می‌شود.

سرباز زدن از پرداخت مهریه زن و آن را با اجبار و اکراه و توأم با رنجش زوجه پرداخت نمودن، علاوه بر اینکه با فلسفه مهر (که قبلاً بحث شد) منافات دارد، مخالف با مفهوم آیه شریفه (فَأَنْ طِئِنَ) (۱) می‌باشد که باید مهریه را با طیب

(۲۱۸) ازدواج

خاطر و میل قلبی پرداخت نمود، در آیات شریفه‌ای که مربوط به مهر است تعابیر بسیار بالا- و زیبایی در مورد مهر داریم که مفسرین بزرگ روی آنها عنایت خاصی نموده‌اند. همانطوری که قبلاً در ذیل آیه سوره نساء (۱) از قول مفسرین نقل شد، اولیاء زن یا اولیاء ایتم (یا همانطوری که قبل از نزول این آیه در گذشته مرسوم بوده) مهر را به زن نمی‌داده‌اند در این آیه اولیاء و شوهران مخاطب قرار گرفته‌اند، که مهریه زن را به آنها بدهید چون حق آنها می‌باشد، مگر اینکه با میل و رغبت خود چیزی از آن را به شما ببخشند.

۱- لا- جُنَاحَ عَلَیْكُمْ اِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ اَوْ تَفْرِضُوَالِهِنَّ فَرِيضَةً وَّمَتَّعُوهُنَّ تَرْجَمَه: بدهید زنان را مهر ایشان با خوشدلی و اگر زنان در گذرند با خوشدلی برای شما از بعض مهر پس بخورید آن را سازگار و خوشگوار. تفسیر منهج الصادقین صفحه ۴۲۳. ازدواج (۲۱۹)

در این آیه شریفه نه تنها دستور پرداخت مهر به زن داده شده، بلکه با کلمه (نحله) کیفیت آن را هم بیان کرده است. یعنی به صورت هدیه‌ای شیرین و باطیب نفس و بدون هیچ مضایقه و تعلل مهریه را به زن پرداخت نمایید و همچنین هیچ گونه منّتی و چشم‌داشتی نداشته باشید.

ظاهر آیه آن است که آنچه مهر زنان است بدون مطالبه آنها و محاکمه و مخاصمه پردازید، چه اینکه در غیر این صورت، (نحله) شیرین نخواهد بود و این خلاف دستور خداوند است.

انسان مؤمن و پایبند به حقوق الناس، باید قبل از اینکه زن مهر خود را مطالبه بنماید - هرچند زن بی‌نیاز از مهریه باشد - مهریه او را پردازد - حتی اگر نمی‌تواند یکجا بدهد قسط‌بندی نموده و خود را بری‌الزمه بنماید - اتفاقاً در قانون ازدواج (۲۲۰)

مدنی ماده ۱۰۸۳ فرموده است: برای تأدیه تمام یا قسمتی از مهر می‌توان مدت یا اقساطی قرار داد.

از ماده فوق استفاده می‌شود که لازم نیست مهریه یک جا پرداخت گردد بلکه می‌توان ضمن عقد برای پرداخت تمامی مهر اجل قرار داد و یا قسمتی از آن را مدت‌دار و قسمتی دیگر حال قرار داد و قسمتی یا تمام آن را در ضمن عقد یا بعد از عقد قرار داد نمود که به صورت قسطی پرداخت شود که تأدیّه آن برای زوج سنگین نباشد، باید این فرهنگ دینی در میان جامعه ایمانی تثبیت شود که این خود موجب کند شدن سیر صعودی و تعدیل مهریه خواهد شد و مشکل بالا بردن به عنوان یک مانع ازدواج از سر راه جوانان برداشته خواهد شد و دیگر شاهد آن نخواهیم بود که زن برای گرفتن مهر خود به دادگاه مراجعه کند و مهر در کام او

ازدواج (۲۲۱)

تلخ شود و یا به خاطر رهائی از آزار شوهر خود مجبور باشد مهریه‌اش را ببخشد، بدون اینکه پشتوانه مادی داشته باشد.

در روایات وارده از معصومین علیهم‌السلام هر شیوه و روشی که موجب تزییع مهریه زن شود به شدت مورد نکوهش قرار گرفته و در ردیف اعمال ناپسند و مذموم قرار داده شده است که جهت تنبه به چند دسته از روایات ذیلاً اشاره می‌شود:

الف: غاصب مهر بخشیده نمی‌شود:

رعایت حقوق در اسلام نشانه کرامت انسان مؤمن است و مهم‌ترین حقی که باید رعایت نمود و قابل بخشش نیست حق الناس است و نیز از مصادیق حق الناس مهریه می‌باشد لذا پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در حدیثی فرمودند:

«خداوند در روز قیامت هر گناهی را می‌بخشد مگر مهر زن‌ها را (اگر شوهری

ازدواج (۲۲۲)

آن را نپرداخته باشد یا زن آن را نبخشیده باشد». (۱)

و در حدیث دیگر که حضرت علی علیه السلام از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند، استفاده می‌شود: کسی که مهریه همسرش را ندهد غاصب است همانند کسی که غصب احق اجیرش بنماید که نمی‌شود بخشید. (۲)

کسی که غاصب اموال دیگران باشد علاوه بر اینکه گناهکار است اعمال شرعی او هم مورد اشکال است.

امام خمینی (ره) در تعریف غصب فرموده‌اند: «غصب استیلاء بر چیزی است

۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۵، صفحه ۲۲.

۲- مستدرک الوسائل، جلد ۱۵، صفحه ۷۲.

ازدواج (۲۲۳)

که مربوط به غیر است از مال یا حق آن هم به صورت عدوانی». (۱)

در کنزالعرفان در ذیل آیه ۴ سوره نساء قول خداوند (فَإِنْ طَبِنَ) فرموده: جمله فان طبن در آیه دلالت دارد بر عدم جواز غصب مهر و مکر و حيله (جهت فرار از پرداخت) و اکراه و مجبور نمودن بر اینکه زن مهر خود را نگیرد. (۲)

بنابراین نپرداختن مهریه با عدم رضایت زوجه یک نوع غصب است و احکام غصب بر آن جاری خواهد بود مگر نپرداختن مهر از روی فقر باشد یا اینکه زن راضی باشد.

ب: غاصب مهر در پیش خدا، زانی است

۱- تحریر الوسیله، جلد ۲، صفحه ۱۷۲.

۲- کنزالعرفان فی فقه القرآن، جلد ۲، صفحه ۲۰۲.

ازدواج (۲۲۴)

در بعضی از روایات زوجی که از پرداخت مهریه زوجه‌اش خودداری کند در نزد خدا در حکم زانی شمرده شده است، چون او یک متجاوز به حدود خداوند است. از جمله این روایات، روایتی است از امام صادق علیه السلام:

«کسی که ازدواج نماید با زنی و قصد دادن مهر را نداشته باشد در نزد خداوند زانی می‌باشد». (۱)

شاید بتوان ادعای حدیث فوق را با روایتی که از حضرت علی علیه السلام در ذیل آیه شریفه (وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً) (۲) نقل شده است تبیین نمود، زیرا آن حضرت فرمود: «خداوند می‌فرماید بدهید مهری که به وسیله آن زن‌ها (همبستر

۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۵، صفحه ۲۲.

۲- ۴ / نساء.

ازدواج (۲۲۵)

شدن) بر شما حلال شدند، پس کسی که ظلم کند به زن‌ها در مهر آنها زانی محسوب می‌شود». (۱)

ج: غصب مهر از پلیدترین گناهان است

ستم وجود نسبت به کسی که قدرت دفاع ندارد و زبردست محسوب می‌شود از پست‌ترین گناهان است، به خصوص اینکه یک نوع جنایت به شریک زندگی باشد آن هم با اعتمادی که او نموده است لذا از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

«پلیدترین گناهان سه چیز است، کشتن حیوانات و حبس و ندادن مهریه زن و

۱- مستدرک الوسائل، جلد ۱۵، صفحه ۷۲.

ازدواج (۲۲۶)

منع ندادن مزد و اجرت اجیر». (۱)

د: حبس مهر یک نوع دزدی است

از آنجائی که مهر از هنگام انعقاد عقد نکاح بر ذمه شوهر است که عندالمطالبه باید به زوجه بپردازد ، چنانچه نپردازد در حکم سارقی است که آن را می‌رباید و به مالک آن (یعنی زوجه) نمی‌دهد لذا امام صادق علیه‌السلام فرمودند :

«کسی که مهری را تعیین کند و قصد دادن آن را نداشته باشد به منزله دزد می‌باشد». (۲)

۱- مستدرک الوسایل ، جلد ۱۵ ، صفحه ۷۲ .

۲- مستدرک الوسایل ، جلد ۱۵ ، صفحه ۲۱ .

ازدواج (۲۲۷)

و در همین باره در روایتی ، امام صادق علیه‌السلام فرمودند :

«دزدی سه قسم است ؛ ندادن زکات و حلال شمردن مهر زن (یعنی ندادن آن به زوجه) و ندادن دین و قرض به صاحبش». (۱)

در واقع روایت دوم توجیه می‌کند که چرا به غاصب مهریه دزد اطلاق می‌شود ، زیرا مهریه در حکم دین و قرض در دست شوهر است که باید هنگام مطالبه به زوجه برگرداند و اگر امتناع نمود در حکم دزد می‌باشد .

ه : غاصب مهر پیمان شکن است

در زندگی مقدس‌ترین پیمان‌ها پیوند زناشویی است که گاهی در ضمن این

۱- مستدرک الوسایل ، جلد ۱۵ ، صفحه ۲۱ .

ازدواج (۲۲۸)

پیمان مهر هم شرط می‌شود ، پایبند بودن به شرط همان قدر ارزش دارد که پیوند زناشویی ارزش دارد ، گرچه به توصیه آیات شریفه ، مؤمن باید پایبند به عهد و قرارداد خود باشد . به دلیل قول خداوند : والمؤمنون عند شروطهم . (۱)

مؤمنین پایبند شروط خود هستند.

نبی بزرگوار اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند : اولی‌ترین شرطی که باید به آن وفا کنند آن است که آنچه به آن فرج حلال شده است تمام و کمال بدهند. (۲)

در حدیث مناهی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده که آن حضرت فرمودند :

«کسی که نسبت به مهر زن ظلم کند در نزد خداوند زانی است ، خداوند متعال

۱- ۵ / مائده .

۲- روض الجنان و روح الجنان (تفسیر فارسی قرآن) ، جلد ۵ ، صفحه ۲۳۲ .

ازدواج (۲۲۹)

در روز قیامت می‌فرماید : بنده من ، بنده‌ام را بر عهد و پیمانم به ازدواج تو در آوردم (اجازه دادم با او ازدواج کنی) و تو به عهدت وفا نکردی (مهرش را ندادی) و ظلم کردی ، پس از حسنات او (مرد غاصب مهر) می‌گیرد و به زن می‌دهد به اندازه حق آن زن ، اگر حسنات مرد کفایت نکرد او را وارد بر آتش می‌گرداند به جهت پیمان‌شکنی چون از هر پیمانی پرسش خواهد شد (آیا وفا شد یا خیر)». (۱)

از این حدیث روشن می‌شود که اگر در مورد مهر پیمان‌شکنی شود حساب مرد پیمان‌شکن با خداوند است ؛ چون شاید زن نتواند حق خود را بگیرد .

۱- وسائل الشیعه ، جلد ۱۵ ، صفحه ۲۲ .

ازدواج (۲۳۰)

- تفسیر جوان، محمدیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد ۲.
- تفسیر جوان، محمدیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد ۱۷.
- تفسیر جوان، محمدیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد ۳.
- تفسیر جوان، محمدیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد ۴.
- تفسیر جوان، محمدیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد ۵.
- تفسیر جوان، محمدیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد ۱۳.
- تفسیر جوان، محمدیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد ۱۴.
- تفسیر جوان، محمدیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد ۱۶.
- تفسیر جوان، محمدیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد ۲۴.
- (۲۳۱)

- تفسیر نمونه، آیت‌الله مکارم شیرازی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، جلد ۳.
- تفسیر نمونه، آیت‌الله مکارم شیرازی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، جلد ۸.
- تفسیر نمونه، آیت‌الله مکارم شیرازی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، جلد ۷.
- تفسیر نمونه، آیت‌الله مکارم شیرازی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، جلد ۲.
- تفسیر نمونه، آیت‌الله مکارم شیرازی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، جلد ۲۷.
- تفسیر بیان، محمدیستونی، اول، تهران، انتشارات فراهانی، ج ۲.
- تفسیر بیان، محمدیستونی، اول، تهران، انتشارات فراهانی، ج ۳.
- تفسیر بیان، محمدیستونی، اول، تهران، انتشارات فراهانی، ج ۴.
- تفسیر بیان، محمدیستونی، اول، تهران، انتشارات فراهانی، ج ۷.
- تفسیر بیان، محمدیستونی، اول، تهران، انتشارات فراهانی، ج ۸.
- (۲۳۲)

- تفسیر بیان، محمدیستونی، اول، تهران، انتشارات فراهانی، ج ۹.
- تفسیر بیان، محمدیستونی، اول، تهران، انتشارات فراهانی، ج ۱۴.
- تفسیر بیان، محمدیستونی، اول، تهران، انتشارات فراهانی، ج ۱۸.
- تفسیر بیان، محمدیستونی، اول، تهران، انتشارات فراهانی، ج ۲۲.
- تفسیر بیان، محمدیستونی، اول، تهران، انتشارات فراهانی، ج ۲۸.
- تفسیر بیان، محمدیستونی، اول، تهران، انتشارات فراهانی، ج ۲۹.
- زن و عدالت اجتماعی، رفسنجانی، انتشارات صفیر صبح، ۱۳۸۰، چاپ اول.
- مسائل ازدواج و حقوق خانواده در اسلام، بابازاده، اکبر.

ازدواج موقت در اسلام

مباحثی از حقوق زن

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۵۲۴۰۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهنانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

